

مهساهای غزل

دیوان غزلیات نوید اخگر





FÖRFATTAREN : NAWID AKHGAR

ISBN : 978 91 979395 3 9

تدوین : مهندس کیارخ داستان

در مهساهای غزل بعلاوه غزل‌های روزانه منتشر شده در فیس بوک ها و فضای مجازی با مقالات و اظهار نظرهای مستقیم من هم روبرو هستید. مسائل روز ایران و جهان بعنوان تحلیل های سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی . این کتاب تقدیم میشود به مهساهای ایران که آوای پرچم در اهتزاز مبارزاتشان نه تنها سراسر ایران که بر سراسر جهان طنین انداز شده است و میرود تا جرثومه فساد اسلامی آخوندی قرآنی سالیان سرکوب آخوند و اسلام را در قبر تاریخی آنان دفن نماید.

مهسا های غزل پیام روشن زنان و مردان سکولار دمکرات و آزاده ایست که نه اسلام را نه لچک را نه قرآن و آخوند و نوچگان اسلامی و محجبه و مکلای آنان را میپذیرند و نه به کمتر از آزادی ایران از زیر یوغ بیگانگان عرب و عرب پرست و اسلامی رضایت میدهند.

در نظر سنجی های اخیر در ایران نشان میدهد که بیش از ۸۰ درصد مردم خواهان گذار از اسلام و آخوند و این حکومت ننگین آدمکش و کودک کش هستند. گذار از اسلام از آخوند و از مسلمانان لچکی عقب مانده و ارتجاعی آنهایی که خیال میکنند مانند رژیم آخوندی اسلامی اگر با پولهای فراوان چند تن از پارلمانتر های اروپا را خریدند و آنان را از پروژة زن زندگی آزادی منصرف کردند مردم ایران را خانه نشین خواهند کرد. تعداد دیگری که آنها هم با صرف پولهای هنگفت مانند مجاهدین خیال میکنند با کشاندن سیاستمداران بازنشسته امریکائی و اروپائی به نشست های خود و تبلیغات برای ریاست جوئی و رهبری خود مردم به تشکیلات آنان خواهند پیوست سیاست جدید زن زندگی آزادی را نیاموخته اند و خیال میکنند ایران اسلامیزه میشود و تحت قیومت لچک و تحجر آنان قرار خواهد گرفت.

در یک کلام باید به هر دو دسته اسلامیست های در قدرت و در خارج قدرت بگوئیم که انقلاب زن زندگی آزادی از روی آنان عبور کرده است و پذیرای رهبری هرمی و از بالای آنان نیست زیرا اسلام در ایران مرده و جسد متعفن آنرا نمیشود بزور پول و شعار و نشست دیپلماتیک سر پا نگاه داشت. انقلاب زن زندگی آزادی نشان داد که رهبری افقی و نه عمودی و از بالای آن کارساز و آینده نگر است. این نگاه هم براست و هم به چپ و نیز میانه طیف های سیاسی نظر دارد.

آخوند و اسلام نه تئوری اقتصادی برای پیشرفت جامعه در دست دارد و نه از تئوریهای اجتماعی و سیاسی بهره برده است اقتصادش مال خر است یعنی مال آخوند که با آن همچون شوروی سابق به چندین کشور دور و نزدیک پول پخش میکند و وقتی مثلا زلزله ای شهر خوی را ویران کرد مسئولین کشور میگویند پولی که باید برای زلزله زدگان خرج میشد خرج باز سازی عتبات عالیات شده که در اساس باید از بنیاد ویرانش کرد.

وضع اقتصادی مردم به بدتر از خراب منجر شده و نان خشک هم از سفره مردم رخت بر بسته و دهک های میانی اجتماع همه به زیر خط فقر سقوط کرده اند و اقتصاد دانان سراسر کشور همه مجهز به دیدگاه سرنگونی کوتاه مدت رژیم شده اند و رژیم برای برپای ماندن هیچ امکانی برای رهایی مردم ندارد و تنها میکشد زندانی و اعدام میکند در اینجا است که انقلاب زن زندگی آزادی با صدائی رسا تر از هر موقعیت دیگر برای سرنگونی آخوند و اسلام قیام کرده و قد علم میکند آمدن به خیابان برای بزرگ کشیدن این جرثومه فساد اسلامی آخوندی یک الزام زمانی است.

برای رسیدن به یک جامعه سکولار دموکرات که حامی زنان باشد نه با دستورات تشکیلاتی محجبه اسلامی با لباس های تعیین تکلیف شده زشت و بدقواره بد دوخت و بد رنگ مانند مترسکهای پای جالیز های سرخرمن بخواهد خود را به جهان عرضه کرده و کمر برند های معروف مد جهانی را به نفع اسلام عزیز بشکنند اسمش را هم بگذارد حمایت از زنان. شعار زن زندگی آزادی هیچ نزدیکی با اسلام و با قرآن و آخوند ندارد همانطور که پس از ۴۳ سال متوجه شدند که اسلام هیچ نزدیکی با دموکراسی ندارد و آنرا از شعار های خود حذف کردند و دموکراتیک شدند با حجابی که نه لچکش نه آدایش نه لباسش نه کتابش و نه رهبریش با دموکراتیسیون ارتباطی ندارد نمی شود خود را جای انقلابیون جا زد و در ایران انقلاب کرد لطفا مزاحم انقلاب مردم ایران بر علیه آخوند و اسلام نشوید.

نوید اخگر

تاریخ ۴ فوریه سال ۲۰۲۳ میلادی سوئد استکهلم



سیه مو جان چه حالی داروم امشو
دلی پر راز و چشمی پر ز بارون داروم امشو
به عشقت از مزار و از بدخشان رهپساروم
ز تهران یا ز کابل داستانها داروم امشو
پیاده آمدم تا اون سیه چشمت ببینوم
چه احساس عزیزی بهر دلبر داروم امشو
چو لیلی یا که مجنون اگهی از درد دوری
چقدر افسانه از صحرا و خاری داروم امشو
به این دل مژده دادوم تا ببینوم روی ماهت
بمژگان راه را روفتم که دلدار عزیزی داروم امشو
بجون پای زخمی از مزار و از بدخشان
ز عشقت قصه از تهران و مشهد داروم امشو
سیه مو جان عزیزی بهتر از جونم ندونی
سیه چشمون چه مهمون عزیزی داروم امشو
تموم شعر های اخگر شاعر نثارت
سیه موجان چه اقبال بلندی داروم امشو



به به آنکس را ببین کو حال دل را میبرد
عشق را تا قلّه آواز میرقصد و دل را میبرد
در نگاهش مرغکانی روی سطح آبی دریا چنین
با صدای بال میخواند بروی آب دل را میبرد
رمز عشق و عاشقی از پرده گر بیرون فتاد
حال آن مرغان دریائی پرواز است دل را میبرد
کودکان فقر و محرومان میان هر غزل
می نشید با ظرافت داد هر آواز دل را میبرد
اشک باران روی سطح شیشهء این پنجره
هَرَم گرما سوز هر آهی است دل را میبرد
شعله چون آمد ز آه این فقیران بر فقیه
سیل بنیان کن چنین بنیان دین یا حال دل را میبرد
اخگر آزادگی در پهنهء این عشق توست
مینویسد جوهر خونین دلان را باز دل را میبرد



جام جهان نمای من دلبر آشنای من
مستی می دو صد توئی نای نی و نوای من
نوش به نوش ساغری گفته بمن صفای تو
دست به چانه ات بزن خوشگل با وفای من
ماه توئی پری توئی فتنهء آشنا توئی
گفته بودم که میروم مستی دیرپای من
در دل من هزار شو شور و شر و فراز شو
آتش کوه جوششی شعر منی دواى من
اخگر و مستی غزل چشم تو و خُمار من
شعله بکش هزار شو لیلی جان فدای من



عشق آمده با صدای باران اینجا
بر شیشهء دل نشسته آسان اینجا
ناز از سر قله سرفراز آمده است
فر تو و ناز و عشق و سامان اینجا
هر روز چو دلدادگیت عاشقتر
در هر غزلم نغمه گدازان اینجا
پروانه میان شاخهء خورشیدی
پرپر که زند گرمی شایان اینجا
اخگر ز دل حادثه گر بیرون شد
هان خُرده نگیر جان جانان اینجا



غرق تبت کنم من با بوسه های شیرین
در خوابهای رنگین در جامه های زرین
گویند عشق و مستی در طالعی نوشته
من خورده ام از آنت در سفره های دیرین
رقصیده قوی زیبا بر سطح آبی آب
همچون تو آبی من با ماه های نقشین
میخواهمت فزون تر در روزهای عاشق
بر گرد شمع شبها پروانه های رنگین
تیز تبر بدستم باروت و تیغ و خنجر
در جنگ نابرابر با سوره های خونین
دزد است شیخ رسوا تا عهد سرنگونی
رزمنده کو دلاور با تیر های زوبین
پرواز را بیاموز جان پرنده آبی است
در کهکشان زیبا پرواز های سنگین
اخگر فدای چشمت با آن نگاه بکرت
آن ساغر بلورین با جام های شیرین



بر رنگرزان بغیر الوان ندهند
بال و پر این شاپرکان سوخته است
پروانه صفت را بجز آن آتش سوزان ندهند
فریاد دل کارگران تا به فغان
تا خیزش زن نباشد آسان ندهند
زنجیر به پا یا که به دستان بسیار
با مذهب و دین حق جوانان ندهند
کلاشی و دزدی هدف اسلام است
نان در چرخهء شیخ و دین به سامان ندهند
جز سرب مذاب و تیغ و خنجر یا شعر
حق خورده که شد بدست نادان ندهند
آزادی اخگر همه در قفل و دو صد زنجیر است
آزادی گفتار به این مذهب و ایمان ندهند



بگذار در زیر نم نم عشقت شرر شوم
یکدم از این گذار فاصله ها بیشتر شوم
هر شب خیال توست کنار نبودنت
بگذار با نبود و غمت سر بسر شوم
قصدم هجوم ابرهای بوسه ز لبهای صاعقه است
بگذار در میان حس لبانت دگر شوم
دیدن و لمس تو و بوسه های ناب
در زیر آسمان بارش تو خیس تر شوم
بگذار بگویمت که تو تنها عزیزمی
کندوی عشق خسرو و شیرین شکر شوم
وقتی ندارمت همه غمهای شهر در غزم
بگذار ز شعله های غزال غزل بیشتر شوم
اخگر که برنوش همه فریاد توده هاست
برخاست تا میان شور و شرر ساده تر شوم



رفتم از یاد ولی گفته به دنیای تو بر میگردم
کاروان رفته ولی گفته که با رخس به رویای تو برمیگردم
فاصله از دل آفاق و تا قُطر دلم خواهد شد
جاده پر پیچ و خم اما به تمنای تو بر میگردم
نشینید و نگوئید که عمری سر شد
من گذر کرده ز عمری به نفسهای تو برمیگردم
عاشقی حرف عبث نیست بیا باور کن
من به افسانهء هر بوسهء لبهای تو برمیگردم
صبحها با غزلی یاد و تو مهمانم کن
من شبانم و به آغوش دلارای تو برمیگردم
اخگر شاعر ما پیر غزل شد تو بگو
من و آن دل که جوان شد به غزلهای تو برمیگردم



■ نبض باران روی چشمانم حسودی کرد و رفت
هر ستاره بر من و این آسمانم هم حسودی کرد و رفت
ماه بر روی لبان دختر همسایه میلغزید و من
این دل پر حسرتم بر بوسه های او حسودی کرد و رفت
گفتمش با شیخ و مذهب بارها جنگیده ام
گفت خون بارید در شهر شقایق دل چنین پژمرد و رفت
نفس عاشق پیشگی را در دل پروانه جو
چونکه این آتش درون سینه ام چرخید و رفت
دوستش دارم چو ماه آسمانی در شبم
بهر آن خورشید دلبر جان و تن تابید و رفت
در کنار بیشه ها با اخگر شاعر چه شبها صبح شد
صبح رویا روی آغوش عزیزم بوسه ها پاشید و رفت



من و این دار بدیدی نگذاری بروی
من و این موج بلا را که ندیدی نگذاری بروی
وقتی این پنجره ها خاک گرفتند و کدر
به کدورت ننویسی نگذاری بروی
خنده بر چوبه این دار بزن با من باش
غیر این ساز نسازی نگذاری بروی
رقص کن بر سر این دارو بخوان با خود عشق
من نویدم من و آزاد دلی را نگذاری بروی
اخگر شاعر و این اشک بخون خفته و درد
پر ز فریاد بشو کوی مرا خالی خالی نگذاری بروی



صدای پای اسبهایی را که در مرغزار میدوند میشنوی؟

صدای باران بر روی علف های تازه رسته؟

صدای نفس های تو در نفس های عاشقانه من

صدای خیس آغوش تو و لغزش سینه هایت بر روی لبان من

پرواز جوجکان پرواز در این پائیز

خاطره زیباترین غزلهای من است

که در آغوش تو به پرواز در میآیند

وقتی لعل لبانت

در پیچش لبانم ذوب میشوند

و موسیقی عشق

نت های بوسه را

دانه به دانه در معراج احساس بر وجودت میریزند

نگاه پری دریائی تو

غریق میخواهد

غریقی تشنه آغوش و رویا

در بستر شبانه تو .

بر جانم بتاز

که بیتابانه میخواهمت



در کویری خشک و سوزان مانده ام نامم بده
حالی از مجنون و یا نامی بیاور روی احوالم بده
قلب گفתי داده ام جان عسل
عشق را پر شعله کن کندوی احساسم بده
مرغ پرواز بلند آرزویم تیر خورد
آسمانی مطمئن بر بال پروازم بده
کشته شد هم مرغ و هم ماهی گل و گلزار کو
کشتی موج دریا را نمیخواهم تو آرامم بده
تیر و جنگ و خونی جان کبوترهای شهر
گوشه ای از کلبه آرام و یک بامم بده
میخروشد مردم سرگشته در ویرانه ها
نان و آزادی بیاور روی افکارم بده
مینوازد نای اخگرها میان چشم تر
آه جانی در غزل طوفان به گیتارم بده



چو دیدم بجان ناله کردم برای وطن
بخون اشک شستم فضای وطن
به هر آه در فقر و در بیکسی
نوشتم به افسانه های وطن
خس و خاک و خاشاک را اینچنین
به جان آب دادم برای وطن
به هر کو به اعدام هر سربدار
نشاندم ستاره به جانانه های وطن
چو پروانه دیدم که در شمع سوخت
سلاحی بدوشم نهادم جلای وطن
به مذهب به مفتی و ملا زدم
گهی تیر و گه من فدای وطن
به غارت به دزدی شیخ و آخوند
ندیدم بتر در عزای وطن
به ویروس جهل و خرافات دین
ز اسلام کی آمد آن نی نوای وطن
ز قرآن و اسلام و شیخ و آخوند
ندیدم بجز انهدام وفای وطن
بکوبید با پتک و زوبین و تیغ
سر مار و نگذار پا در قفای وطن
به اخگر بگوئید با نیزه شمشیر و خُود
بگردد به دنبال دشمن صفای وطن



سفر پر از خاطرات تلخ و شیرین است
سفر گهی ز کور دلی، تا فضای رنگین است
ز راه عشق بیا تا که سرو سهی
بگویدت که راه کدام و روش کدامین است
ز راه صعب اگر چاله ها سخن گفتند
به بال بگو این پرنده خونین است
بوقت عشق بیفزا برقص و موسیقی
که خاک کشور من ساز دیرین است
برو به عرش کبوتر و چک چک و پرواز
به اخترا نه بگو این صدای شیرین است
اگر به کوه بر شد و فرهاد را نیافته دل
به تیز تیشه بیفزا که سنگ سنگین است
بگو به بانوی اول که عشق منی
که عشق جلوه آن گوهر فرا دین است
به کودکان فقر و به مسکین مادرانه شهر
بیخش نان و بگو دشمن تو بدکین است
به موج اخگرانه دریا رسیده ای اکنون
ببین که ماهی دریائی خلیج مسکین است



بر روی این همه آواز بی صدا
یک شاخه شعر روی غزل دل سپرد و بعد
در عمق این دل دریائی شما
یک قطره بوسه شد بصدف دل سپرد و بعد
گفتم بیا به کنار درد دل شعر های من
گفتی که آمدم و بعد و بعد و بعد
گفتم شنا کنان ز همین رود تا دلت
گفتی چرا چنین کنم و بعد و بعد و بعد
دیدم نسیم عشق از سر دیوار میوزید
گفتم فراز تا دل ابرا و بعد و بعد
هر روز صبح در ایوان خاطرت
صبحانه با هوست میخورم و بعد
این انتظار به پایان نمیرسد تو بگو
کی میرسد سراب به پایان بعد و بعد
این شیخ اجنبی و من و برنو پدر
آتش به دین شما بعد و بعد و بعد
اخگر خراب توست در دل دیوان شعر هاش



مال دزدان همین قافله هر روز فراوان بشود

گرگ سرگردنه هر روز شتابان بشود

خون بریزد ز تمام نفس خانهء ما

آب در چشمه سرابی است نمایان بشود

بچه ها تشنه و مادر پی همخوابگی اجباری

این حسین است و لب تشنگیش ناله مردان بشود؟

شهر بی شعله در این آتش سوخت

گندم ری نه در این کلبهء ما نان بشود

شیخ و مذهب تن ایران مرا دزدیده است

فرد عاقل سر این دار دو چندان بشود

جز به قهر دیکتاتوری را نتوان بیرون کرد

خون هر روزهء ما روی تن شهر چراغان بشود

خیزش و جنگ برای خود و آزادی و نان

حرف شعر است که بی شائبه عنوان بشود

اخگر اشک همین مادر ابر ایران

روی دیوارهء این کلبه چو باران بشود



چه لبخندت چه نازت از برایوم ناز داره. ■

چه چشمو نت نگاهت از برایوم راز داره.

اگه رفتی بوقت شو بمیدون.

بگو اخگر دلش از بهر مو بیناب داره



نبض چشمان تو در جان جهان میرقصد
حس لبهای تو چون آفت جان میلرزد
دوش در خواب خوشی مست شرابت بودم
عاشق چهره و آن خنده نازت بودم
گفته بودی که شب هنگام بدیدار بیا
آدم از در میخانه و خمخانه سراغت بودم
مرغ دل با تو به پیمان صفا خواهد بود
تا ابد حال وفا هستی من خواهد بود
از دم صبح که با بوسه به خورشید سلامی کردی
من و آن ماه تو تا آخر شب عین صفا خواهد بود
سر این دار اگر شیر دلان جان به کفان آویزند
من و این رزم گران تا خود آزادی زن خواهد بود
بوسه هایت همه در جام تنم میچرخند
شور این عشق ببین تا به کجا خواهد بود
اخگر شاعر ما کشته آن ناز نگاهت چه نوشت
گفته بی سروریت هیچ در این کون و مکان خواهد بود



در دشت شغالان مگرش طعمه کباب است؟
یا اینکه مگر آب به هر چشمه سراب است؟
دزدان همه در شهر به دزدی و چپاول
ای مردم مظلوم مگر جامعه خواب است؟
کو شورش و کو بستر خیزش که ببالم
برنو بسر شانهء من گفته صواب است
با عشق بتان در همه ادوار برقصید و برزمید
بی عشق بتان مستی خُمخانه خراب است
با شیخ و آخوند مذهب اسلام در ادوار بجنگید
این جنگ به هستی همه اسب و رکاب است
با اخگر شاعر همه شب مست به میخانه سرودم
در مکتب ما مستی مستانه شراب است



یک نفر یک خبر از عشق ندارد بدهد؟
یا که یک بوسه ز معشوق ندارد بدهد؟
دلم از بی خبری بی اثری پوسیده است
یک نفر گرمی معشوق ندارد بدهد؟
من یکی واله این صورت و اندام شدم
یک نفر آدرس جانانه ز این شوق ندارد بدهد؟
زیر باران تن خیسش لب خیسش دریاست
قایقی راه به آن کلبه معشوق ندارد بدهد؟
چون عسل خوردم و لبه‌اش پر از بوسه ناب
یک نفر کو خبر از آن دل مشتاق ندارد بدهد؟
شیخ تزویر و ریا چون خلفش ما را کشت.
یک نفر با دم طوفان خبر از جان شقایق ندارد بدهد؟
عشق پیدا شد و میخانهء جانان غوغاست
یک نفر یک خبر از دل دل ویرانهء این اخگر عاشق ندارد بدهد؟



در سفر های عشق جانم باش
روی آئینه پُر نشانم باش
دشت پُر بذر روی لبهایت
رویش صد نهال و حالم باش
خنده کن شادی و هزار قطعه شعر
رقص هر آتشی تو آنم باش
صبح آواز هر پرنده با غنچه
نبض باران بروی برگم باش
آه از این کودکان فقر و مادر دهر
دست پُر بار بهر نانم باش
با شمایان نگفته ام تو بخوان
روی شهر کبود رزمم باش
اخگر پر طیش کنار رود زمان
آتش ساز روزگارم باش



صحنه در صحنهء دل خون شد و رفت
غم و اندوه نصیب من مجنون شد و رفت
شیخ دیوانه و کشتار و تبعید چه کرد؟
آتشی بر تن بیداری وجدان شد و رفت
نغمه در نغمه زدم جوهر فریاد چه شد؟
شهر خاموش نهیبی بر سامان زد و رفت
بلبل مست که در حنجرهء شعر شکست
گفت بی بال و پری حسرت دوران شد و رفت
نقش مذهب چو ندیدیم گرفتار شدیم
سر سردار سردار فراوان شد و رفت
نقی فرهنگ چو شد شهرت این بیخردان
نقش زن نقش صدا نافی پیمان شد و رفت
ماهی کوچک این رود بدریا نرسید



من عهد و پیمان بسته ام با مهر یاران بسته ام
با دشمن بد کین بگو بر خشم طوفان بسته ام
با عشق در میخانه ها با رقص جان در صحنه ها
با رعد در افلاک ها سیلی به باران بسته ام
فریاد شعر و شاعران موسیقی خوش باوران
بر آرشه خونین دلان نت را به سامان بسته ام
بر رزم آرش ها برو زوبین پولادی بساز
با بابک آزادگان مهری به پاکان بسته ام
با عشق خود دارم سخن صد حرف از عهد کهن
با بوسه های خوشگوار لب را به جانان بسته ام
آغوش و مهر و یار من در آسمان شعر من
جان است در جانان تن این جان به یاران بسته ام
سودائی عشقش شدم آتش به بنیادم زده
با اخگر صد شعله گو جان را به پیمان بسته ام



این خانه پر از سرخ انار است
خون دل هر میوه انار است
هر آتش پر شعله در این شهر
خونین تر از اندوه انار است
در چلهء امسال بگوئید و بخوانید
خونشعلهء هر سفره انار است
ناداری و این فقر و چپاول تو ندیدی؟
اندوه بزرگی است که در جان انار است
کو تیغ ستمکش که ببرد نخ اعدام
کشتار همین شیخ همه خون انار است
برخیز و بزن تیغ که این قافلهء مرگ
در جان همین چله و شب درد انار است
اخگر تن هر شعر دلم خون شده از ظلم
تا رفتن این چلهء شب صحبت ما خون انار است



چنان چو تحفه بیاور تو روی ماهت را
کنار مجمر آتش تو شور و حالت را
دلم چه سوخت در تب شبهای بی تو بودنها
بریز تا که بنوشم من التهابت را
فضای چک چک پرواز قمری زیبا
فضای دلبری و سبز شاخسارانت را
کشیده دلبر مستانه خطی از دل من
چو خط خون که کشیدند یادگارت را
بنام آهوی وحشی بدشت سبز دلم
به اخگرانه بگو راز آسمانت را



تو عمر منی کاش که هر لحظه تو باشی
چون عطر گل یاس معطر تو بیاشی
از بوسه آن لعل لبانت که عسل خورد؟
بر گوهر هر بوسه تو باشی و بیاشی
در جام سحر چون دم خورشید بر آفاق
روشن شوی و نور به سامانه بیاشی
با بودن تو دل من غرق تمناست
بر مستی میخانه تو باشی و بیاشی
بیداد همین شیخ همه صحبت ما بود
آرام نگیریم چو آن شورش جانانه تو باشی
سال نو و عید نو و پیروزی فرهنگ و ترقی
ای وای اگر با زن و فرهنگ هماهنگ نباشی
این عشق که در جان من و توست بکرات
آماده در این دشت زمان تا تو بسی دانه بیاشی
زیبائی و صلح و است و زمان حامله عشق
این دانهء اخگر تب شعر است که در خانه بیاشی



پیمانه از لب تو جان گرفته است
حال من از لبان تو یک آن گرفته است
پیرانه سر چه بگویم که همزمان
از سینه های تو پیمان گرفته است
بر جان من بتاز و بباران به نو بهار
این دشت خاطرات چه باران گرفته است
میخواهمت در همه آفاق و هر زمان
کین شعله در دل جانان گرفته است
با شاعران پیر گذشته وداع کن
زیرا که عشق مهر ز انسان گرفته است
خطی ز خون بر همه ابیات من نوشت
شرح فسانه در غزل اینسان گرفته است
تاریخ را بخوان و بگو خون تا گلو
از دست این اجانب نادان گرفته است
اینجا ببین که همه جان عاشقم
با اخگرانه های توست که سامان گرفته است



این دل من رفت و ویرانه شد
در پی آن عشق چو افسانه شد
جام خرابی که تو را ساخته
بر در مستی زد و پیمانه شد
بوسه بکن بوسه بکن صد هزار
بوسهء تو روی لبم شعله شد
حس تو را در بدن افروختم
حال و هوای من دلدادہ شد
بر قُل و زنجیر بشوران بشور
دیو سیه کی خود پروانه شد
نقش تو با عشق در این دفترم
جان غزل شد تب صد پاره شد
اخگر شاعر همه دنبال توست
تا که بگوید که غمت چاره شد



من کنام دیو را با قهر ویران میکنم
طعمهء گرگ بیابان را فقیهان میکنم
در کنار شهر نیرنگ و ریای جابران
تیز شمشیر دلاور را به سوهان میکنم
در ورای مهر و عشق و خانهء آزادگی
گل میان کوچه و منزل گلستان میکنم
مسجد و قرآن و دین شیخ و ملا و فقیه
جملگی را راهی تاریخ این ادیان نادان میکنم
با سرشک کودک بی خانمان و مادر آوارگی
خانه میسازم زمین را غرق سامان میکنم
با غزل با عشق محشورم و با می مست تو
من برایت خانهء دل را چراغان میکنم
پرچم صلح و شرافت را ببر تا قلعهء آزادگی
اینچنین با اخگر هر شعله من آتش به بنیان میکنم



آمد ولی برای این دل تنها نیامده
گل در بهار آمده شیدا نیامده
فصل خزان و سرد زمستان چو بگذرد
گفته کنار چشمه دلی به تماشا نیامده
آمد ولی هزار حسرت و افسوس توامان
شادی به بزم مرغ خوش آوا نیامده
از شهر بیکسی بیا به خانه دل رخت برکشیم
احساس عاشقانه به اینجا نیامده
سبز است و پر چمن و جان هر غزال
چون گام توست که بیجا نیامده
مفتون چشم و بوسه نازت شدم ببین
هان بوسه بر لب تنها نیامده
نازت کشیده ام سر زلفت کمند صید
شاید که صید بیکس و تنها نیامده
اگر میان تبکده اینجا چه بیکس است
گویا که مست عشق آمده رسوا نیامده



یک لحظه دلم خواست که دلدار تو باشم
روئین تن احساس تو سردار تو باشم
شهد عسل و طعم لبانت نفس من
ای کاش که کندوی تو بر دار تو باشم
ناز تو و چشمان تو و برق نگاهت
هر لحظه در آغوش تو پندار تو باشم
شبها هم شب خواب منی ماه جهانم
با ماه برقصم و به کردار تو باشم
ناز نفست سینه و دنیای خیالم
من غرقه دریای تو بیدار تو باشم
اخگر تب عشقت بدلتش ماند نگفتی
ایکاش قدح نوش هوادار تو باشم



هم نعرهء عظیم شیر پر از شور میرسد
آمد بهار و گل به گلستان کشورم
سیل نهائی پرواز به منشور میرسد
در شب نوشته ام تب هر عهد نامه را
حتمن صدای عشق به سنتور میرسد
آواز خوان خوب شهر بخوان در کنار من
تصویر روشنائی آواز به هر کور میرسد
این پیر خفته که در گور مرده است
صد غنچهء شکفته پر از شور میرسد
آزادی تمام کشور من روی میز ماست
ایران به شوق عشق به دلجور میرسد
با اخگر زمانه بگو با غزل بگو
با شعر و با غزال غزل نور میرسد



جام خرابی که تو را ساخته
بر در مستی زد و پیمانه شد
بوسه بکن بوسه بکن صد هزار
بوسهء تو روی لبم شعله شد
حس تو را در بدن افروختم
حال و هوای من ویرانه شد
شب همه شب ماه در آغوش من
لذت هر لحظهء تو لذت صبحانه شد
بر قل و زنجیر بشوران بشور
دیو سیه کی پر پروانه شد
نقش تو با عشق در این دفترم
جان غزل شد تب دیوانه شد
اخگر شاعر همه دنبال توست
تا که بگوید که غمت چاره شد



از غم نگو که روز و شبم ناله میشود
دریای درد که پر بشود چاره میشود
مست از نگاه توام عشق من توئی
عشق خراب میکده مستانه میشود
با مرغ خسته بگو روی لب بریز
صد ها هزار بوسه که خود دانه میشود
هر شب بیا به کنارم که تا به صبح
معبود عاشقانهء ما شعله میشود
بر روی سینه ات بروی لب دلقرب من
شادی میان رقص تو پیمانه میشود
پیمان ببندبا دل شعرم که چون شراب
دردانه در خُم ما چله میشود
شعرم ندیم تو قصدم نجابت است
اگر چنین برای تو یکدانه میشود



آن دلربائی های جان افروز ممنوع است
در گوشهء پارک و خیابان یا که در تجریش
یک بوسه از لبهای پیکر سوز ممنوع است
ناز و کرشمه رقص گل در بوستان خار
هم رویش هر سبزهء دلسوز ممنوع است
من در خفا عاشق شدم مست تو روزانه
شاید که حس شاعر شیراز ممنوع است؟
در سینه هایت خواهش جان است با جانان
هر شکلی از سرکوب مردم از همین آغاز ممنوع است
جان مایه شعرم تمام عاشقی هایت
هر دلنوازی با نُت هر ساز ممنوع است
اخگر بگو عاشق شدی پنهان و پنهانکاریت ممنوع
در شهر عاشق پیشگان کی حس یک ابراز ممنوع است؟



بروی شهر عشق ما فقط بارون نمیباره
کنار چشمهء چشمم غم ایران نمیداره
برای کودکان فقر تب بازی کجا رفته
چقدر دوره ز خوشبختی غم سامان نمیخواه
بخاکم دست نزن چینی که خاکم اژدها داره
ببین روسی که دریای خزر آتشفشان داره
زنان مسکنت در شهر کنار زجر میخوانند
و گندم در کنام خاک چه تاریخی کهن داره
به عشقم گفته ام تا بوسه ات فردا
مواظب باش که جلادی به اخگر قصد خون داره



در محضر افسانهء ما لاله نشانید
روی لب آن دلبر ما بوسه بکارید
گر سر بنهد روی همین شانه بگوئید
گر سر بسر دار شوم خُله برآرید
نفس من و عشق او پنهان ز شما بود
در هر غزل مستی صد ساله بکارید
آوارهء رویش شده ام درد فراق است
از وامق هر ناله بگیرید به دلداده نشانید
از فرم نگاهش و تمنای وصالش بنویسید
بر صحنهء هر خاطره چون ژاله ببارید
این دختر شاعر همهء بود و نبودم
هر لحظه پیامی به سراپردهء معشوقه نگارید
اخگر چه نویسد که دلش شعله ناب است
بر هر غزلش آتش در بسته پیوسته گدازید



ضربه دشمن هزاران بار از درد جدائی بهتر است
درد عاشق بودنت از درد هر بی همزبانی بهتر است
درب این مرغ قفس را باز از نو باز کن
نفس آزادی بدون بند و زندان کامجوئی بهتر است
در دل میخانه ها گر می نمی جوشد نرو
جوشش می خوشتر و هم شادکامی بهتر است
نرگس مستانه اش را دوست میدارم چرا
نرگس مستانه در شور بهاری بهتر است
جشن قشر کارگر در اول هر ماه می
دیکتاتور را سرنگون کردن ز هر زور آزمائی بهتر است
نام ابناء بشر بر لوح تقویمی کهن
نام آزادی زن از برده داری بهتر است
اخگر شاعر کنار شعله های شعر میگوید چنین
رویش گل در گلستان وفا از بیوفائی بهتر است



دل با شراب چشم تو مستانه میشود
رقص تنت میان جان صدا ساده میشود
گفتند کبوتر جلد دلی که عاشق شد
بر مهر و ماه بام تو یک واله میشود
اسبان خوب دشت شما در گریز باد
بر یال آسمان جهش شیهه میشود
اندیشه را بیاور و در جان خود بکار
زیرا درخت عشق جنگل افسانه میشود
یادی ز بوسه های ملتهب برگها و باد
شبها خدای قطره سراسیمه میشود
باران ببار سیل بر این جان تشنگان
حتمن کویر تشنه تن چشمه میشود
اخگر که ریشه در این آب و نهاد
با خون نوشت تب کاشت اندیشه میشود



من گفتمت که نرو جان فدا شوی
بر هیچ و پوچ کشته‌ء این بیوفا شوی
آخوند و منبر و اسلام دید و گفت
با پاسدار ظلم و جفا یک صدا شوی
پوتین که زهر هلاهل به کوسه داد
گفته است که با خود زهرش فنا شوی
آخوند و بمب اتم کار دشمن است
بامب و موشک اینان چها شوی
مزدور کا گ ب یک تنه با قاسم و سپاه
ننگ آخوند و عربده بی صدا شوی
بخشیده ای تو خزر را خلیج را
در ننگ مملکت ماله کش بینوا شوی
مردم درون خیابان انقلاب یکصدا
قطعابه احتضار دین و سپه مبتلا شوی
فصل بریدن و افشای رهبر است
حتمن به شعله های اخگر ما آشنا شوی



وای از آن لحظه که هنگامهء طوفان بشود
قد دریای خروشان قد امواج گریزان بشود
وای از آن لحظه که لیلی سر این دار بلند
قصه گوی تن خونریز هزاران بشود
نشنیدید که گفتیم که این دیو پلید
روزگاری بشود در غل و زنجیر فراوان بشود
کارگر در کف بی نانی و بی چیزی مُرد
مرد دهقان هدف گرگ بیابان بشود
نام عاشق که شنیدی غم عاشق را چند؟
گاه گاهی غم ما مایه یک رنج نمایان بشود
ناف آهوی خُتن در کف این هرزه دلان
کی غزال غزلم راهی این دشت خرامان بشود؟
عاشقی کن تو به صد جور به صد نوع ولی
سعی کن عشق تو همبازی آن لؤلؤ مرجان بشود
اخگر حادثه را از کف تاریخ کناری بگذار
عزم کن تا که مه ات روشن و تابان بشود



تو دلبری بکن از ساحل شناسائی
بدست باد بده گیسوی فریبائی
بذار بوسه خورد نور آفتاب و زمین
ز پیکرت به هزار از لبان عنابی
ز جام جهان یک دو چند کم نشود
گرش بیائی و در کنار من بیاسائی
سرا و خانه من جا و خانهء توست
اگر قدم به ابر گذاری و بیشتر ببارانی
به اخگری به غزل گفتم و نوشتم باز
که عشق توست جوهر این دفتر اهورائی



در دل این زندگی آغوش کم دارم هنوز
تکه جانی از نگاه عشق کم دارم هنوز
یادم آمد با تو آنشب زیر باران بوسه ها
گفتمت از خیس یادت باز کم دارم هنوز
شعله ها از آن نگاهت روی جان هر غزل
دیده ام اما ولیکن شعله کم دارم هنوز
پرچم آزادگی در دست تو در شهر عشق
در دل هر سنگری معشوق کم دارم هنوز
گر چه در هر کوچه میجنگم بفریاد بلند
بر تن شیخان مذهب تیغ کم دارم هنوز
در فضای آسمان بی چشم تو گم میشوم
ساغر مستانه ات را بیش کم دارم هنوز
زیر نور ماه و آغوش تو و رود زمان
چرخش دور فلک را با تو کم دارم هنوز
مست عشقت بوده ام با اخگر دُر دانه ام
رقص در میخانه را مستانه کم دارم هنوز



این شیخ دگر بار در انواع فسون است
کت بستهء مرغان دم این تیغ بخون است
گه بر سر دارند که خون میچکد از آن
گه در صف یک کاسه غذا در هیجان است
بیچاره و مفلوک پُر از عُقده حزین است
این شیخ جنایت پی کشتار چنین است
فرهنگ ندارند و سرکوب هنرمند
قصد و غرض شیخ و اسلام همین است
آخوند سوار است بر این گُردهء مردم
هر بردهء اسلام به زنجیر جنون است
فریاد نه و رد همین شعبدهء دین
این حرکت اسلام و آخوندبمب مبین است
با بمب اتم موشک و با جنگ و خباثت
چاپیدن مردم هدف و نفس مبین است
دوری بکن از رای به آخوند و به اسلام
اینان همگی قاتل و این حکم کمین است
انگشت بیای ورق رای نباید و نشاید
آنجا تن انگشت در آن لجهء خون است
با اخگر هر شعله در این شهر بپا شو
کین شعله به سامانه ذرخییم عیان است



لب به لب بگذاشت ماهی بر حباب لحظه ای
عمر ها بگذشت اما از دل دریا ندائی برنخاست
با صدف گفتم چه داری در دل هر آزمون
گوهری را او نشانم داد اما جستجوئی برنخاست
عاشقش بودم بتر از عشق بلبل ها به گل
گل شگفت و من شگفت اما نگاهی بر نتافت
مثل باران خیس و تر در هر شبان آرزو
درب هر میخانه را بستند اما رهنوردی برنخاست
راه هر افسونگری طی شد و من در بند او
اخگری اما ز شاعر های دوران یا دلیری برنخاست



مستی این سرشوریده ز آن جام لبان است هنوز
جان آشفته ز آن برق نگاه است هنوز
نه نگو عاشق دیوانه به مقصد نرسید
پای من در ره آن عشق خراب است هنوز
دل به دل برده رهی تا به فلک تا بنیاد
چشم این ماه به مهتاب و شهاب است هنوز
برق عشقی که دل عاشق ما میسوزد
در دل کلبه ما در تب و تاب است هنوز
گر که بنیاد همین شیخ و مذهب جنگ است
چشم ما در پی آن صلح مدام است هنوز
سرنگون باد آخوند ، مذهب اسلام شما
کشورم در جهت خیزش تام است هنوز
عاقبت میکشد این عشق وطن ما را هم
اخگر شاعر ما در تب نان است هنوز



هر لحظه در این فاصله گفتند کسی هست
در چنبرهء بی نظری باز نهال نفسی هست
سنگی که ز آن قُله بیفتاد و ره بست برایت
گفتند که بازم ره بی خار و خسی هست
اینجا همه در بند و زندان ریایند بسنجید
در شهر شما آفت دین و قفسی هست؟
هر کودک دل مرده و مصلوب به این دار
یک کودک کار است مگر نای کسی هست؟
دین است و نبوت و رذالت و چپاول
جز دزدی و غارت مگرش پول کمی هست؟
زنهای مدرن و همه آزاد در آنجا و در اینجا
خون خورده تحجر تو ببین نام کسی هست؟
چون زلزله سیلاب و کرونا همه از موی زنان است
هان غیر زنان دشمن صاحب اثری هست؟
اسلام که هم خورده و هم برده تجاوز به هزاران
جز طرح عفاف صیغه صاحب نظری هست؟
اخگر که بیاد پسرش گریه خون کرد
فریاد که در مذبله شیخ مگر زنده دلی هست؟



پیمانه پر شراب بکن شوکرانه نه
مستی و رقص نه بی دلبرانه نه
از عشق یار بگو چون که میرسی
جز بوسه های تفته و جز عاشقانه نه
در معبد شکوه دل احساس هر غزل
شادی بکن هزار بکن سوگوارانه نه
چشمت چو آبی دریا و من غریق
قایق بساز بساز ولی شوربختانه نه
در هر ستیز با خود اسلام و دین شیخ
سرنیزه باش و تیز ولی گردوارانه نه
با عشق بگو که آزادی زنان حتمی است
با انقلاب همدم و با سرسرانه نه
برگیر اخگرانه و در پیمانه ات بریز
مست و دلیر و شرزه نه بی دلبرانه نه



هر شب دل من تبکده در تبکدهء جان تو میگردد و بس
ویرانهء آن نگاه و محسور و غزلخوان تو میخواند و بس
عشق تو و آن صحاری خشک و غریب و تشنه
جانانه و وابسته و بیدار به سامان تو مینالد و بس
در دامن این شهر شلوغ من غریبم بی تو
هر بوسه ز لبهات گرفتم همه در یاد تو میگردد و بس
آفاق سیه شد همه از ظلم همین شیخ ببین
شمشیر همین مردم ما بهر تو میچرخد و بس
آزادی این شهر ز اسلام ز شیخ و این دین
در دست قیامی است که در دست تو میگرد و بس
هر شاخصه ای شاخص عزم تو و آن ماه شبم
چون اخگر فریاد که میگرد و می پوید و میسازد و بس
هان عشق منی بیا بدیدار بیا تا بجهم تا کویت
زیبائی بانوی غزلهای منی بهر تو میخواند و بس

در غم این خزری یا که خلیجی تو جواد
یا که در فکر فرار ترک فقیهی تو جواد
ماله کش چاپچی و مرتجع اسلامی
بند باز حامی این دین کثیفی تو جواد
خون ما شعله و خاکستر ما فریاد است
دزد و غارتگر این کشور مائی تو جواد
نگ بر دین تو آئین کثیف تو و آن ملایت
نوکر و پادو شیخی چه شنیعی تو جواد
اخگر شعله کشم روی تو و اربابت
کوه آتش شده زالوی خفیفی تو جواد





فلک جز عشق سامانی ندارد
دل عاشق ز درد عشق پروائی ندارد
بزن آتش به این سامان که عاشق
بجز خون اشک پیمانی ندارد
دل یاس و اقاقی غرق خون شد
گلاب قمصر کاشان دگر عطری ندارد
اگر این شهر از بیداد و غم مُرد
بدان شورای ده مردان آگاهی ندارد
تن عشاق ما فواره خون شد
چرا فرهنگ ما بنیاد دانائی ندارد
به این قارچ سیاه و این کرونا وصله آخوند
سلاح جد ما باروت دلخواهی ندارد
برقص اینجا و جان را روی جانانم برقصان
که رقص عشق جز آشوب زیبائی ندارد
برو اخگر برون از دین اینان تا بدانی
که شهر شب تب دلدار دلسوزی ندارد



ای یار چرا چنین تو آواره شدی
سرگشته ز آن خانه پراکنده شدی
ای یار تمام شهر مسموم و غریب
سردار سخن چرا ز جان ناله شدی
در شهر همان دیو سیه میگردد
او گشت تو آن سینه صد پاره شدی
کو بلبل باغ و آن درختان بلند
چون شیون قمریان و سرگشته شدی
حس من و تو صدای آن ساز دل است
برخیز و بگو که خیزش آماده شدی
آزادی زن و مرد در حرکت توست
با اخگر هر شعله بگو شورش سامانه شدی



با زبان عشق گفتم راه آزادی کجاست؟
لانه آن ماهی آزاد دریائی کجاست؟
رفته ام با رود ها با سخره های سخت سر
ساحل آرامش و آن نور مهتابی کجاست؟
جوجه های شوق پرواز کبوتر های شهر
هان بگوئیدم که آن بانوی زیبائی کجاست؟
با حجاب و قفل رندان شهر زندان میشود
آن رهای گیسوی افشان دلداری کجاست؟
مشق شب را مینویسد مردم در بند ما
خرم آن دشت تهمتن شور آبائی کجاست؟
تیغ تیز مرزبانی شقایق های سرخ
لاله زار شب شکن پیمان بیداری کجاست؟
خواب در آن خانهء گمگشته ام در میزند
شعله های اخگر و ابیات دیوانی کجاست؟



در نگاه عاشقت دیدم تب پیمانه بود
مست تر از داغ هر پیمانه در میخانه بود
در کنار ناودان و شر شر باران ابر
چشم من رنجور تر از پر پر دلداده بود
درد پائیزی درختان لخت و عور
باد پائیزی میان دفتر صد پاره بود
مرغکان باغ من پرواز با دل میکنند
دل درون سینه ام خونین تر از افسانه بود
یک نگاه آشنا با رویت خورشید در هم می تنید
حال جانسوز غزل چون شعله در سامانه بود
با قدم تا عاشقی راه فراوان رفته ام
یاد آنروزی که گفתי جان من در خانه بود
حال اخگر بی کنار حال تو بهتر نشد
جان من شمع و تمام جان تو پروانه بود



گفتم چرا گل وا نشد گفتا بهارانی مگر
چون باد نوروز آفرین بر ساختارانی مگر
گفتم طناب گردنم آویز قهر شیخ شد
گفتا میان دشت خون شمشیر برانی مگر
گفتم نگاه مست تو در خواب شبهایم دوید
گفتا به ابر دیده ام باران شبهای مگر
گفتم که جان کودکان در این کویر تشنه سوخت
گفتا بجان چشمه ها آن آب جوشانی مگر
جسم زنان ویرانه شد در دین او آواره شد
گفتا بخود بنگر بگو آیا تو آزادی مگر
ننگ است مزدور عرب بر شهر ما حاکم شود
گفتا نمیدانم بگو آیا تو ایرانی مگر
اینجا حدیث عشق و گل هر شب بیادت میسرود
گفتم بگو آوای دل آن بزم بستانی مگر
از عشق با رازت بگو تا کشته در راحت شوم
گفتا بگو آیا تو هم فرهاد رسوائی مگر
گفتم به شور و مستی سرخ گلان مملکت
گفتم به اخگر ها بگو شمشیر برانی مگر



گفته بودی نازنینم شب شب مهتاب نیست
کفتر بی بال و پر جز فکر جای خواب نیست
باز ها در پشت خانه آشیانه کرده اند
یک ستاره روشن و با نور خود شبتاب نیست
غم میان سینه ام در حسرت پر میزند
جان عاشق جز کمند و بند این بیتاب نیست
شب میان خواب و رویا روی شعرم میدوی
این دویدن ها که شور و شوق هر تنتاب نیست
اسب های وحشی دشت فغان را دیده ای
شیبه اسبان میان کوه و رود و آب نیست
پس بیا تا کلبه پُر بوسه با هم طی کنیم
راه جانسوزی که جز با اخگر کمیاب نیست.



جان را بتنم بزن برو مستم کن
با بوسه ز انبان لبست هستم کن
در خواب شبم بیا و دلداده برو
در عالم میخانه چو پیمانه در دستم کن
دنیا نه بما وفا نمیدارد کوش
پرواز کبوتری شو آزادم کن
با سخره سنگ و در راه دراز
چون قطره آب آسمان راهم کن
جز مستی و جز مستی پیمانه مده
با جرعهء ناب جان مدهوشم کن
با اسب سمندر و هزاران رویا
با تاخت برو تا به هدف سازم کن
با اخگر هر شعله بزن تا دل شب
رقصی ز تنم بساز و جانسوزم کن



صدایت میکنم از آبخشار عشق جوابی باش
کنار مخمل سرخ افق چشم انتظاری باش
دل سنگ زمان را رهگذاری کوچ و غافل کن
در آن کوچان پائیزی بروی موج دل مواج حالی باش
نگو فردا نمیآید و خورشیدی درخشان نیست
به چنگ آور همین ماه دلم را جان پناهی باش
زمین گرد است و آغوش درختان خسته از سرما
بغل کن یک هوس آغوش و هر دم نو بهاری باش
برقصان و برقص و پایکوبان راه را طی کن
بروی سنگ خارا قهرمان باد پائی باش
اگر عشقی ندیدی در کمین حس و احساس
ببار از ابر بارانی و آنگه سبزه زاری باش
به اخگر ها بگو آتش برافروزند بر آتش
ندیدی شعله ای خود را بسوزان دودمانی باش



کشته شد فرزند من زخمی منم
کو حیای شیخ و دین زخمی منم
میزند با تیغ و تیر و پنجه بوکس
شیخ و این اسلام خون زخمی منم
میکشد این شیخ ما را روز و شب
مردم ایران بپا خیزید آن زخمی منم
صفحه تاریخ خون شد خون ما
جانی و قصاب زن زخمی منم
کو سلاح مردمان شهر ما بر انتقام
خون فرزندانم بها دارد تن زخمی منم
لشگر گمگشتگان مذهب ننگ و دروغ
بشکه باروت بی چیزی این زخمی منم
حال ایراندخت را هرگز نمیپرسد کسی
شهپر زن آرتیمس تفتان این زخمی منم
اخگر شاعر چه می سوزاندم در هر مقام
رستخیز شورش این مادران زخمی منم



دلم میخواهد امشب لب به لب بر سینه ات باشم
همانند قدح جام شراب و مستی ات باشم
دلم میخواهد از جنب ستاره تا فضای کهکشان عشق
هزاران پر پر پرواز و من پروانه ات باشم
دلم میخواهد امشب تا خود صبح سحر بیدار
کنار لرزش پستان نازت همدمت باشم
بگو آری قدم بردار تا با عشق تو سر همسرت باشم
کنار آب و این رود پر از ابرای بارانی
بسازم قایقی بر موج و دریا همراهت باشم
به اخگر گفته ام با شب نمیسازم بگو خورشید برگردد
تو ماه خانه ام باشی و من دیوانه ات باشم



دل را فدای نغمه مستانه میکنم
جان غزل به جان سراسیمه میکنم
در انتظار رویش این ماه آشنا
عشق تو را به مستی پیمانه میکنم
رویت ندید و بلبل باغ هزاره گفت
اینبار صحبت یک چاره میکنم
شیرین به ساحت این تیشه میسرود
چون کوه کن دل پر ناله
با اسب ابلقم به پیش تو من خمیکنم
وصف تمام چشم تو در شعر آشناستانه میکنم
با من بیا به کوه و در و دشت گلغزار
در جنگل هزار چهچهه من نغمه میکنم
یلدا چو رفت روی سیه در جهان بماند
گیسوی نور را به جهان شانه میکنم
اخگر کنار آتش جانت کنار توست
در جایگاه شعر و غزل لانه میکنم
هرگز کنار مذهب و آئین و دین مباش
صد به بمار غاشیه من سجده میکنم
اسلام ننگ و معضل این دین شیخکان
شرحی ز زامبی خونخوار را بجهان عرضه میکنم
فرهنگ کشورم در تن هر چله میدود
با این غزال شعر روی غزل جوجه میکنم



سال نو آمد آخوند شهر ما گم گشت و رفت
با کتابش با امامش با اتم گم گشت و رفت
گه ز ترس خیزش دهقان و آن زاینده رود
گاه از ترس قیام مردمان گم گشت و رفت
سیره قداره بندگان و امامان مسلمان را ببین
بر همین منوال این جلاد خون گم گشت و رفت
سال نو آمد جهان زندگانی زنده شد
نور خورشیدی امید شهر یلدا گشت و رفت
عاشقان راستگو بر حلقهء در میزنند
آن دروغ بی نهایت همچنین گم گشت و رفت
مرغ عاشق رو بفصل سبزه و گل میسرود
سردی فصل زمستانی به پایان گشت و رفت
عاشقان فصل بیتابی بمیدان رفته اند
نفی دین نفی امامان و امامت گشت و رفت
آتشی بر مسجد و منبر و آباء مسلمانی کشید
شعله های اخگر شاعر به سامان گشت و رفت



چنان نسیم تو در خون و در هوای منی
چو ابر شاخص هر قطره جان فزای منی
چو آن گیاه خانه و گلدان باغ دلت
تو رستن هزار بوسه بر لبای منی
بگو بسوز میان آتش دل تا بسازم من
حریق جاودانه ی آن خاک توتیای منی
ز ارتفاع دماوند و راس قلهء البرز
چنانکه بهمن و خیزش تو دلگشای منی
نگو که لیلی من در میان خانه فسرده
بزن بطبل صنعت که دیر پای منی
به اخگرانه بگو صبح با طلوع میآید
چو آن تو جوشش خورشید محتوای منی



اینجا نظر بلبل ما چون به گل افتاد فغان شد
و آن شب‌نم بوسه بلب برگ فتاده است عیان شد
عشق آمد و عشق آمد و تدبیر نهان شد
در عهد وفا عشق خودش آفت جان شد
آلاله و نسرين همه در بند دو صد شيخ
این نکبت دیندار بلا باز چنین باز چنان شد
بیدار بمانید که تا صبح خرامان بدمد باز
خورشید که شد کل جهان نور پران شد
من مست توام مست دو چشمان و نگاهت
در جان غزل اخگر شرم نگران باز چنان شد



زورق بشکسته را در آب کردن مشکل است
ماهی دل را به دریا خواب کردن مشکل است
در زمان عاشقی هر بوسه جان در جان که شد
طعم لب را از تبش سیراب کردن مشکل است
پیچک آغوش خود چون کوره ای از آتش است
آتش جان را درون جان هر تنتاب کردن مشکل است
درد این عاشق کشی در کام عاشق خنجر است
درد این دل را میان درد آن کمیاب کردن مشکل است
مهرورزی و وفا عشق و محبت جملگی در یک کلام
مرغ شب پرواز را در خواب کردن مشکل است
کی رود در فکر انسان حرف ناب عاشقی
میخ آهن را درون سنگ این سرداب کردن مشکل است
در صداقت با وفا ره از دلش تا این دل است
پای هر بیراهه را در راه بی مهتاب کردن مشکل است
در کنار خیل شبگیران نباید خانه کرد و دل سپرد
بیدلی بی خانمانی سرد یخ را آب کردن مشکل است
گو شنا در نهر معکوس زمان در این زمستان آه آه
اخگر و رود خروشان زمان باب کردن مشکل است

صدای تیر می‌آید از این ظلمت سرای نحس بی وجدان

سر دارند آن سردار سرداران سروستان

زنان زندانی بند و حجاب و شیخ و اسلامند

بگوئیدم بگوئیدم کجا گمگشته اند مردان کردستان

زمین سرد است و سرما در تمام ریشه ام جاریست

چرا در دخمه ها زنجیر و مردم جمله در بحران

در اینجا دزد بازاری ز روسی یا که چینی هاست

هم از شرقی هم از غربی تمام خاک تنگستان

نه آبی مانده در کوزه نه نانی خشک در بیغولهء تاریک

چهار رفته است بر شیران و آن مردان دشتستان

بگو بابک کجا شمشیر خورد و در کمند افتاد

چه کرد نا اهل اسلامی بر این غوغای جنگستان

اگر آرتیمس و برزن نفس ها داد بر تاریخ

چرا شمشیر ایرانی نزد بنیاد مزدوران

امامان و فقیهان شیخکان حقه و تزویر

به تاراج جهان بردند از اموال محرومان

سلاح گرم برگیرید و بشتابید با یاران

که اخگر تیغهء تیز است در هر بُعد این میدان

اتم میخواهد این آخوند شما آتش بباریدش

که مزد شیخکان و هرزگان سرب است در ایران



من اغلب اعلامیه‌های حضرت امام خمینی را خوانده‌ام
و نواریشان را شنیده‌ام و در اینکه ایشان همه
آزادی‌های فردی، سیاسی و اجتماعی را پاس خواهند
داشت تردیدی ندارم. فکر می‌کنم دوران لطف خداوند
از راه می‌رسد. اگر با لچک به سر کردن من شاه از
ایران می‌رود من با افتخار لچک به سر می‌کنم.
سیمین دانشور در مصاحبه با آیندگان - ۱۳۵۷



گفته شاعر از هزاران یک نفر اهل دل است
جملهء دیگر همانند همان آب و گل است
چون تو عاشق میشوی پروانهء یک شمع باش
بر چراغ شعله رقصیدن خود داغ دل است
کشتزاران چون درو شد لانه مرغ سحر آوار گشت
نبض آواز سحر برشاخه هر نسترن کار دل است
ای دل ار دل ای دل از جان دلی بیرون شدی
هان بدان جز سینه عاشق و شان دل بیدل است
شمع داغ جان انسانی شدی پرواز باش
اخگر آن پروانه های شعر خورشیدش ول است



میگفت اگه ما سهم هم باشیم

حتمن روزی بهم میرسیم

بعد گفت توی یکی از غزلهام نوشته بودم

که عشق خواهر مرگه اشتباه میکردم

عشق خودخود مرگه این مرگ ،

ثانیه هاش هم صدای عشق میده

شبهاش بوی عطر گیسوان تو

و روزهاش خنده های تو

توی خیابون های شهر وقتی باهم برای خرید میرفتیم

حتی اگر گاهها مجازی بودی احساس دستهای تو

توی دستهام و گرمی تنت زمینه غزلهای شبانه من می شد

نمیدونم چه فعل انفعالی سهم افراد رو از زندگی و حیات مشخص میکنه

ولی سهم من از تویک دنیا عشق بود

ولی کم بود و طعم یک زندگی که تا اون زمان حسش نکرده بودم و کم بود کم خیلی کم



روز موعود من و دین تو شد گفتار شهر
روز میعاد من و عمامه شد گفتار شهر
تک تک آخوند ها اسلام تو در تیر رس
رقص این عمامه ها بر دار شد گفتار شهر
نفرت مردم هم از روس و هم از چین شد بپا
دین مزدور عرب هم خوار شد گفتار شهر
ننگ تاریخ وطن شدنم اربابان دین
پرچم آزاد ایرانی بدست کاوه شد گفتار شهر
در چپاول شهره آفاق شد اسلام و شیخ
بر طناب دار ما مرگ اتم گفتیم و شد گفتار شهر
جنگ تحریمی بپا کردیم و با بنیاد تو
ورشکسته پر ز بحران گشت و شد گفتار شهر
نوکر مزدور لبنانی و سوری از یمن یا از عراق
آچمز بی پولی آخوند شد گفتار شهر
هر توافق با دروغ و دین اسلام شما منحل شود
دین کشتار و ترور افشا چپاول گشت و شد گفتار شهر
روز و هر روزت گرفتار هزاران اعتراض و اعتصاب
سرنگونی بر سرت آوار شد گفتار شهر
با هزاران اخگر آتش هم از داخل هم از بیرون مرز
خشم آرش ها چنان چون تیر و آهن گشت و شد گفتار شهر



شور جانی که شود شوکت تو جانان است
حس و حالی که شود پرتو تو سامان است
هاله ای گل همه دور تو و روزت پیداست
شادی مهر و میلاد تو دست افشان است
تخت عشاق پر از گل ز بهاران شده است
به به این روز که روز مه سروستان است
می بنوشید و برقصدید و بخندید چنان
تیر بر سینه دشمن نفس عصیان است
بستیزید بنام همه عشاق جهان با این دین
گند آخوند و امامان لجن خاقان است
اخگر آمد که ببیند و ببوسد و ببوید رویت
ساحری گفت زمان خون تن آبان است



بگو به عشق بیاید که من ندای تو باشم
چنان چو هیبت یک رود در فضای تو باشم
اگر که روز زنان هشت مارش میآید
بگو چگونه در این ازدحام در سرای تو باشم
تمام شهر خسته و بیمار گشت و نخفت
بنام جرات تو تیربار و من دوی تو باشم
بنام لطف تو این پرچم شرف برجاست
بدوش خویش بپوشم که رنگ و روی تو باشم
کنار خون عزیزان شهر شعله ور است
هزار کودک زیبای من چو در قفای تو باشم
حدیث بمب و موشک ارباب جور بر سر ماست
چگونه اندرین شب شلیک جان فدای تو باشم
به کودکان خانه بگوئید مادرش در جنگ
به تیر ظلم خفته و من آن صدای تو باشم
چنان چو اخگرانه بتازم و تا سحر بیدار
که شب بسوزد و من جاودان باوفای تو باشم



ما در این نکبت سرای شیخ زاری کرده ایم
گه برای این امامان اشک جاری کرده ایم
روز و شب با آیه و تفسیر خون از بهر دین
کودکان خویش را قربانی ضحاک خواری کرده ایم
روزگار سرو و گل را جشن نوروز نجیب
جمله را با جن و بسم الله سودا کرده ایم
ما نفهمیدیم و بر اعیاد و بر فرهنگمان تزییق شد
ما تمام خویشتن را این چنین وا داده ایم
دشمن این سرزمین بودیم و در عصر حجر
پرچم اسلام را بر اوج نادانی خود جا داده ایم
ننگ و ذلت ننگ و ذلت بر تو و این دین تو
این چنین ما بر جهالت نام ماوا داده ایم
عصر نوروز است و گل بر شاخسار جان دمید
روی دوش برنو شوریدگان فریاد اغوا داده ایم
در حریر باد نوروزی بهاران را بزن بر ریشه ایران ما
روز نو را از پس نوروز گل افشان بدنیا داده ایم
شاد بادا اخگر آتش میان سبزه زار جان ما
حال این آتشگه دیرینه را بر جان فردا داده ایم



یک جان هماغوش از این خواب گرفتم
از ساحت یک بوسه چو آن ابر بهاران صد غنچهء نورسته روئیده ز آن آب گرفتم
دیدم که تن مرغ قفس پر پر فریاد گرفته
گفتم که تب از آتش بیتاب گرفتم
مردم همه گفتند که ماه از دل سرخی شفق وام گرفته
اما دل من گفت که از عشق تو تنتاب گرفتم
روز و شب من عشق تو با من همه جا هست
اگر همه جا گفت که این هدیه ز آن سوگل کمیاب گرفتم



من شاعر شورم ولی در فکر شیرین نیستم
در جان کندو بوده ام شیرین شیرین نیستم
در باختن با من بُودی در سوختن با من بشو
در این گدار بی امان شهدی و شیرین نیستم
پایم تاول دستم تاول گفتار جاویدان تاول
در رهگذار این تاول قندی و شیرین نیستم
من با پرستش آمدم عاشق چو مجنون آمدم
زنیور گلها بوده ام بر شعله شیرین نیستم
گلزار را با من بخوان ره را به پای من برو
عاشق ترین را دیده ای من عشق شیرین نیستم
پروانه چک چک میکند خورشید قهقهه میزند
در اوج آشوبی چنین شهبال شیرین نیستم
از بمب های اوکرائین تا شهر من تا شیر ها
من اهل ایرانم ببین حلاوی شیرین نیستم
اخگر بنامم سکه زد بر دور عالم شعله زد
فوج کبوتر ها و من غافل ز شیرین نیستم



من در حوالی دل تو خانه کرده ام
در جان آشنای تو من لانه کرده ام
سخت است از دل طوفان برآمدن
دل زیر بمب های جهان شرحه کرده ام
بیداد آسمان و زمین را به خون خویش
در چهار جای جهان دیده کرده ام
اینجا تمام دختران جهان زنده مرده اند
با رنج این زنان چقدر آه کرده ام
دستان بستهء من درد کشور است
خون از شقیقه چو فواره کرده ام
کو آن نظام جهانی که بشکند
دست نظام سلطه و من ضجه کرده ام
امروز دست خالی و من اخگرانه ام
با عشق، من به جهان ناله کرده ام



بگو به ماه بیايد که من فدای تو باشم
چنان چو نغمهء یک عشق بی ریای تو باشم
اگر که روز وفا رقص خون و آتش هست
بگو چگونه در این ازدحام در سرای تو باشم
تمام شهر خسته و بیمار گشت و نخفت
بنام جرئت هر تیر بار من دوی تو باشم
بنام لطف تو این پرچم شرف برجاست
بدوش خویش بپوشم که رنگ و روی تو باشم
کنار خون عزیزان شهر شعله ور است
هزار کودک زیبای من چو در فضای تو باشم
حدیث بمب و موشک ارباب جور بر سر ماست
چگونه اندرین شب شلیک جای فدای تو باشم
به شیخ و مفتی و جلاد و پاسدار بگو
که من و خرمن آتش به آن ردای تو باشم
به کودکان خانه بگوئید مادرش در جنگ
به تیر ظلم خفته و من همصدای تو باشم
چنان چو اخگرانه بتازم و تا سحر بیدار
که شب بسوزد و من جاودان با وفای تو باشم



کوکتل بساز بکوبان به سید علی
آتش به پاسدار و بسیجی به رهبری
با عزم پر تهاجم و با دست آتشین
کوکتل بساز بکوبان به خامنه ای
انبوه پاسدار و بسیجی فاشیزم دین
رگبار مرگرای بکوبان به سید علی
با عزم بختیاری و با خون گُرد و فارس
ارتش بساز و شعله بباران به سید علی
خلق بلوچ و آب کشاورز و ظلم شیخ
ننگ است درنگ، خیز بشوران به رهبری
با چشم خون فشان و تن خسته از زمان
فریاد کن بردار کوکتل بکوبان به سید علی
صد ها هزار فاحشه مخلوق دین و شیخ
باروت و شعله بکوبان به خامنه ای
کاخ سلبریتی و قاری قرآن سفرهء خالی
کوکتل بساز بباران به سید علی
با اخگرانه های ایرانی و با اکرائینی دلیر
بردار این سلاح و بشوران به سید علی



جا مانده ام از هزاره قبلی در بطن رود
دریا در مشتم و آسمان در ذهن شعرم
من جا مانده ام در تک یاخته های زمان
عشق تنها نجات و ریسمان آرزو هایم
و طوفان شرار هاییکه بر اتفاق میلغزد
مورچگان کولبر از صخره ها بالا میروند
و مرغ ماهی خوار بر اجساد آماسیده نوک میزند
بر گونه سوخت بران و پناهندگان باران میبارد
نم نم و زنگ های کلیسا کبوتران هراسناک میافرینند
. قرقی ها در جشن نور و صدا بهتر صید می کنند
و آذرخش آسمان تیر از چله کمانم میرباید
باید هدف گرفت و به عمق فاجعه کوبید
تفنگ برنو پدر بزرگ کارائی ندارد
و باروتش خیس زمان است
سلاح لیزری امروز راهگشاست ت
عمل نکن باید هدف گرفت و بر پیکر فاجعه آتش کشید



مستم من و ای کاش که جانانه بمیرم
با رقص می و ساغر و پیمانه بمیرم
گفتند بنام تب آن یار که بر خال لبش بود
گفتم بخورم از تب آن یار و شادانه بمیرم
گو عشق بیاید و ببیند که در این میکده تنها
با شاپرکان نغمه کشان یک تنه دُردانه بمیرم
نفی روش شیخ و اسلام در این کشور بیداد
یک باید هر روزه کنم تا که دلیرانه بمیرم
بی عشق نشاید نفس عشق برآید
با صیغه و مُتعه نتوانم که عزیزانه بمیرم
ما نافی قرآن تو هستیم از این خانه برون شو
تا دلکده در میکده سازم و صبورانه بمیرم
اخر تو بخوان با نفس خوش بغزلهات
پرواز چو مرغان فلک کرده و دلداده بمیرم



صورتت را شبها به ماه ببخش

و بوسه هایت را به لبهای من

چشمانت را به ابر ببخش و غمهایت را به ژاله های ابر های کویری.

فریادت را به کوهساران ببخش و لطافت دست هایت را به نسیم سحرگاه

نگاه نگاه نگاه همه نگاه هایت را در چشمانم بریز

تا عاشقانه ترین کلمات را برایت در شعر هایم بسرایم.

من از بوسیدن خسته نمیشوم

از لمس پستانهایت و از احساس نوازش پوستت.

با ماه بیا تا درگاه رفیق تا خستگی را

از روی پوستت برچینم با ماه بیا آغوشم هدیه همیشگیت



نقش صورت را چو یک رویا بکش
باغ گل را در کنار جان بی همتا بکش
بوسه های محترم بر گونه های گل‌عذار
حال لب را روی لب با حالت سودا بکش
عشق‌بازی با نسیم عطر بستر های خیس
لرزه های تنخوش شوقانه را یکجا بکش
عمق جانت را بیاور جاری دستان رود
پیچش آن ماهیان را در کف دریا بکش
ماه شبها را بیاور تا تب دلدادگی
چهچه مرغ سحر را با بلند آوا بکش
زیر موهای شب یلدائی این آسمان
شاد نجوای من و او را تب فردا بکش
با تمام عشق گفتم اخگرانه با شما
این دل تنهائی من را کنار جان بی پروا بکش



■ خنده زیبای آواز و دل پر شعر خوش باشد بخند

شادی هر نغمه با آواز خوش باشد بخند

شوق عاشق می دمد بر چشمهء مسرور شعر

بر گل اندام بهاران شور میپاشد بخند

این همه زیبائی هر خنده را آواز کن

نغمه مرغ سحر با داد میخواند بخند

چهرهء جلاد خون را روی تاریخم نکار

محو و طردش کن بر آن ننگ مسلمانی بخند

طرفه تیر خدنگ و زهر مار غاشیه

جمله را بر ریشه آخوند بنشان با من شاعر بخند

اخگر اندیشه را در نزد البرز ستبر

ریشه یابی کن برویان با دل شاعر بخند



صدای تیر میآید از این ظلمت سرای نحس بی وجدان
سر دارند آن سردار سرداران سروستان
زنان زندانی بند و حجاب و شیخ و اسلامند
بگوئیدم بگوئیدم کجا گمگشته اند مردان کردستان
زمین سرد است و سرما در تمام ریشه ام جاریست
چرا در دخمه ها زنجیر و مردم جمله در بحران
در اینجا دزد بازاری ز روسی یا که چینی هاست
هم از شرقی هم از غربی تمام خاک تنگستان
نه آبی مانده در کوزه نه نانی خشک در بیغولهء تاریک
چهار رفته است بر شیران و آن مردان دشتستان
بگو بابک کجا شمشیر خورد و در کمند افتاد
چه کرد نا اهل اسلامی بر این غوغای جنگستان
اگر آرتیمس و برزن نفس ها داد بر تاریخ
چرا شمشیر ایرانی نزد بنیاد مزدوران
امامان و فقیهان شیخکان حقه و تزویر
به تاراج جهان بردند از اموال محرومان
سلاح گرم برگیرید و بشتابید با یاران
که اخگر تیغهء تیز است در هر بُعد این میدان
اتم میخواهد این آخوند شما آتش بباریدش
که مزد شیخکان و هرزگان سرب است در ایران



خون در مدار بستهء رگ تلخ میشود
فولاد آبدیده خودش چرخ میشود
مهسا اگر نشد زنهای بیشمار
لچک بدور گردن و سر چرخ میشود
انبوه خفتگان سر به مهر و کور
بر بی حجابی شهر تلخ میشود
قرآن عنکبوتی و زنهای عورتی
جنسی که در کلام خدا تلخ میشود
تعیین نوع پوشش زن حرف اول است
بر زن فقط دیکتاتوری چرخ میشود
بمب اتم جنگ و ترور مرگ و خون دیدی
نان شب آخوند که تلخ و در چرخ میشود
با تیغ تیز برش حمله ور شوید
وقتی که لچک دین تلخ میشود
زن در کفن هزار بار بهتر است
با روی باز این سلیته، چو یک چرخ میشود
اخگر ز سعدی و قرآن و شاعران آموز
زن عورتی است که تلخ تر از تلخ میشود



اختصاصی: یکی از دوربین‌های
مشرف به محل بازداشت مهسا
امینی با دستور دادستان از جا
کنده شده

قتل به معروف جان اسلام است
امری خدائی که آن اسلام است
در زیر اختناق عبای شیخ عرب
چون پرچمی است که نان اسلام است
بر زن بکوب که این سلیمه بی آبروی شهر
آن مظهر خباثت پر کین اسلام است
لچک، چادر و چاقچور و حجاب اجباری
آن ضابط شریف امامت قرین اسلام است
ایران تیول عرب پرستان عهد بوق
اصل حرمسرای زنان کان اسلام است
باروت به مسجد بیاورید ناله گران
که این خراب آخوندی امان اسلام است
سردار ذولفقار امین دین و آخوند
خون ها بریز که خون نگاه بان اسلام است
اخگر نخفت در شب ویرانه های دین مبین
کین بردگی زن خود آن نهان اسلام است



آمدم تا درب منزل تا ببینم کیستی
با سلامی پر ز آب دیده دیدم نیستی
خانه ویران بود مرغی در قفس پرپر
آه آری خون دل دیدم و دیدم نیستی
جان پروانه کنار شمع و دردی در تنم
در کنار عشق دورانم که دیدم نیستی
قبرها پر بود از باروت داغ و سرب سرد
سر درون چاه بردم آه دیدم نیستی
گوهر تن را بخواب آلوده کردم در شبی
آه آری شب گذشت و باز دیدم نیستی
دل کجا دلبر کجا رفتار عاشق کش کجا
تو مگر ژینای اخگر را که دیدم نیستی

زن زندگی آزادی

ابری با دلی پُر

کوبنده با بارانهای سیل آسا

چهل سال بر خشک خاک میهنم بارید

از البرز سربلند جاری شد

تا اورامانات سینه خیز آمد

در پهن دشت تهران و مشهد و شیراز جاری شد

زاینده رود را آبیاری کرد از سیستان و بلوچستان گذشت

و از کارون رد شد

به خلیج فارس رسید

و اکنون خون خویش را چون آتشفشانی

از دماوند سربلند

به پهنه آسمان ایران میپراکند

چون رگبار قیام مردم ایران

که برای زدودن اسلام و ارتجاع

و رفع لچک و چارقد اسلامی عربی

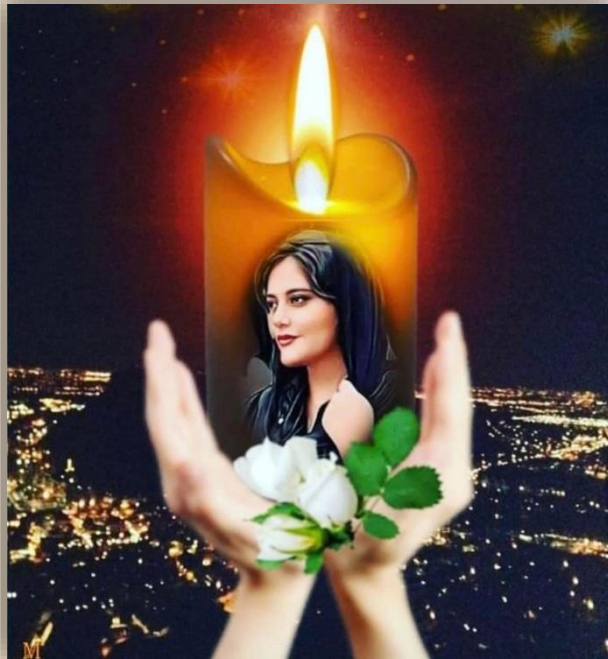
آتش به پایه های این نماد تحجر و سرکوب زن میزند

و فریاد ایران سکولاریسم دمکراسی

زن زندگی آزادی و حکومت اسلامی نمیخواهیم نمیخواهیم سر داده اند

لچک های عربی اسلامی حجاب اجباری را میسوزانند

زنان انقلابی ایران زنده باد





در شهر شما دل پی دلداری نداریم؟

در جان قفس مرغک آزاد نداریم؟

شب شیون عاشقان بفریاد رسیده

گفتید که یک عاشق بیدار نداریم؟

از مستی و آن شوق تمنای وجودش

گفتند ولی خانه درش باز نداریم

ناگاه تب و جوشش و طوفان سرمان ریخت

در شهر بجز شیخک خونخوار نداریم

مهسا را تو کشتی غم نانش همه را کشت

صد دختر سرزنده بیباک که داریم

ویرانی این کشور ما دست آخوند است

خون پوش شده شهر که آرام نداریم

برخیز و بزن تیشه به این ریشه پوسیده بدخواه

جز اخگر کوبنده و کوکتل بکف شهر نداریم



سنتشان بود بگورت کنند
تیزی هر تیغ بخونت کنند
چادر و لچک بسرت میخ پرچ
نکبت اسلام به کارت کنند
موعظه کردند که زن باحجاب
گر نبود فتنه بکارت کنند
شیخ و یا مفتی اسلام تو
خون تو چون خورده بنامت کنند
شب شب اعدام تو یک باکره
شوکت اسلام به اندام نزارت کنند
گفته که اخگر غم خود تیغ کن
حمله بکن تا نه شکارت کنند



شجاعت را از آن دختر بیاموز
از آن ایرانی دلداری آن سرور بیاموز
بزن بر تیپ و تار هر سپاهی ستمگر
ز هر یوتاب از تاریخ این کشور بیاموز
به خواری یاد کن از ظلمت اسلام اینان
از آن تیغت درفش کاوه ات سنگر بیاموز
چو ایرانی بخوان با قهر با تهمینه هامن
بنام این زنان آزادی و آبادی بهتر بیاموز
تن هر روسری لچک و چادر را بسوزان
از این آتش تو درسی مردمی برتر بیاموز
ترور در قالب اسلام و موشک یا اتم بود
به اخگر ها بگو با حمله ات تندر بیاموز



میدوم با پای سر من در قفای انقلاب
در بدر با پای آتش با ندای انقلاب
دست و بازوی بهم پیچیده با کوکتل اجین
میزند آتش به شیخ و این فضای انقلاب
دوستان خوب هر روزم میان هسته ها
سازمان رزم میسازند با کوکتل برای انقلاب
شهر ها با آتش جانانه در هر صبح و شام
میسراید با غزل با حمله های انقلاب
ترس شیخان ترس جلادان دین را دیده ای
قهرمانان و زنان کشورم در شهر های انقلاب
بعد سرکوبی که اسلام و آخوند ایجاد کرد
دیده ام امروز بازم دختران شاد روی انقلاب
اخگر و آتش میان شهر آوردم ببین باور بکن
از برای رزم آخر در کنار دختران این تیز پای انقلاب



عطر آزادی میان گیسوانش میدود در شهر
خوشه های خشم یک رگبار می تند در شهر
خون مهسا خون نیکا خون زنهار در کف تاریخ
چون غزال هر غزل فریادهایش میدود در شهر
شهر پارتیزان پر از کوکتل پر از باروت آزادی
شوق دختر های عصیان میدود در شهر
شور آتش بر حجاب مفتی و ملای اسلامی
سرو آزادی کنار جنگل عصیان میدود در شهر
شورش جنگل، خیابان در نظام بردگی اسلام
عزم پارتیزان دختر شعله هایش می تند در شهر
با سارینا یک حدیث رزم میروید به اخگر ها
ساقه هایش ریشه هایش میدود در شهر



من میان باد گردان در میان گیسوان تو
در دل دریا خزر جان خلیج فارس طوفان میدهم
من میان دشت و آغوش بیابان سبز صحرای شمالان
شوق باران میدهم
باد پای آهوان جنگل افرا غزال هر غزل
بر پر مرغان هزار آوا دو چندان میدهم
عشق را گفتی کنار جویبار غلغل تاریخ
آه آری بهر دل یک پُر دل و جان غزلخوان میدهم
دختر زندانی من نو گل باغ بهار زندگی آزادگی
قیضه در هر قبضهء باروت را در سطح میدان میدهم
روی این شهر مسلمانی پُر آخوند و ننگ
تیرباری با مسلسل در فضای عزم جانان میدهم
من میان رقص آهوه‌ای این دشت خرامان
یک جهان آزادی زن مرد میدان میدهم
اخگر دل را از این زندان رهنیدی برو پیوند باش
روی گلهای بهاری خرمن عطر خراسان میدهم



کوکتل بکوب به سامان این نظام
بر شیخ مرتجع و بر اندام این نظام
آتش بزن به چادر و لچک به این حجاب
بر پیکر امام جماعت بر این نظام
سالوس و مرگ و فضاحت ندای دین
خشم و خروش بکوبان به این نظام
اسلام و شیخ گم شود از سطح زندگی
با تیغ تیزشعله تو ، خون این قیام
اسلام دین تجاوز به هر کسی است
یک جبهه مداوم و ممتد در این نظام
قرآن بریز دور بر این جهل و بندگی
زن زندگی بساز ز طوفان این قیام
با اخگر غزل برقص و بکوبان و برجهید
با رهروان دلیر ز آواز این قیام



بیزارم از دین شما نفرین به آئین شما
از پینه پیشانی و از قلب سنگین شما
مهسا و نیکا کشته اید خون با قساوت خورده اید
از کودکان و دختران در بزم خونین شما
نگ است این سلامتتان آینده نومیدتان
نفس قساوت در شما زنجیر این دین شما
آزادی زن را ببین موهای افشان را ببین
در شهر پُر سرکوب و خون اسلام ننگین شما
رقص شقایق های سرخ در ابر بارانی ما
سرو بلند آوای من بر ظلمت جان شما
خیز زنان در شهر من پرواز مرغان نجیب
سیمرغ تیر و ترکشی بر کنه انبان شما
عمامه ها پران کنید آخوند را حیران کنید
با انقلابی این چنین سر روی فقدان شما
اگر نمیخواهد دگر تا صبح آن خورشید ما
طوفان این آتشفشان بر ضابط دین شما



یک پریچه‌ر غزلخوان برنوئی در کار داشت
از لرستان تا خراسان ماهر نوئی کار در انبار داشت
گل شکفته باغ با درهای بازش یک بهار اغوا شده
می در آن جام خراب هر غزل آوار داشت
شاهد رقص دلیران لرستان و بلوچستان بودم
این اجاق شعر گلگون خون فشان آتشگهی بر بار داشت
دست بردم در میان گیسوانش جعد بانوئی او
برتر از ابریشمش حسی چنین در کار داشت
گفتمش ساز دل و آوای جان را برده ای
گفت گویا اتحاد جان عاشق اینچنین پیرانه ای پیکار داشت
دیدم آن مهر تو را دلبسته رویت شدم
گفت آری جان اخگر برج آزادی چنین افسانه ای در کار داشت



شهامت گر شود روشن دلیر خانه میرزمد
چراغ جان شود روشن نهاد خانه میرزمد
اگر دشمن شود غالب فضای خانه میرزمد
بعشق آگه شود گر جان خدای صحنه میرزمد
هر آنکو با غم و محنت زمانش غرق اندوه است
غریق شادیش کردی چنان باروت دست افشانه میرزمد
بعشق آکنده اش کردی تمام کشور افسانه میرزمد
برو بیرون ز قرآن و ز دین نکبت اسلام
تن آزاد مردان و زنان مستانه میرزمد
بگو با مهر اخگر ها چها کردی در این چهل سال
که تنها دست خالی با آخوند خانه میرزمد



عمریست جنگ ما و شما نابرابر است
خون فواره ایست که در جان خواهر است
مهسا حدیث دختر ترک و بلوچ و گُرد
جانی که در جهان پر از تیغ و خنجر است
خاکی که گشته پر از خون ترک و فارس
ایران ماست که کشتار در آنجا مکرر است
این شیخ زقنبوتی نادان و کهنه مار
باید بسوزد و آتش به پیکر است
گر ضربه ای زدی به شیخ بکوب تا اعماق
کین خود نشانهء تاریخ برتر است
آتش ببار و به شلیک پر شتاب
ثابت بکن که اخگر مردم به گوهر است



زنده بگوری میکند یک سرزمین ایران من
دستت بدستم هموطن در سرزمین ایران من
کو برنو اجداد من گرد و بلوچ و ترکمن
باروت شهر آشوب من یک سرزمین ایران من
بابک ز عرش قله ها خونین تر از دل آمده
مهسا و سارینا حدیث یک سرزمین ایران من
اسلام ناهنجار شیخ هم میخورد هم میکشد
شلیک کن ای هموطن یک سرزمین ایران من
جلاد خون آشام دین آرامشش را حذف کن
نورانش کن شعله را در سرزمین ایران من
شرع کثافت خانه را با شیخ و دین پر شعله کن
خون عزیزان را ببین در سرزمین ایران من
یک لحظه هم غافل نشو شیخان خیانت میکنند
دریا خزر آبم خلیج این سرزمین ایران من
اخگر بدستت میدهم باروت و آتش میدهم
شلیک کن ای هموطن در سرزمین ایران من



تائید مرگ یک نوجوان دیگر توسط
سرکوبگران: ماهک هاشمی ۱۶ ساله
در شیراز

اینجا کبوتران باغ دلم کور گشته اند
پروانه های نور چه مقهور گشته اند.
شب با سیاه چادر شب تیغ میکشد
اینجا زنان چه طمعہ دستور گشته اند
قرآن بخوان و حدیث نبوت و آخوند
گویا در این طویلہ چنان حور گشته اند
نوه سالہ بود کہ جان را بہ سوره داد.
اینجا نرینه های اخوند زور گشته اند
زن را بساز بساز بہ آیات زهد و دین .
زیرا جہان کفر ہمہ مغرور گشته اند.
آزادی زنان کشور من حرف مرد بود
مردان مرد کی ز زنان دور گشته اند
ای زن ہزار پارہ شعرم برای توست
من با شعلہ های اخگر تو جور گشته ام

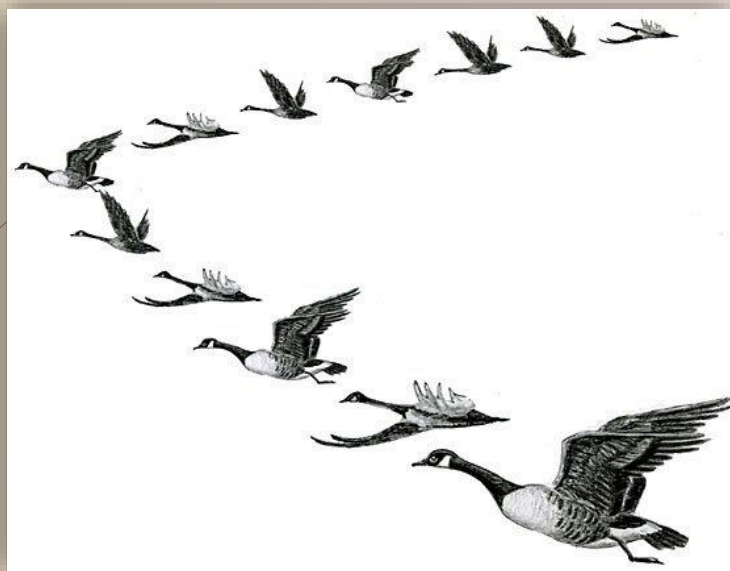


با دلم بازی نکن چون بال پروازم شکست
روی بُعد هر نگاهت جان آوازم شکست
گفته بودی باز میکردی میان شعله ها
شعله بر جانم زدی احساس اشعارم شکست
تیر بی رحمی و ظلم نانجیبان بر تنت
سروقد سرومان بر دار سردارم شکست
زن تو بودی زندگی آزادی ما کو کجاست
عشق مادر حرمت بابای شهرم را شکست
دیو وحشت زندگی ها را هزاران بار کشت
عشق لیلی عشق مجنون عمر جانانم شکست
گر سلاح دستمان برنده و قاطع نبود
سخت در فکرم چرا تاریخ اجدادم شکست
در تقابل با آخوند و شیخ رذل بی حساب
اخگر هر بی سلاحی روی افکارم شکست



نفس زیبائی هر عاشق دلدادہ رعنا بشویم
عطر گل را بنشانیم به موهای زمان
خاطرات پر پرواز کبوتر تن رویا بشویم
روی هر موج که از مذهب ودین می خیزد
شرح بیداد و تجاوز ز همین عنصر ملا بشویم
لحظه عشق بدانیم که عاشق شده ایم
نرم و باران بسر شاخه و این باغ دل آرا بشویم
روی هر بوسه بخوابیم و ببوئیم و بسازیم
غزل شاعری در کف معشوقه سودا بشویم.
اخگر حادثه را بر تن و بر روح جهان بنشانیم
روز آزادی زن رقص کنان شوق تمنا بشویم

همیشه وقتی مرغان مهاجر از روی مزرعه میگذرند
صدای آوایشان شادی آمدن را با حزن رفتن مخلوط مینوازد
زیرا شکارچیان چیره دست
سلاح بر کف
رد پرواز را نشانه رفته اند.....



مقالات :



مجاهدین و شورای مطعلقه به دروغها و لمپنیزم پرویز خزائی ها احتیاج دارند

پرویز خزائی که خود را نماینده شورای ملی مقاومت در کشورهای نوردیک (اسکاندیناوی) میداند با تزها و تئوریهای خود و مطرح کردن اینکه ایشان یک گر هستند باعث شرمساری مردم ایران بطورعام و لرهای دلیر ایرانی شده و میشود. بطوریکه ملانصرالدین که سهل است آخوند ها و فرمانده های سپاه پاسداران در دروغ گوئی و شانتاژ و لمپنیزم به گفته ها و کردار ایشان غبطه میخورند. پرویز خزائی در گذشته و قبل از تغییر رژیم در ایران کارمند سفارت ایران در استکهلم و بعد هم کارمند سفارت جمهوری اسلامی در نروژ بوده است.



پرویز خزائی باید اجازه دهد آنهائی که ایشان را از نزدیک میشناسند سر بر زمین بگذارند تا ایشان بتواند با منطق لمپنیزم ضد مردم دلیر لرستان و دروغهای شاخدار آخوندی به لجن پراکنی به دور و اطراف بپردازد. یکی از آخوند ها بر روی منبر اعلام میکرد که امام علی خامنه ای همینکه از شکم مادر به بیرون نزول اجلال فرمودند با کشیدن یک شیهه بلند یا علی اعلام موجودیت نمودند. پرویز خزائی در نشست اخیر شورای اعلام کردند که از زمان دانشجویی با مجاهدین آشنائی داشتند فراموش کردند که بگویند از توی قنذاق برای مجاهدین سینه میزدند و اعلام کردند بعنوان یک سوسیالیست (بلشویک) و بعد با یک درجه تخفیف عنوان کردند بعنوان یک سوسیال دموکرات (منشویک) معتقد هستند که اینهائی که پرچم مبارزه با اسلام را برداشته اند باید از سوسیالیستی همچون ایشان درس بگیرند چون ایشان معتقدند که تضاد امروز ایران از تضاد بین استثمار کننده (بخوانید امریکای جهانخوار) و استثمار شونده یعنی مردم ایران میگذرد که البته این تز محمد حنیف نژاد در ۵۰ سال قبل بود زمانی که مبارزات ضد امپریالیستی و ضد امریکائی با سرردهای امریکائی بیرون شو خونت روی زمینه و ترور مستشاران و نظامیان امریکائی در ایران صورت میگرفته یعنی افق این شعار محمد حنیف نژاد در عمل و در پراتیک مردم امروز ایران که مرتب شعار میدهند دشمن ما همین جاست دروغ میگو آمریکاست و یا حکومت اسلامی نمیخواهیم نمیخواهیم یا آخوند باید کشته شه تغییر کرده و این آقای سوسیالیست! سوسیال دمکرات! درک نکرده که زمان به پنجاه سال قبل برنمیگردد و ایشان دیر به این صحنه تشریف فرما شده اند.

یعنی تضاد مردم ایران با پشتوانه تاریخ مبارزاتشان از پاک کردن فاشیسم اسلامی با همه تاروپود های آخوندیش میگذرد و فریاد میآورند دشمن ما همین جاست دروغ میگویند آمریکاست و خوب پرویز خزائی برای خوار و خفیف کردن لُر های دلیر ایرانی خودش را لُر جا میزند و خیال میکند آتش سلاح لُر ها در پشت ایشان با شعار حکومت اسلامی نمیخواهیم و یا آخوند باید کشته شه عمل میکند.

اینکه چرا ایشان دروغ میگویند و عنوان میکند از زمان دانشجویی یک جوهرائی با مجاهدین جور بوده و دوسال هم سفارت نروژ را در اختیار مجاهدین قرار داده بوده با سکوت مجاهدین و شورای ملی مقاومت مواجه میشود ؟

البته مریم رجوی در پایان صحبت ایشان با خنده و یک برخورد ضمنی طنز آمیز گفت چه خوب که لُری هم صحبت کردی.

البته پرویز خزائی نباید فراموش کند افرادی هستند که خاطره ۱۱ آگوست سال ۱۹۸۱ میلادی یعنی ۳۹ سال قبل را فراموش نکرده اند و من افرادی را میشناسم که در این روز با حمله به سفارت نروژ که پرویز خزائی کاردار آنجا بود با پس گردنی ایشان را بر روی زمین خوابانیده بودند(حتمن نمیدانستند که ایشان از توی قنناق در ارتباط با مجاهدین بوده) و به گفته شاهدان عینی پرویز خزائی خطاب به دانشجویان که سفارت را به تسخیر خود در آورده بودند فریاد میزد اینها پروند های مردم و پاسپورتهايشان است نبريد. و کسی گوش بحرفهای این سوسیالست! سوسیال دموکرات! مجاهد! نمیکرد

سرداران سپاه هم امروز رو در روی مردم مانند پرویز خزائی دروغ میگویند موشک پرتاب میکنند که در دهه های گذشته کشورهای مختلف این کار را کرده اند حتی از اعماق دریا و اینها اعلام میکنند برای اولین بار در جهان رژیم جمهوری اسلامی از قعر زمین موفق به پرتاب موشک شده است

روی پرویز خزائی ها سفید. مسلما ملانصرالدین مجاهدین و شورا نه تنها تزاها و تئوریهای گذشته گرای حنیف نژاد را میخواهد به نیش بکشد که فراموش میکند بعنوان یک دیپلمات ملانصرالدینی نمیشود کنار مسئولین امریکائی نشست با آنها دست در یک کاسه کرد و برای مردم شعار ۵۰ سال قبل حنیف نژادی را بزبان لُری هجه کرد





مبارزین ضد فاشیست ایتالیا و آلمان همزمان که با فاشیزم می‌جنگیدند تئوریهای فاشیستی کتاب ماین کمپ هیتلر را یدک نمیکشیدند. قرآن و آخوند و فرهنگ آخوندی اسلامی جایی در ایران آینده نخواهد داشت حال کیست که به خزائی‌ها بگوید چه بخواهید آخوند اسلامی تولید یا در کنار خودتان سمبلیک آخوند نگه داری کنید یا در زیر پوش سوسیالستی و سوسیال دموکراسی فاشیزم اسلامی را مجدداً به مردم ایران حقه کنید دیر به این صحنه تشریف فرما شده اید. پرویز خزائی در سال ۱۹۸۱ بعد از تسخیر سفارت نروژ گزارشهای مبسوطی را از دانشجویان ایرانی به منابع اطلاعاتی داد که مورد تضعیقات قرار گرفتند و چندی بعد هم وقتی همه راه‌ها را بسته دید و مسعود رجوی مرتب اعلام میکرد که سقوط رژیم خمینی در شش ماه آینده محتمل است به شورای ملی مقاومت پیوست و اصلاً سفارتی دست ایشان نبود که در خدمت مجاهدین بگذارد بلکه برای حفظ موقعیت تا امروز و در شرایط مختلف به گزافه‌گوئی‌های ملانصرالدینی ادامه میدهد مثلاً در زمانی که مجاهدین و شورای مربوطه قصد خزیدن بزیر قبای آخوند و وزارت اطلاعات را داشتند و با شعار رفرندام رفرندام این است شعار مردم به میدان آمده بودند و شرافت مبارزاتی و خون مردم ایران را به حراج گذاشته بودند پرویز خزائی کاسه ماستی در دست گرفته بود و کنار دریا میخواست کاسه ماست رفرندام را با آب دریا دوغ درست کند و میگفت اگر این دوغ بشود چه دوغی خواهد شد و به پشتوانه ایشان آقای هزارخانی که کمیسیون فرهنگی شورا را نابود و درش را تخته کرده اعلام میکرد که رفرندام بما یعنی شورا و مجاهدین بهتر از زمان مبارزه مسلحانه یاری خواهد رساند و از پرویز خزائی حمایت میکرد که هر دو رو سیاه شدند مجاهدین و شورا دهان دروغگوی پرویز خزائی‌ها را مسدود نکنند تاریخ خواهد کرد

نوید

چهارم ماه آگوست سال ۲۰۲۰ میلادی سوئد استکهلم



یازده کشور عضو شورای امنیت به پیشنهاد ایالات متحده امریکا مبنی بر منع فروش سلاح به تروریسم اسلامی رای ممتنع دادند و چین که در حال حاضر بیش از نود در صد اقتصاد خود را با رژیم اسلامی به حالت رکود رسانیده رای مثبت داد و نیز روسیه که دست و پایش با تهدید تحریم های اقتصادی امریکا بیش از پیش بسته شده به فروش سلاح به ترور اسلامی جواب مثبت داد گوئی اروپا و چین و روسیه وضعیت حاد اقتصادی مردم گرسنه و سرکوب شده ایران را و ورشکستگی رژیمی اسلامی را نمی بینند که مانند پزشکی حاذق برای خروج بیماری بنام رژیم ترور اسلامی از این مریضی لاعلاج نسخه خرید سلاح مینویسند.

جالب است که رای ممتنع یازده کشور عضو شورای امنیت را آخوند دلچک حسن کلید ساز رئیس جمهور ارتجاع با لبخند های مضحک و مفتضح و چندش آور همیشگیش بعنوان پیروزی های خود و نظام جهالت در نظر گرفت.

یادتان هست که حسن روحانی موقعی که عکس قبر خواب ها را در جلو دیدگانش قرار دادند با همان خنده های چندش آورش میگفت ما کارتن خواب شنیده بودیم ولی گور خواب خیر، گوئی این آخوند جانی عضو شورای امنیت رژیم از کره مریخ نزول اجلال فرموده بودند که گور خواب و غار خواب و ... را آنهم با خنده های مشمئز کننده جزو مشاهدات روز مره مردم نمیدانستند یا وقتی اعتراضات مردم در گران شدن قیمت بنزین را برای مردم توضیح میداد با پس خندی مهوع میگفت که اصلا از گران کردن بنزین خبر نداشته ولی از رای ممتنع یازده کشور اروپائی و جهان که به نفع نظام در حال سقوطش نیست خبر دارد و آنرا با خنده مفتضحانه ای شکست ایالات متحده میداند

در حالی که امریکا اعلام کرد برنامه ای داریم برای بعد از این رای شورای امنیت و آن فعال کردن مکانیزم ماشه است که خارج از حتی قواعد پروتکل های نوشته شده برجام بکار خواهد افتاد که حتی اگر آنجا هم با مخالفت اعضای شورای امنیت مواجهه شود اتودینامیک بدتر از تمام تحریم های شورای امنیت را بر علیه نظام ترور اسلامی اجرا خواهد کرد.



مکانیز ماشه در مورد تخطی کردن جمهوری اسلامی از برجام که تا بحال چندین بار انجام پذیرفته خود بخود میتواند فعال شود بدون رفتن به شورای امنیت و اینجاست که دستان و پاهای اروپا در پوست گردو قرار خواهد گرفت و راه رفتنشان دیدنی خواهد بود.

بصورت استراتژیک یازده کشور عضو شورای امنیت که رای ممتنع دادند باید اقتصاد خود را با کشورهای عربی و نیز اسرائیل که معتقد هستند این گونه رای دادن تروریسم اسلامی را در مجهز کردن وی به سلاح و امکانات دیگر در خاورمیانه و جهان فعال خواهد کرد قرار خواهد گرفت و باز راه رفتن اروپائیان با دست و پاهای جسبیده در پوست گردو دیدنی خواهد بود. در روی صفحه شطرنج سیاسی مکانیزم ماشه در جهت تقلیل تنش و کشتار و جنگ خواهد بود.

رای ممتنع بعنوان حمایت از جنگ و کشتار مردم محسوب خواهد شد باید منتظر بود بود و دید که حسن کلید ساز چطور در آینده لبخند خواهد زد و دل از سرسلسله ترور اسلامی علی خامنه ای خواهد برد مردم فروشی فروش دریای خزر فروش خلیج فارس و جزایرش فروش زنان و دختران و جوانان ایران لکه های ننگی است بر دامان جمهوری اسلامی. که جز با سرنگونی این فاشیزم کشتارگر برطرف نخواهد شد.

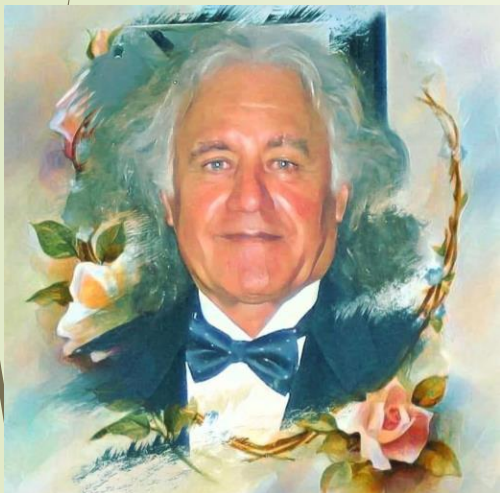
میدان دادن دوباره به قرائت های دیگر فاشیزم اسلامی بعد افشای جنایات هیتلر که منجر به ممنوع کردن و محدود کردن این نوع از فاشیزم شد همیاری با فاشیستها محسوب میگردد و از دید مردم ایران مذموم و محکوم است هیچکس در جهان مباحثه و صحبت با فاشیستها را در کارنامه دمکراسی خواهی درج نخواهد کرد

نوید اخگر

۲۴ آگوست سال ۲۰۲۰ میلادی سوئد استکهلم



چکمه های رضا شاه بدرد نیروهای سکولار و دمکرات نمیخورند ، نشریات کوبیتی خبر از اتصالاتی بین حکومت جمهوری اسلامی با ادمنیستراسیون پرزیدنت ترامپ میدهند برای مذاکرات و توافقات آینده. در این توافقات هچکس جائی برای افراد رژیم بعد از سرنگونی باز نمیکند زیرا انقلاب به محض شروع شاخصه های خود را خواهد داشت. انقلابی که بدست نیروهای سرکوب شده ۴۲ سال حکومت آخوند و اسلام رها شده اند روش و پرنسیپ های خود را داراست که توسط یک کانال تلویزیونی و چهار تا روشنفکر بی تجربه اداره نمیشود. ولی اما رژیم در صدد است که خنده های ملیح اعضای اصلاحی را در درون گروه ها سیاسی و یا حتی تلویزیونها رسوخ دهد برای ماندگاری آینده از قبیل آخوند مکلا خزعلی یا نمایندگان سابق مجلس ارتجاع بنام وکیل و وصی مردم و یا آنهائی را که چند صباحی در زندانها ترشی انداخته و بنام رئیس جمهور آینده و یا نمایندگان حقوق بشر معرفی مینماید ولی همانطور که گفته شد انقلاب قانون دارد و هیچ نیروی اپوزیسیونی نمیتواند از خارج کشور برای بدن های آش و لاش شده ملیونها ایرانی در زیر شکنجه و اعدام و سنگسار تئوری بسازد که خشونت بد است و اصلاحات و دوک نخریسی گاندی خیلی خوب است است اسلحه بدست مردم اخ است و الی غیرالنهایه. نیروی اپوزیسیون باید حق را به مردم بدهد که با چه روشی میخواهند رژیم را زیر بکشند رژیمی که ۴۲ سال خشونت را بر آحاد مردم تحمیل کرده است. هر گاه تلویزیون و یا گروهی و یا سازمانی بخواهد از مهره های رژیم استفاده کند دولت در تقریب بسازد و دولت در تبعید را لکد مال کند باید با روشهای دمکراتیک از دور خارجش کرد و به افشای او پرداخت.



خبر در این است که وزارت اطلاعات سرمایه گزاریهای عمیقی بر روی کانالهای اصلاحات زده خود در کمک به کانالهای تلویزیونی به انجام میرساند . زدن مهره های اصلاحی رژیم مانند ساخت از مهره های فاشیزم هیتلری پرواز را از کل سیستم دیکتاتوری فاشیستی هیتلر که همچون ولایت کشتارگر فقیه سلب میکند.

زدن حس نصرالله که نیروهائی او را چگوارای اسلامی مینامیدند مانند قطع اعضای بدن ولایت فقیه است اپوزیسیون سکولار دمکرات ایران میبایستی ابتدا به ساکن خود را پیرو خطوط استراتژیک و آزادیخواهانه مردم بداند و خود را دنباله رو مردم تلقی کند نه بر عکس خود را تئوریسین و راهبر گله گوسفند قلمداد کند.

باید به نیروهای مستقل آزادیخواه که وابستگی این تلویزیون و آن کانال خبری را نمیپذیرند و در جهت اهداف آزادیخواهانه قدم برمیدارند تبریک گفت

نوید اخگر

۲۸ ماه سپتامبر سال ۲۰۲۰ میلادی سوئد استکهلم



حمایت از جنبش (می تو) و از حقوق زنان و قربانیان آزار جنسی یک الزام تاریخی است.

بنازگی ۳۰ تن از زنان نام آشنای فرهنگی هنری در ایران در نشریه نیویورک تایمز آیدین آغداشلو را متهم به تجاوز به حقوق زنان و آزار جنسی به آنان کردند.

آیدین آغداشلو همه این اتهامات را رد کرده است .

البته با توجه به شرایط سنتی و اسلامی جامعه ایران این افشاگری ها در جهت آزادی زن یک اقدام شجاعانه و قابل تحسین است برای اینکه متجاوزین جنسی که تحت لوای اسلام از دستان بازی برخوردار هستند ترسیده و با دست باز این نوع آزار ها را که تاریخا بر زنان ایران تاثیرات مخربی را بجای میگذارد مایوس کند.

ستودن دلاوری های بانوان ایران و سکوت نکردن در مقابل متجاوز و تجاوزگران باید بعنوان یک محور آزادیخواهانه در جامعه ایران مطرح باشد ، جامعه ای اسلامی که از فشار های اعمال شده آخوندی اسلامی صیغه پنج دقبقه ای تا متعه و چند همسری در عذابى مدام بسر میبرد.

شخصیت های مستهجن چه مواضعی در مقابل این تجاوزات میگیرند.

فردی بنام شهره وزیری تبار یا همان شهره آغداشلو که چهل سال قبل از آیدین آغداشلو جدا شده ولی معلوم نیست به چه علت و بعد از ازدواج با هوشنگ توزیع هنوز نام شوهر سابق خود را یدک میکشد قابل بررسی است.

شهره وزیری تبار (آغداشلو)



با صدای کلفت چندش آور گاوی در ویدئوی چهار دقیقه ای رو به زنان ایران کرده با زبان وزارت اطلاعات میگوید (سیتات) سرتان را هم ببرند کسی از خواب بیدار نخواهد شد.، جمعیت ملیونی هم به مراسم ترحیمت نخواهند آمد، هنرمندان هم به مراسم ترحیمت نخواهند آمد، و به عزایت نخواهند نشست (یعنی دست وزارت اطلاعات را در این کشتار ها و سرکوب برای افشاگریهای این بانوان باز گذاشته است تاکید از من است) زنان سرزمینت در رابطه با قتل فجیعت راه پیمائی نخواهند کرد ، تو در این مبارزه تنها هستی، کمی عاقل باشید کمی بفکر خودت باش (نصحیت های وزارت اطلاعات تاکید از من است) پایان سیتات) یکی از این خانم نصحیت کن بپرسد وقتی با نایاک همکاری میکنی به فکر مادرت و پدرت و خودت هستی؟ این است حمایت از زنان سرکوب شده و مورد تجاوز جنسی قرار گرفته ایران؟ ، خانم آغداشلو شما که شوهر دارید و هوشنگ توزیع حی و حاضر در کنارتان ایستاده است من فکر کردم موضع گیری جنابعالی یک اکت سینمایی است که نقش اولش را به شما اهدا کرده اند که اینطور تمام قد خودتان را بر روی پائین تنه آیدین آغداشلو انداخته و از داشته های سابقتان حمایت میکنید .

من برای حمایت های جنابعالی زنی هفتاد ساله از آخوند و اسلام در گذشته و از دوم خرداد و از خاتمی و نایاک و امروز هم از پائین تنه شوهر سابقتان جز لغت مستهجن نمیابم

نوید اخگر

۳۰ ماه اکنبر سال ۲۰۲۰ میلادی سوئد استکهلم

کشتار جوانان در ایران و ترور در خارج کشور شاه‌رگ حیاتی رژیم اسلامی است

بعد از مطرح شدن شعار های اصولگرا اصلاح طلب دیگه تمومه ماجرا رژیم اسلامی برای حفظ آخوند و اسلام و فرار از چرخه و نیز منگنه سرنگونی خود و نظام منحن کشتارگر اسلامی در صدد جا انداختن تئوری جدیدی بنام راه سوم است به سردمداری فردی از نمایندگان مجلس سابق خودش بنام قاسم شعله سعدی کپی دوم خرداد خاتمی و سید خندان دیروز.

هدف از راه سوم چیست؟

الف: نگهداری و حفظ آخوند و اسلام با نام جدائی دین از دولت بقول قاسم شعله سعدی برگرداندن آخوند به مساجد گویا مردم ایران میخواهند مساجد و آخوند ها را حفظ و نگهداری کنند وقتی کشور های حوزه دریای خزر مساجد را تعطیل کرده و مراکز فرهنگی و علمی در آنجا تاسیس میکنند. و یا مگر مبارزین با هیتلر در جنگ جهانی دوم راه برای احیای مجدد فاشیزم را باز میگذاشت؟ و آن رژیم منحوس کشتارگر تحت تحریم های جهانی و بایکوت بین المللی قرار نمیگرفت؟

فاشیزم اسلامی و آخوندهای منحنی که فرهنگ تاریخ اقتصاد و اجتماع ایران و منطقه را به خاک و خون کشیده اند و آب و خون مردم ایران را به فروش رسانیده و مورد تعدی و تجاوز قرار داده اند بایستی با مدارا برخورد شود؟

و یا میبایستی با انقلابی زیربنائی همچون برخورد با فاشیزم هیتلری از صحنه سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران حذف شوند تا جامعه روی خوش ببیند.

آقای شعله سعدی در قدم اول برای حفظ و نگهداری مسجد یعنی سنگر آخوند و اسلام کمر همت بسته است.

ب: مسئول سیاست راه سوم آقای شعله سعدی سعی میکند از همه پارامتر های بین المللی نیز کمک بگیرد از جمله سیاست آفریقای جنوبی سابق برای خنثی سازی تئوری ها و تحلیل های سیاسی من و ما در چندین دهه گذشته با نام با ایران همچون آفریقای جنوبی زمان آپارتهای برخورد کنید. ایشان میگویند در آفریقای جنوبی همه را بخشیدند نمیگویند از کی و چطور میگویند بخشیدند که چرخه خشونت ادامه پیدا نکند. گویا چرخه خشونت را مردم میچرخانند و نه نظام های فاشیست و دیکتاتور.



ایشان نمیخواهد ببیند که نلسون ماندلا و مبارزات مسلحانه آن سه تا آخرین لحظه سرنگونی نظام آپارتهاید ادامه داشت و پس از سرنگونی بود که دادگاه های مردمی وارد تصمیم برای رسیدگی به جرایم مجرمین و جانباختگان شدند.

یعنی ابتدا این آقای وکیل خود خوانده راه سوم مبارزه قهری را خشونت مینامد و به نفع خشونت دولتی حذف میکند و حق مبارزه و انقلاب قهری را از مردم سرکوب شده نیز میگیرد چون نمیخواهد که چرخه خشونت به گفته ایشان ادامه پیدا کند یعنی در کلامی دیگر انقلاب دموکراتیک مردم برای آزادی و رهایی از دین و آخوند میشود کشک.

آقای شعله سعدی نمیگوید تفاوت ایشان با دوم خرداد خاتمی چیست و مگر این تزاها و تئوریهای خاتمی و دوم خردادی ها نیست که دوباره دارد با لباسی و زبانی دیگر به مردم کشتار شده ایران ارائه میشود؟

باید گفت افرادی که نمیخواهند اسلام و آخوند گورشان را از ایران گم کنند به این حيله ها متوسل میشوند که انقلاب قهری مردم ایران را همچون مبارزه با فاشیسم هیتلری ناکام کنند.

البته کوشش های پکن از یکطرف و مسکو از طرف دیگر سعی میکند تئوریهای کاربردی و تاریخی ما را مانند تئوری با ایران همچون آفریقای جنوبی زمان آپارتهاید برخورد کنید را دم بریده و فسل کنند یعنی از محتوا خارج کرده و باعث خنده خوانندگان و مردم ایران شوند.

اینان میگویند ما مخالف تحریم های اقتصادی بین المللی بر علیه رژیم اسلامی هستیم زیرا تحریم سیاسی و دیپلماتیک کافی است .

این نیروها توضیح نمیدهند چطوری دستور میفرمائید که امپریالیسم خونخوار جهانی بزعم شما در های اقتصادش را بر روی رژیم فاشیسم اسلامی بگشاید و چون سیاست های خود شما چوب زیر بغل رژیم اسلامی شود ولی در موقع معامله دهانش را ببندد و در مورد چانه زنی ها برای قرارداد های اقتصادی تحریم بشود و لام تا کام نه سیاستش و نه دیپلماسیش سخن نگوید (طوفان خنده ها) .





شما هیچگاه نخواستید ببینید که رژیم فاشیزم اسلامی از وجود همین تحریم های اقتصادی است یعنی از وجود همین سیاست با ایران همچون آفریقای جنوبی زمان آپارتهاید برخورد کنید ما است نه تئوریهای فاشل و دم بریده شما که شعار با ایران همچون آفریقای جنوبی برخورد کنید را قرقره میکنید ولی از تحریم اقتصادی فاکتور میگیرید که راه سود های سرشار پکن و مسکو و اتحادیه اروپا مسدود نگردد.

از وجود همین تحریم های اقتصادی است که رژیم به فلاکت سرنگونی افتاده است و اما آنچه در دستان این رژیم قرار داده اید خرج ترور و جنگ و کشتار همین مردم بوده و هست.

نیروهائی که امروز نافی مبارزه قهری برای انقلاب دمکراتیک آینده ایران هستند و امروز کباده کش افراد و آخوندهای مکلا مانند شیخ خزعلی و قاسم شعله سعدی میشوند تیشه بریشه خویش میکوبند انقلاب آتی ایران پس از ۴۲ سال کشتار فاشیزم اسلامی قوانین دیکته شده شمایان را نداشته و ندارد خودتان را از سر راه طوفان انقلاب در حال وزیدن ایران کنار بکشید.

نوید اخگر

سیزدهم ماه دسامبر سال ۲۰۲۰ میلادی سوئد استکهلم



در این مقاله آقای مسعود رجوی در سال ۲۰۱۲ به آقای رضا پهلوی میگوید: سلطنت را زمین بگذار خودت را بعنوان رئیس جمهور کاندید کن. من در مقاله ام در یازده سال قبل به مسعود رجوی خاطر نشان کردم که هر ایراد و اشکالی را که به سلطنت میگیری اگر قبول کنیم چه کسی به خود تو اجازه داده که اسلامی را که سرپای مردم ایران را در طی ۱۴۰۰ سال به خاک و خون کشیده دوباره وارد زندگی روزمره مردم ایران کنی؟ در یک نگاه تاریخی به جامعه ایران در خواهیم یافت که توپ زندگی مردم ایران در طی هزاران و باز هزاران سال در زمین شاهان خونخوار و خونریز که پنج من پنج من چشم از حدقه در میآوردند و امامان خونخوار تر و کثیف تر و زنباره تر اسلامی دست بدست میگشته و مردم برای خروج از این مهلکه تنها خون میداده و کشته میشده اند و هیچ دورنمایی از آزادی و دموکراسی در افق دید جامعه نبوده است. مسلم جامعه ای که نوگرا نو اندیش نو ظهور و تولید گر افکار جدید برای مطابقت زمانی با عصر خود نباشد در دست دیکتاتوری ها دمار از روزگارش کشیده خواهد شد.

آقای رضا پهلوی غیر رسمی تاج را زمین میگذارد و وارد زمین جمهوریت و دموکراسی میشود و زنگهای خطر را برای مسعود رجوی به صدا در میآورد، خانم مریم رجوی و سازمان مجاهدین روز عید ۱۴۰۰ اعلام دموکراتیک بودن میکنند و واژه "اسلامی" را از جمهوری دموکراتیک اسلامیشان حذف میکنند. در یک تحلیل ابتدائی که گویا هنور برای اعضای شورای ملی مقاومت جا نیفتاده چون در نشست اخیرشان از آن نتیجه گیری و صحبتی بمیان نیامد و به چند حمله چاواداری به رضا پهلوی با کلامات رکیک از جمله نرینه پهلوی اشاره شد، خبری در مثلا تحلیل آقای هزارخانی و دیگران که در گذشته برای رفرندام سر و دست میشکستند نبود و گویا هنور متوجه نبودند که در صورت روان کردن چنین کلامی در رگ و ریشه مجاهدین و شورا انقلابی برتر از آنچه تا بحال ناظرش بودند به وقوع خواهد پیوست و سیل "دموکراتیک" تمام آنان را خواهد برد. در سالهای گذشته پیوسته به این نکته که اسلام را نمیتوانید به دموکراتیزم وصل کنید توضیح داده بودم. وحی و دستورات متافیزیکی قرآنی عقب مانده و ارتجاعی را نمیشود به سکولاریسم و افکار دموکراتیک گره زد همچنان که آب و آتش را نمیشود با هم مخلوط کرد.

سؤال در اینجاست که چرا بعد از ۴۳ سال سرکوب اسلامی مجاهدین و مسعود به این نتیجه رسیدند که باید خود را از دام اسلام رها کرد و در آغوش دموکراتیزم جای بگیرند؟ مسعود که قول نوشتن چندین کتاب دیگر را برای اثبات خدا و حقانیت قرآن را داده بود، چه ضرورتی مجاهدین و شورا را به آغوش دموکراتیزم پرتاب کرده است؟ سکولار شدن جامعه؟ بزمین گذاشتن تاج شاهی توسط رضا پهلوی و تغییر معادلات داخلی و بین المللی؟ مرگ اسلام و حس بوی مشمئز کنند این لاشه ۱۴۰۰ ساله که راه تکامل اجتماعی سیاسی فرهنگی و اقتصادی ایران را سد کرده؟

و شاید در آینده ده ها معادله دیگر را بشود به این صورت حساب شکست تاج و عمامه در یک تحلیل عاقلانه و تاریخی افزود و راه مردم ایران را برای آفرینش های نوین مترقی انقلابی و راه گشا گشود.

تصویر تاج و عمامه نشسته در یک بلم سوراخ دار و شکسته بر روی امواج خروشان سیلی عظیم در حرکت است هر کس به قطار زمان سوار نشود و خود را به این بلم سوراخ شده شکسته آویز کند با تکامل تاریخ ایران و ایرانی همراه نخواهد شد.

البته به مسعود رجوی باید خاطر نشان کنیم که این لغت دموکراتیک تمام مناسبات اسلامی ارتجاعی و کهنه پرستانه تو را بد تر از هر مته ای سوراخ خواهد کرد پس بهتر آنکه به این انقلابی که مردم ایران برای رسیدن به دموکراسی و آزادی و سکولاریسم بپا کرده اند بپیوندی و در گامهای اول لچک و حجاب اسلامی را از سر زنان آزرده و کوشای ایران برداری و به مقاومت سراسری و یکپارچه مردم ایران برای آزادی و حقوق بشر و سکولاریزم بپیوندی و این دموکراتیسم را در رگ و پوست و خون اعضای خودت روان کنی و تیتز کتابهایی را که میخواستی در مورد اسلام منفور و ظهور حضرت و اثبات خدا بنگاری به تجربیات در مورد سکولاریسم و اثبات حقوق مردم اختصاص دهی و به ریاست جمهور هایی در حوضه دریای خزر اقتدا کنی که دست اسلام و قرآن و مسجد و امام زاده را از حال و آینده مردم و جوانان خودشان قطع کرده و بریده اند.

با درود به دموکراتیزم انقلابی و سکولاریسم جاری آن در رگ و ریشه اجتماع

نوید اخگر

پنجم ماه مارچ سال ۲۰۲۱ میلادی سوئد استکهلم



افغانستان طمعه لذیذ و جدید امریکا به جمهوری اسلامی

آیا جنگ اسرائیل و جمهوری اسلامی در شرف انجام است؟

جو بایدن اعلام کرده است که امریکا نیروهای خود را از افغانستان خارج میکند و همانطور که جهان مستحضر هست وقتی نیروهای امریکائی عراق را ترک گفتند زمین بازی در دست آخوند های حاکم بر ایران افتاد.

خالی کردن افغانستانی که زیر سیطره طالبانی که آن کشور را به خاک خون کشیده و مستقیماً با همکاری نیروهای فاشیزم اسلامی روزگار میگذراند آیا دستخوشی است به آخوند ها برای رسیدن به برجام ؟

آیا این سیاست یعنی بخشیدن افغانستان به آخوند، آتش جنگ را بین فاشیزم اسلامی خامنه ای با کشور اسرائیل دامن نمیزند؟

انفجار مهیب سانتریفوژ های نطنز که به گفته ناظران بین المللی یک اقدام نظامی امنیتی فوق العاده بحساب میآید اگر چه کل سامانه اتمی فاشیزم اسلامی را منهدم نکرد ولی خسارات بسیار مهمی بر آن وارد کرد که رسیدن به نقطه کنونی احتیاج به ماه ها و شاید سالی زمان داشته باشد.

افق دید جامعه جهانی میبایستی توقف دادن به حرکت سامانه اتمی ایران و غنی سازی اتمی بدست رژیم ترور اسلامی باشد.

با بیرون کشیدن نیروهای نظامی امریکا از افغانستان تنها جایگزین برای پر کردن این خلاء نیروهای دست ساز جمهوری اسلامی است.

تضاد منافع بین نیروهای اسرائیلی و امریکائی از آنجائی آغاز میشود که دولت آقای بایدن قول خارج کردن سپاه پاسداران را از لیست های تروریستی داده و نیروهایش را از افغانستان به نفع نیروی نظامی فاشیزم اسلامی خارج میکند و دست آخوند فاجعه را برای گسترش فعالیت های اتمی با دادن انواع

پوئن های سیاسی اقتصادی دیپلماتیک باز میگذارد و برنامه ای برای محدود و از دور خارج کردن موشک های بالستیک جمهوری اسلامی و مقابله با

نیروهای تروریستی اسلامی



نیابتی در عراق افغانستان سوریه یمن و کشورهای آفریقائی و امریکای جنوبی ندارد

آگاهان سیاسی معتقدند که اسرائیل جهت تامین امنیت شهروندانش در مقابل تهدیدات اتمی از نوع غنی سازی ۶۰ در صدی که کاربردی جز بمب اتم و نیز مجهز کردن موشک های دور برد به کلاهک های هسته ای ندارد باید وارد عمل شود. اسرائیل تا همتین جا هم از خود بیش از اندازه صبورى نشان داده است.

آگاهان سیاسی معتقدند حمله نظامی به پایگاه های نظامی جمهوری اسلامی بسیار محتمل است و انتظار نمی رود آقای بایدن مسیری غیر از مسیر ممشات حسین اوباما را با فاشیزم اسلامی ایران بپیماید.

در صورت حمله نظامی به سامانه های نظامی فاشیزم اسلامی از طرف اسرائیل موقعیتهای مختلفی جهت از هم پاشی نظام آخوندی اسلامی پدیدار خواهد شد که مردم ایران میتوانند جهت سرنگونی کل نظام فاشیستی از آن سود بجویند

نوید اخگر

۱۵ ماه آوریل سال ۲۰۲۱ سوئد استکهلم



با سخنرانی خامنه ای سیاست خارجی و داخلی رژیم اسلامی بر سرش ویران میشود

بعد از برملا شدن خیانت ها و جنایات رژیم توسط جواد ظریف بنام سیاست صحنه (سپاه پاسداران) در فایل صوتی چندین ساعته اش و بحرانی که برایشان در سطح بین المللی و نیز داخلی پدید آورد علی خامنه ای به صحنه آمد و اظهار داشت که وزارت خارجه یک مامور اجرایی است نه تصمیم گیرنده و تعیین کنند خط و خطوط سیاسی بین المللی.

خامنه ای آب پاکی را بر روی دستان انتخابات، دموکراسی سیاست خارجی و داخلی و ابهامات مردم ایران و منطقه و جهان ریخت و نقش ولی مطلقه فقیه و سپاه پاسداران را بعنوان حاکمین مطلق روشن کرد و دیکتاتور را از زیر پرده خارج نمود.

هر چند که همه از سالیان قبل این این موضوعات را دریافته بودند و خاتمی بعنوان رئیس جمهور نظام هم با زبان الکن خویش گفته بود که یک آبدار چی در سامانه جمهوری اسلامی بیش نیست و همه چیز مانند گفته های جواد ظریف در دست سپاه پاسداران است که همچون اختاپوسی بر سرنوشت داخلی و خارجی ایران و منطقه خاور میانه حاکم شده و به خونریزی و جنگ با پشتوانه ولی فقیه ادامه میدهد.

جای بسی تاسف که آقای بایدن مایل است این سپاه پاسداران را از لیست تروریستی خارج کند تا دست باز تری در ترور و جنگ پیدا کند و بیشتر از امروز مردم ایران و منطقه و جهان را به گروگان بگیرید و اسلام عزیز را در سطح جهان به پیروزی برساند و کاخ سفید را به حسینیّه تبدیل نموده و در نهایت آخوند و سپاه پاسداران را به بمب اتم مجهز نماید

خامنه ای توجه نکرد که اعلام چنین گاف بزرگی کل انتصابات و انتخابات قلابی رژیم خودش را نیر ویران میکند وقتی تمام ارگانهای خویش را مامور و معذور اعلام میکنی آنهم وزارت خارجه پر اهمیت ترین مکان تصمیم گیری تاریخی یک کشور را اعم از فروش دریای خزر تا فروش خلیج فارس پس چگونه مردم به ارگانهای دیگری مانند مجلس شورای اسلامی تو که آنها هم مامور ولی فقیه و سپاه پاسداران هستند اعتماد کرده رای بدهند؟



و یا در انتخابات شرکت کنند؟ خامنه ای بخوبی و در تکمیل گفته های ظریف چهره منحوس یک دیکتاتوری منحن نظامی اسلامی را به نمایش گذاشت .



حرفهای ظریف پارامترهای جدیدی را در سطح بین المللی در جلو روی نیروهای سیاسی ایران قرار داد است نگاه به روسیه نگاه به سپاه پاسداران و تنظیم رابطه با اینان سالیان نیروهای سیاسی و چپ ایران را از موضع گیری بنفع مردم ایران بازداشته است مثلا در اتخاذ ورود به سیاست با ایران همچون آفریقای جنوبی زمان آپارتهاید برخورد کنید حتی نیروهای نظیر حزب کمونیست کارگری این پا و آن پا میکنند به سخنان حمید تقوایی در تاریخ دیروز ۲ ماه می ۲۰۲۱ از تلویزیون کانال جدید با خانم بهاری که از ایشان در مورد بایکوت اقتصادی رژیم میپرسید توجه کنید حمید تقوایی مرتب سنگینی بار این تصمیم را بروی شانه جامعه میانداخت و خودش شانه خالی میکرد بجای اینکه راه نشان دهد پرچم آزادی را بر دوش بکشد و راه بایکوت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و بین المللی رژیم آپارتهاید اسلامی را نشان دهد.

البته ناگفته نماند که حزب کمونیست کارگری راه سیاست با ایران همچون آفریقای جنوبی زمان آپارتهاید برخورد کنید را تا نیمه راه آمده است و از بایکوت اقتصادی طفره می رود و آنرا بر دوش خواست مردم و نیروهای مردمی که باید این بایکوت را بخواهند میاندازد باید از حمید تقوایی پرسید مسئولیت شخص خود شما و حزب شما چه میشود؟ باید دانست که این سیاست دست جامعه جهانی و رئیس جمهور امریکا بایدن و مماشات گران اروپائی را در نگاه داشتن رژیم جمهوری اسلامی خواهد بست پس برای آزادی مردم ایران و منطقه و جهان از وجود منحوس اسلام و آخوند و این نظام تروریستی همه گروه های چپ از جمله حزب کمونیست کارگری اقدام نموده آنرا به پارول اول خواست های خود در جهت سرنگونی بیفزایند

نویدآخگر

سوم ماه می سال ۲۰۲۱ سوئد استکهلم

آیا حرفهای ظریف نقش روسیه در سپاه پاسداران بخشیدن دریای خزر با انشعاب اکثریت در سازمان چریکهای فدائی ارتباط ندارد؟

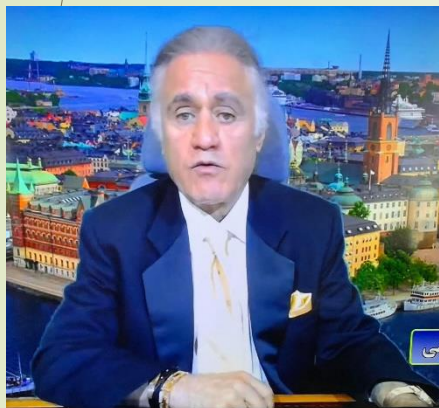
هر نیروی سیاسی از خود سؤال میکنید که چه شد نیروهائی که در مقابل رژیم گذشته تا پای اعدام رفته بودند یا در هوا داری از مبارزات قهری و حتی سیاهکل ذره ای کوتاه نمیآمدند بناگاه بدست فردی بنام فرخ نگهدار آموزش دیده در شوروی سابق کمر شکن میشود و اکثریت این سازمان به حمایت از آخوند برمیخیزند؟

آخر مگر بیژن جزنی بعنوان یکی از رهبران این سازمان در ابتدای سال ۴۰ خورشیدی بر شناخت عمیق از ارتجاع مذهبی و آخوند نوشته منتشر نکرده بود؟ چطور شد هواداران بیژن زیر چتر فرخ نگهدار هوادار آخوند شدند؟

آیا یک تحلیل طبقاتی از عملکرد فرخ نگهدار و وصل او به خرده بورژوازی آتشی را که بر پیکر جامعه مبارزاتی ایران کشیده شده خاموش میکند؟
آیا حرفهای ظریف در مورد همکاری سپاه پاسداران با روسیه امروز هیچ چراغی را برای نیروئی در همراهی و همکاری اعضای سازمان چریکهای فدائی منشعبین اکثریت با شوروی سابق روشن نمیکند؟

آیا هیچکس رد پای کاگ ب سابق و حزب توده و سیاست های روسیه کنونی و همخوانی آنها با آخوند و حمایت از آخوند و همکاری با سپاه پاسداران را نمیبیند؟

پس تحلیل مشخص از شرایط مشخص سازمان چریکهای فدائی و حتی اعضای منفرد آن از این وقایع تاریخی که بر مردم ایران تحمیل کرده اند چیست؟



چرا دستی برای روشن کردن صحنه برای مردم ایران از آستین خارج نمیشود؟

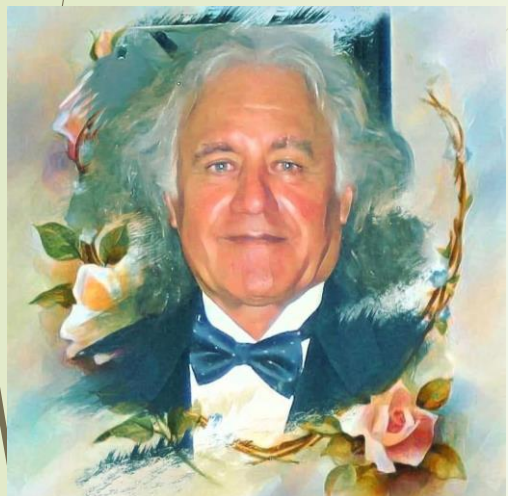
گذشته از هر تحلیل طبقاتی و ضعف های تئوریک در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در قبل و بعد از حاکم شدن خمینی و اسلام بر سرنوشت مردم ایران باید گفته های ظریف را بسیار دقیق تر در زیر ذره بین برد و اعضای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران این مسئولیت را دارند که دقیق تر مشخص کنند که نفوذ شوروی سابق در درون تشکیلات آنان و همکاری اکثریت و جلسات مخفی آنان با حزب توده آیا باعث این انشعاب در سازمان چریکهای فدائی خلق شده است؟ نگاه جنگ سردی اعضای سازمان چریکها در آن دوره به شوروی قبل از پرسترویکا و گلاسنوس چه بوده؟ اگر امروز روسیه سعی میکند با دخالت در برجام آنرا به شکست بکشانند آیا دیروز سعی نکرده است که در سازمان چریکهای فدائی انشعاب اکثریت را راه اندازی کند و جنبش چپ ایران را در زیر قبای آخوند نگه دارد و پیرو آن اکثریت به نفع سپاه پاسداران فتوا صادر کند که سپاه پاسداران را به سلاح سنگین برای کوبیدن مردم ایران مجهز کنید؟

صحبت های ظریف باید توسط اعضای سازمان چریکهای فدائی خلق در همبستگی با اعمال فرخ نگهدار و گرایش همکاری با آخوند و دامن زدن به مبارزات به اصطلاح ضد امپریالیستی دقیق تر و تاریخیابی مجدد شود

نوید اخگر

۱۸ ماه می سال ۲۰۲۱ میلادی سوئد استکهلم





جبهه کلیشه های فسیل مانده در پنجاه سال قبل سیاست های کاگ ب جبهه کف زدن برای موشک های کور پرتاب شده اسلامی بسوی کودکان یهودی ، جبهه ضد امپریالیستی کشک بیسواد و نادان مهره های اسقاطی ، جبهه چشم بستن بر روی حمایت اخوند از جهاد اسلامی و داعش و حزب الله و حماس ، جبهه ندیدن کودکان کار و خیابان خواب ها و کارتن خواب های ایران و ریختن اشک تمساح برای فلسطین ، جبهه ندیدن چمدانهای پر از پول برای سران جهاد و حماس و حزب الله و فحاشی بمردم ایران و بیشرم خواندن آنان که شعار نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران را سر می دهند ، جبهه لیسیدن اندام جرج حبش ، عرفات ، حسن نصرالله ، جهاد و حماس و بشار جبهه فحش دادن بمردم ایران که تا کمر در سطل های زباله فریاد نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران سر میدهند ، جبهه ضد صهیونیستی هوادار اسلام سیاسی و پامنبری های اخوند و قاری های قرآن ، جبهه تازه بدوران رسیده های بیزار از کتاب و نوشته و تئوری های سیاسی و علمی ، جبهه جنگ سردی های ضد امریکائی ، جبهه هواداران فاشیزم هیتلری ضد یهود در لوای آزادیخواهی مسخره عهد بوق ، جبهه هواداران اکثریت و فرخ نگهدار ضد امریکائی عاشق اسلام و اخوند برای افسار زدن به مردم آزادیخواه ایران ، جبهه ای که یکبار هم تاریخ ایران را نخوانده و مانند گلسرخی تفاوت کشتارگران اسلامی مردم ایران نظیر حسین و علی را با نیروی مترقی آزادیخواه نمیشناسد و به آنان اقتدار کرده و میکند ، جبهه طبل تو خالی بیشعوری که مردم ایران و خواست آزادی آنان را بیشرمی لقب می دهد ، جبهه ای که با اخوند در گور سرنگونی دفن خواهد شد چون سرنوشتش با اخوند و اسلام سیاسی از گذشته های دور تا امروز گره خورده است ، جبهه که همانند خمینی و خامنه ای میخواهد مبارزات کشک ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی بفرموده خود را برای در بند نگاه داشتن و فلج کردن اقتصاد و سیاست ایران در آینده نیز ادامه دهد ، جبهه ای که جوهر را از جنس خمینی خامنه ای و اخوند است به همین خاطر در اعماق گریپاش کرده و در عرض ۴۰ سال چند درصد هم امکان تولید تفکر مترقی و رشد و پیشرفت نداشته است ، جبهه ای که منتظر است تا اخوند سلاح و موشک و بمب به جهاد و حماس و حزب الله برای جنگ با یهودیان برساند تا آنان با شور حسینی برای مردم محروم و سرکوب شده فلسطین عاشورا تاسوعا براه بیندازند ولی در بخشیدن دریای خزر به نوادگان دایی جان یوسف استالین و بخشیدن خلیج فارس به بازماندگان صدر مائو خناق چند وجهی بگیرند و لام تا کام سخنی نگویند ، جبهه گند گاو چاله دهانهائی که تاریخ دهانشان را همانند دهان اخوند با سرب مذاب مسدود خواهد کرد

اسلام یعنی دیکتاتوری و توتالیتاریسم محض با هر تعریف و هر برداشتی اعم از جدید و قدیم و با هر قرائت منحنی قرون وسطائی پیچیده شده در لفافه های زرق و برقی امروزی.

فصل انتصابات شیخی آخوندی اسلامی این بار میرود که در فضاهای منحنی تر از هر زمانی خود نمائی کند و استراتژیکمان آینده ای بسا سیاه تر و مخوف تر از گذشته را در صحنه سیاسی و بین المللی و اقتصادی برای مردم ایران را رقم بزند.

حتی آنانی که به رقابت بین شیخ و آخوند و اسلام دل خوش کرده بودند باید بروند در آخر صف پشت سر عربستان سعودی که هیچ انتخاباتی برگزار نمیکند قرار بگیرند، آنچه بنام دموکراسی یا حرکات دموکراتیک در سطح جهان و در تئوری جریان دارد در اسلام با حضور و وجود امام و امامت و دستورات داده شده قرآنی و حضور توتالیتاریسم آخوندی و افکار منجمد زن ستیز مرد سالارانه لچک و چارقد و چند همسری ردیلانه ای که امامان مسلمان و بدستور قرآن پایه گذاری کرده اند را رد کرده و امکان نزدیک شدن به حرکات و فعل و انفعالات دموکراتیک را در یک جامعه کلا سلب میکند.

نظام آخوندی اسلامی مشخصا میگوید مردم چه حقی دارند که در یک جامعه اسلامی انتخاب کنند زیرا آنان مهجوران فاقد فکری هستند که باید توسط دیکتاتور و ولی فقیه رهبری شوند، این را قرآن به تاکید گفته که از خدا و از رسول و از رهبران مذهبی اطاعت کنید یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم از ولی امر اطاعت کنید! حال این ولی امر بر طبق کدام پروسه خونریز بر صدر نشسته بگذیرم شما فقط باید اطاعت کنید.

علی خامنه ای و آخوند های رذل آدمخوار چون احساس خطر کرده اند و میدانند که دیگر مردم گول جناح بندی های آخوندی اسلامی رذالت پیشگی را نمیخورند و ۷۵ میلیون در زیر خط فقر و تن فروشی و فحشا و کلیه فروشی و کودک فروشی زندگی میکنند بر انتصابات خودی هم پشت میکنند و علی خامنه ای سوگلی های حرم خود را از لیست رای و رای کشی حذف میکنند چون میدانند که مردم کف خیابان با توجه به فلاکت روزانه ای که درگیر آن هستند به حمایت از انتصابات بر نخواهند خواست.



جامعه بین المللی باید تسمه های خود برای امنیت شهروندانش بسا محکم تر از قبل ببندد زیرا ترور اسلامی تصفیه شده و یکدست گذشته با رهبری کشتارگرانی مانند رئیسی بسا خونریز تر از گذشته در اقدام به جنگ و ترور قدم بر خواهد برداشت.

یک قلم ریختن بیش از دو هزار موشک دست ساز آخوندی بر روی مردم اسرائیل نشانه روشنی است از اینکه بیاموزیم که عملکرد آخوند یک دست شده کشتارگر در آینده چه خواهد بود. و نیروهای سیاسی بجای شرکت در عزاداری های حسینی که علی خامنه ای براه میاندازد با دست آویز مردم محروم فلسطین در طور ها و دام وزارت اطلاعات گیر نکنند.

رژیم اسلامی علی خامنه ای چهار نعل بسوی دستیابی به بمب اتم و غنی سازی ۶۰ در صدی و ۹۰ در صدی به پیش میتازد که در درجه اول اسرائیل با پرواز بیش از ۲۰۰۰ موشک برفراز شهر هایش در هفته های گذشته حق دارد احساس خطر کرده و در رفع این تهدید برآید و دیگر اینکه پرزیدنت بایدن باید عینک ساده لوحی را از چشمان خویش برداشته و خطر پشت گوشش را بدتر از خطر هیتلر برای امنیت مردم امریکا و اسرائیل و جهان جدی بگیرد. و مردم ایران راهی جز قیام برای سرنگوئی این جرثومه های نکبت و عقب ماندگی و سرکوب و کشتار اسلامی ندارند و تا تیغ تیز سرنگونی بر روی اسلام و آخوند عمل نکند جامعه ایران به آزادی و دموکراسی و پیشرفت نخواهد رسید

نوید اخگر

سوم ماه جون سال ۲۰۲۱ سوئد استکهلم



خروش شهرهای خوزستان و دیگر شهرهای ایران زیباترین غزل آزادی

بوی نان تازه از دور دستها حس میشود، خروش آب روان و زلال در رودخانه های پر از ماهی های سیاه کوچک دریائی از دور دستها نمایان است
خشم دیو سیاه استبداد اسلامی آخوند فقهاتی و کشتار مردم بیگناه ایران یکبار دیگر، و سکوت جامعه جهانی همزمان با وعده و وعید های آزادی
پولهای هفت میلیاردی آخوند تروریست برای رسیدن به برجام این جسد مرده و متعفن روی دستان از ما بهتران مانده اشمئزاز جهانی را بر
میانگیزد.



سکوت نویسندگان و هنرمندان و انجمن ها و سازمانهای صنفی آنان و شرم تاریخی جاری در آمیخته با خون جوانان تیرخورده و کشته شده ایران
تیتراول رسانه های خارجی را تشکیل میدهد زیرا همه چیز در داخل به نفع رژیم خونخوار اسلامی سانسور و حذف و یا اینترنت قطع و بسته میشود

کچاست فریاد قلم نویسندگان ایران آقای دولت آبادی! نویسندگان و هنرمندان و شاعرانی که برای خامنه ای جلاد شبهای شعر و قیافیه تشکیل
میدادید از نان ری در سر میز شام پرزیدنت ارتجاع حس کلید سازی میخوردید قفل سازی که هیچ قفلی را که باز نکرد که هیچ بر آب و نان و برق و
مایحتاج روزانه مردم قفلی محکم تر زد. هان نویسندگان و هنرمندان همکاسه با کشتارگران مردم ایران پاسخ امروزتان به مادران داغدار فرزند از
دست داده و تشنه و گرسنه ایران چیست؟

آیا صدای مردم و شعار های مرگ بر خامنه ای و مرگ بر جمهوری اسلامی را میشنوید یا قافیه از دست داده اید و سکوت مرگتان حاکی از کمبود
قافیه سازی های ماندن در کنار جلاد و سرودن در مدح و رسای خونخواران تاریخ ایران است؟

در حمایت بیدریغ از مردم محروم از کلیه شعرا نویسندگان و هنرمندان مردمی میخواهم که جبهه آزادیخواهی را در مقابله با اسلام و آخوند و
سرکوب دولتی - نظامی هر چه متحد تر کرده تا تیز سلاح دست مردمی شوید که برای بزیر کشیدن جرثومه اسلام منحط و عقب مانده کشتار گر
آستین همت بالا زده اند

نوید اخگر

دوش حمام یعنی بیدینی خزینه یعنی طهارت و دینداری اینترنت یعنی کفر کار با اینترنت یعنی فساد



پدرم و پدر بزرگم داستانهای عجیب و باور نکردنی از مقاومت آخوند در مقابل مدرنیسم میگفتند ، میگفتند در محله ما حمام ها خزینه داشت و محل تجمع انواع باکتریها و میکروب ها بود از کچلی تا زرد و زخم تا تراخُم و هزار درد و مرض دیگر وقتی در زمان پهلوی سابق قرار شد که خزینه ها بسته شود آخوند پرچم مبارزه را بر علیه بیدینی یعنی حمام های دوش دار علم کرد و فریاد وا اسلاما و اسلام رفت سر دادند. وقتی قرار شد دختران به مدرسه بروند همانند داعش و طالبان امروزی باز صدای وا اسلاما از طرف آخوند بلند شد که میگفتند چه معنی دارد دختر به مدرسه برود از ترس اینکه مبدا فحشا با رفتن دختران بمدرسه گسترش پیدا کند. پدرم و پدر بزرگم میگفتند آخوند با هر پدیده جدیدی در سطح جامعه به مقابله بر میخواستند و حکم و فتوا صادر میکردند که مثلا شستشوی بدن با دوش حمام نجس است و نماز ندارد و یا رفتن دختران برای تحصیل به مدارس باعث گسترش فحشا و فساد میشود. گوش دادن به موسیقی حرام است رادیو و تلویزیون حرام است. لغت ریش تراش به مردان و آقایان یک ناسزا بود و همه باید ریش میداشتند پدر بزرگم میگفت یک نفر در محله ما پیدا شده بود که ریشش را با ماشین نمره چهار کوتاه میکرد اسمش را گذاشته بودند حاج مندلی عروس. وقتی شاه شرکت بانوان را در رای دادن مطرح کرد خمینی مخالفت کرد.

تمام این قضایا به تاریخ سپرده شد و ترس آخوند از فحشا ریخت چون مشاهده کردند که فحشا منبع در آمد خوبی است و قوادی یک شغل پر درآمد از فروش زنان و دختران در سطح داخلی و بین المللی خیلی بهتر از کشور هائی نظیر تایلند چنانکه مثلا امام هشتم شیعیان هر از گاهی اعلامیه صادر میکند و قیمت فروش دختران باکره زیر سن و تا زنان و بانوان را در بازار برده فروشی پر رونق اسلامی برای اعراب منطقه و حزب الهی های شیفته اسلام عزیز ولائی اعلام میکند تا جائی که کل ایران اشغال شده را به یک فاحشه خانه بزرگ اسلامی تبدیل کرده اند.



این یعنی حرکت تکاملی آخوند و اسلام در سرزمین فرهنگ پرور ایران با قیمت هائی که با خیلی از کشور های فروشندگان برده جنسی میتواند رقابت کند و سالهاست رئیس جمهور جدید نظام اسلامی کشتار گر معروف رئیسی مسئول تمام این امور بوده و نیز رئیس مجلس اسلامی هم آقای قالیباف جدیداً با گشایش صیغه خانه اسلامی در کنار امام هشتمشان به این امر خیر قوادی اسلامی با گشایش سازمانهای عریض و طویل اداری اقدام نموده است. اگر این تکامل نیست پس چیست؟ بهر حال آخوند متوجه شد که میشود ریش پر از کثافت و شپشش را در زیر دوش تمیز کند دختران و زنان را بفروشد از خوانندگانی همچون تتلو و سلبریتی های پر رنگ و روغن و لب سرخک های ارتجاع یاری بخواهد، و از امکانات الهه هیکس تا قابلیت های مسعود بهنود بهره ببرد

در گذشته مظهر فساد و تباهی دیش های ماهواره ای بود که پاسداران اسلام عزیز برای برچیدن این لانه های فساد و کفر بر روی پشت بامها مانور میداند تا راه رسیدن مردم ایران را به بهشت هموار تر گردانند امروز بستن کل اینترنت در دستور کارشان قرار گرفته غافل از اینکه اینترنت ماهواره ای در دسترس قرار گرفته است حال آخوند با طرح اینترنت ماهواره ای چه خاکی بر سر کند که روز و شب و هست و نیستش بر روی شبکه های اینترنتی به جولان در خواهد آمد؟

اینترنت را در خوزستان و بلوچستان و دیگر مناطق میبندد تا کشتار کنند غافل از اینکه جنبش به مرحله مرگ بر خامنه ای بدون هیچ حاشیه ای رسیده است و با کوچکترین حرکت اجتماعی شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه و مرگ بر خامنه ای در سطح کشور گسترده میشود.

کشور های غربی برای ایجاد امنیت نمیتوانند روزی افغانستان و روز دیگر عراق را پشت قباله ماندگاری آخوند کشتار گر کنند مردم ایران تا رسیدن به آزادی چند گام بیشتر ندارند دیگر نه کسی اشک های تمساح نشان و نه به بدن ناقص ولی امر مسلمین توجهی دارد نه به رذیلت های الهه هیکس نه به تعظیم تکریم های مسعود بهنود ها و فرخ نگهدارها و و نایاک ها و آنانی که برای برداشتن تحریم ها از روی آخوند و حکومت اسلامی روزانه سینه میزنند مردم ایران کمر بسته بمیدان سرنگونی قدم گذاشته است تا رو سیاهی را به زغال استبداد وا گذارد و مقدم و سپیده دم آزادی را گرامی بدارد

نویدآخگر

تاریخ ۳۱ ماه جولای سال ۲۰۲۱ میلادی سوئد استکهلم



حکومت آخوندی به همت کارترهای امریکائی و اروپائی مستقر میشود ، اسلامی که بجای سیاست جنگ سرد بین ابر قدرتها مینشیندو میخواهد تا پیروزی نهائی یعنی ریختن یهودیان به آب دریا و پاک کردن نقشه جهان از لوٹ وجود اسرائیل و حسینیه کردن کاخ سفید با برنده ترین سلاح اسلام عزیز یعنی بمب اتم تروریسم و کشتار و اعدام و کرونا خلیفه گری هزار ساله اسلامی آخوندی را به پیش ببرد، اسلام هر آنچه را کسب میکند غارت میکند همه چیز را جزو غنایم جنگی خود میداند از خاک آب دریا کوهها و معادن تا زنان و کودکان را که در بازارهای برده فروشی مدرن صیغه و متعه اسلامی در فاحشه خانه های جدیدالتاسیسش بفروش میرسانند. اسلام و اخوند از زمان استقرار یک سال و دو سال و ده سال و بیست سال و چهل و سه سال شکنجه و کشتار و اعدام میکند و هنوز هم ادامه می دهد و کارترهای اروپائی و امریکائی در جشن مستقر کردن اخوند بر سر حکومتشان که از سراپا و سر و صورت و قبا و عبایشان خون میچکد شرکت می کنند و باز کارترهای اروپائی و امریکایی از شرکت در بالماسکه های این هیبت های خونخوار ابا که نمیکنند هیچ برای نشستن سر میز و معاملات خون روزانه دست در کاسه سر خون آلود مردم ایران برای سیر کردن منافع ملی خودشان دارند . کاش صدای رعد سلاح های خروشان مردم به این غارتگران تاریخ هست و نیست مردم یک جواب تاریخی میداد و بند ناف جنایات این رژیم آخوندی اسلامی را حتی به لحاظ قضائی به قرداد های اقتصادی پر و پیمانشان گره میزد کاری که برای هیتلر و آفریقای جنوبی به نحوی انجام شد و فریاد با ایران همچون آفریقای جنوبی زمان آپارتهاید برخورد کنید به لحاظ اقتصادی سیاسی فرهنگی و حتی ورزشی دست و پای خونخواران و همکارانشان را زنجیر می کرد اسلام و آخوند باید هر دو به گور تاریخی دفن شوند که دیگر مجال جولان در ایران و جهان را نداشته باشند

تقابل و نفس و جوهرء متضاد شعر و غزل و انسان سکولار با عرفان و دین

برگرفته از مقدمه دیوان غزلیات کمان ابرو سال ۲۰۱۷ از نوید اخگر



عرفا انسان را پرتوی از یک وجود کلی بسیط فرض کرده اند که در تلاش باید به او برسد و چهره و صورت خدا گونگی خویش را در آئینه او ببیند.

شعراى مسلمان ایران اعم از حافظ سعدى مولانا انورى بافقى و دهها ديگر اين حكايت عرفانى ضد انسانى را تئوريزه کرده اند.

برای رسیدن به این خداگونگی باید انسان تنها زهد و تقوا پیشه کند یعنی به سرکوب خواست های مادی خویش برخیزد تا به یگانگی با رهبری برسد که رهبر به زعم اینان در یگانگی کامل با خدا و آن موجود بسیط قرار دارد .

شنیده شده گفته اند ولی فقیه مستقیم با فلان امام غایب در ارتباط است یا گفته اند فلان رهبر سکت مذهبی نه بمردم که فقط در مقابل خدای خودش جوابگوست.

ولی فقیه و مقام معظم رهبری مذهبی در سکت های مذهبی و دینی در این رابطه قرار میگیرند و در انتها نوعی از وحدت وجود را دنبال میکنند یکی شدن با منشاء اصلی، ولی در قدم اول جذب و حل شدن در رهبر مادی همین دنیا یعنی به معنی دیگر غرق شدن انسان مخلص در خود و جدا شدن از جمع و از دیگران حتی اگر در حضور تشکیلاتی و سازماندهی شده مادی قرار داشته باشد جدا از آنهاست.



سمبل هائی چون امام و امام زاده راهگشای رسیدن فرد به رهبری خواهد بود که خود رهبر با گلاب به شستشوی این اماکن میرود برای جایگاهشان از جیب خالی مردم ضریح و گنبد و گلدسته طلا میسازد و قالی های نفیس هدیه این بارگاه و آن بارگاه امام یا امام زاده میکند و بوسه بر خاک پای این امامان و امام زادگان وصل به رهبری میزند.

در اشعار مولانا این مسئله بروشنی گفته شده
بشنو از نی چون حکایت میکند، از جدائی ها شکایت میکند
از نیستان تا مرا ببریده اند ؟ از نفیرم مرد و زن نالیده اند
هر آنچه عرفان می آموزد جدائی از سکولاریسم پیوستن به فلسفه ایست که در آن جدائی انسان از جمع از کل و ارزشهای مادی دنیاست و باز بقول مولانای عارف
بمیرید بمیرید وزین مرگ نترسید ، کزین خاک برآید سماوات بگیری

هر چیز مادی در این دنیا که برای رفاه زندگی مردم باید باشد و حضور داشته باشد و یک تفکر سکولار و آفریننده بر آن انگشت میگذارد عرفان آنرا رد میکند سرکوب میکند و از صحنه با خفت و خواری خارج میکند تا هر چه هست را در کف رهبر و رهبری معظم که ارتباط مستقیم خداست قرار دهد تا فرمان تمام مسائل سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در دست رهبری آن سکت مذهبی قرار داشته باشد و بدین ترتیب از تمام خواست های مادی انسان خلعید میکند. تا هر چه را خواست از خدا بخواهد و دست بدرگاه او دراز کند.



✱ تا رهبر بتواند با در دست داشتن این سکان رهبری روزی همه را به جنگ با عراق و بر روی میدانهای مین بدواند یا بر علیه اسرائیل و نابودی یهودیان بشوراند روز دیگر در حمایت از جنگ سوریه و یمن و دخالت در عراق و افغانستان و حمایت از القاعده و داعش و طالبان و انواع و اقسام دیگر سکت های مذهبی بسیج کند و بدین ترتیب انسان را به خداگونگی عرفانی برساند و وحدت او را با خدا تحقق بخشد و نی را به نیستان باز گرداند.

یعنی تمام خواست های سکولاریستی انسان را که میتواند با فکر و اندیشه خودش پا بگیرد به مسلخ برده سرکوب کرده و زمینه را برای دستورات از بالا فراهم مینماید و چنان رسی از انسان میکشد که بیگانه با خود ناتوان غریب به جوجه گنجشکی تبدیل میشود که فقط چشم بدهان مقام معظم رهبری دارد که لقمه ای ایدئولوژیک یا سیاسی یعنی غذائی در دهان او بگذارد.

در این نوع نگرش که ریشه های قرآنی نیز بر آن حضور مستمر دارد زن را در نفی کامل قرار میدهد چون اصولا عرفان یک نگرش مردانه است به زندگی و حیات.

البته جایگاه زن در قرآن چه در سوره نور که گفته شده زن عورت است باید پوشانیده شود چه در سوره نساء که بمرد دستور میدهد در صورت سرپیچی زن اگر بدستورات مردش توجه نکرد روزانه میتواند او را کتک بزند و یا در سوره بقره که زن را کشتزار مرد برای کشت و زرع معرفی میکند جائی برای مانور زن بجز در تختخواب آنهم با چهار زن عقدی برای مرد و ده ها صیغه و در آشپزخانه بعنوان یک مستخدم یا در خدمت رهبر عقیدتی باقی نمیگذارد. حتی در بهشت هم با این همه حوری و غلمان (پسران خردسال بی ریش) که در خدمت شهوات مردان مومن قرار دارند جائی برای زن وجود ندارد پس چرا باید در عرفان به او جایگاهی بخشید؟



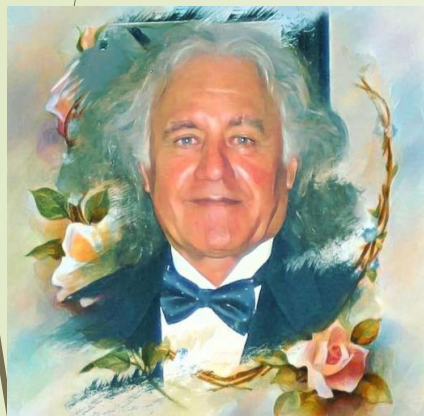
مسئله شهید و شهادت اسلامی دقیقا در همین نوع تفکر یعنی نابودی جسم و انهدام آن برای رسیدن به خدا و حوریان بهشتی و غلمان ها پسران بی ریش یا امرد ها و شاهد ها که در قرآن و اشعار حافظ سعدی مولانا انوری بافقی و خلاصه تمام عرفای اسلامی حضور دارد رقم خورده است و زن جایگاهی ندارد.

دنای متری برای رسیدن به سکولاریسم آزادی و دموکراسی هیچ راهی بجز رد تمام این مزخرفات و خرافات مردم ستیز عرفانی و اسلامی اعم از خدا امام رهبر آخوند آیت الله رهبر عقیدتی در هر زمانی و در هر مکانی ندارند.

ایران برای رسیدن به سکولاریزم و دموکراسی مخصوصا زنان برای رسیدن به آزادی در قدم اول باید به نفی بنیادین تمام این ضد ارزشهای و تمامی شعرای اسلامی عرفانی و ضد ارزشهای زن ستیز و پدوفیل آنان اقدام و کمر همت ببندند.

یک انقلاب فرهنگی در ساختار و نگرش شاعرانه ایران برای رسیدن به این آزادی الزامی است. غزل سکولار من با محوریت بانوان ایران در غزلی که با واقعیت های روزانه مردم بطور عام و زنان کشور بطور خاص گره خورده و در مسائل سیاسی اقتصادی فرهنگی دخالتگر است در دسترس شما و در این دیوان جدید معرفی شده است. ایران فردا میبایستی همچون جنگ جهانی دوم آخوند این شیادان جنایتکار را همچون هواداران هیتلر به دادگاه های بین المللی سپرده و مدارس طلاب را بسته و آخوند را از صحنه اجتماع پاک و حذف کنند و تبلیغ اسلام و عرفان این مکتب خونریز و خرافی ضد بشر را که ۱۴۰۰ سال تاریخ میهن ما را به خاک و خون کشیده همچون تئوریهای هیتلر ممنوع اعلام نموده به بسط و گسترش سکولاریسم و دموکراسی کمر همت ببندد

نوید اخگر



موشک باران و حملات ضد انسانی بر علیه نیروهای گُرد نتایج بلافصل مذاکرات ضد انقلابی نیروهای گُرد با رژیم اسلامی است

از زمین و هوا با موشک و با پهباد و با بمباران هوایی و توپ باران، رژیم جمهوری اسلامی نیروهای گُرد را میکوبد نیروهائی که دیروز با همین رژیم خون آشام بر سر میز مذاکره نشسته بودند.

مبارزات قهر آمیز خلقهای جهان برای رسیدن به آزادی همیشه با تحلیل های نیمه راسیستی و منفعت طلبانه گروهی نیز همراه بوده است و نتوانسته شاخص و پایه ساختاری یک تفکر راستین و اصول و یک تفکر پیشرو انسانی مترقی و غیر مذهبی و سکولار را پی ریزی نماید.

امروز وقتی همه رهبران سیاسی افغانستان بفرموده فراری میشوند

و کلیه نیروهای نظامی بیست سال تعلیم دیده غربی آن کشور بدون شلیک حتی یک گلوله کشور را تقدیم مرتجع ترین نیروی اسلامی افغانستان یعنی طالبان میکنند.

احمد مسعود نامی به کشور برمیگردد و میخواهد بر علیه طالبان بجنگد یک نیروی مسلمان ناپیگیر منطقه ای بدون یک ایدئولوژی ترقیخواهانه پیشرو که زنان و نیروهای محلی و ملی بتوانند در دراز مدت به آن پشتگرم برای مبارزات آینده خود باشند.

احمد مسعود در منطقه ای بنام پنجشیر پرچم مبارزه بر علیه طالبان را بر میافرازد.

فکر میکنید نیروهای چپ و سوسیالیست و سوسیال دمکرات و مجاهد و چه و چه با هزار ادعای ترقی خواهی و انقلابی گری در کردستان ایران بیل به کمرشان خورده که با آنهمه سلاح هایشان در کردستان نتوانند صد پنجشیر برای جمهوری اسلامی بر پا کنند؟

نیروی گُرد ایرانی سر میز مذاکره جا خوش میکنند و بر خلاف احمد مسعود مسلمان ناپیگیر که برای همه افغانستان اطلاعیه خیزش همگانی منتشر میکند صدائی از نیروهای گُرد ایرانی در مقابل جلاد خون آشام رئیسی و سرورش خامنه ای خارج نمیشود چرا؟

هر سازمانی که به جمهوری اسلامی تعهد سکوت و سکون داده باید پی حملات پهبادی و موشکی و هوایی و زمینی را به خود بمالد زیرا تنها راه رسیدن به آزادی از لوله سلاح مبارزان تحت ستم برمیخیزد نه از حنجره خسته و پیر افرادی که نای حرف زدن نیز دیگر ندارند و حتی نمیتوانند قاطعانه این حملات وحشیانه را بر علیه نیروهای گُرد محکوم کنند.

شیر کردستان در خفت و خواری و ذلت نمرده و از بین نرفته است شیر کردستان بسی بر تر از هر پنجشیری بپا خواهد خواست و آتش سلاحش مزدوران اسلامی

علی خامنه ای و رئیسی و این حکومت دراکولائی و زامبی پرور اسلامی را در هم خواهد کوفت. در میان عهد ها گشتم وفا پیدا نشد

در کنام نارفیقان جز جفا پیدا نشد

با خیانت نارفیقی سفته انواع حیل

در حساب ناجوانمردی صفا پیدا نشد

دوستی ابزار دزدی حيله ها نیرنگ ها

جز خسارت در میان حقه ها پیدا نشد

مزد از آخوند و اسلام کثیف و آن سپاه

مرد مردانی در این وادی ما پیدا نشد

نوگری در پوش دین شد کارشان

در شبان این وطن رویای ما پیدا نشد

تیر و ترکش میزند جلاد خون آشام دین

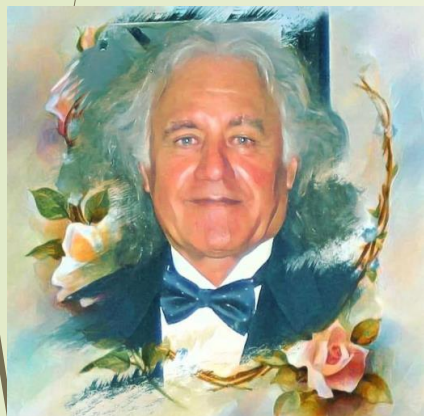
جز دنائت جز خباثت بهر ما پیدا نشد

عهد بستم اخگری را عمق جانم حک کنم

با دراکولا و زامبی و آخوند دنیای خوش پیدا نشد

نوید اخگر

۱۰ ماه سپتامبر سال ۲۰۲۱ میلادی سوئد استکهلم





جهان روزانه در حال تغییر و تحول است نگاهی بر قفای ۴۳ سال حکومت سرکوب و کشتار اسلامی آخوند خمینی و شیخ علی خامنه ای نشان از این دارد که حکومت اسلامی ضد بشری خمینی خامنه ای استوار بر اصل ولایت مطلقه فقیه حتی یک گام بسوی گشایش و نزدیکی به مردم برنداشته و در انتها مجبور میشود جلادان خون آشام ۶۷ همچون رئیسی تحت تعقیب را همراه خونخوارانی چون اژه ای رئیس قوه قضائیه ای که از سرپایش خون چکیده و اختلاس سرازیر است و محمدباقر قالیباف رئیس مجلس دزدان و کشتارگران که افتخارش جمع کردن دانشجویان و کشتار و پرتاب آنان از طبقات فوقانی بوده را بر مسند قوای سه گانه خود بنشانند.

دست رژیم اسلامی خامنه ای بسته است آیا دست شورای به اصطلاح ملی مجاهدین باز است ؟

نگاهی بر پروژه های چهل ساله شورای مجاهدین اسلامی رجوی ها ثابت میکند که چه ولایت فقیه اسلامی خامنه ای چه ولایت اسلامی داعش و چه تفکرات اسلامی عقب مانده مجاهدین و شورایشان هیچ ربطی به پروسه سکولاریزه کردن جامعه ایران نداشته و ندارد .

البته مجاهدین و شورا راه درازی را طی کرده اند تا به وزیر خارجه سابق ایالات متحده آقای پمپئو بقولانند که از لغت سکولار دمکراتیک در سخنرانی های خودش برای مجاهدین استفاده کند درحالی که فضای سکولار دمکراتیک با مجاهدین و شورا و عرعر اذان هر روزه از بنگاه تبلیغاتی تلویزیون آنها با همان فراس های فاشیستی عربی اسلامی لحظه ای قطع نمیشود. اشهد ان لا اله الا الله (شهادت میدهم که جز همین خدای کشتار گر اسلامی که همه را در کوره های آدمسوزی خود بنام جهنم میسوزاند و دستور قطع دست و پا و سنگ باران و کتک زدن و از خانه راندن زنان را میدهد و برای هر مرد ده ها زن و صیغه و متعه فراهم میکند و بار زحمت جا اندازان تاریخی بشریت را به عهده دارد خدای دیگری وجود ندارد و شورا و مجاهدین با این فراس های انکر الاصوات اسلامی روح زخمی مردم ایران را میخراشند بر سر زنان لچک میبندند و دستورات الله شان را تقبل الله میگویند این کار روزانه یک گروه مدرن سکولار و دمکرات نیست که به مردم باید حق بدهد که دین خودشان را بعنوان یک کار خصوصی و مخفی اگر خواستند خودشان انتخاب کنند.



گروه سکولار دمکرات کشک حق دخالت در امور مذهبی مردم و تعیین تکلیف کردن برای آنان را ندارند این شورا که بر سر در خود هنور الفاظ عربی اسلامی استفاده میکند باید به این شامورتی بازی های اسلامی مشمئز کننده از رده خارج شده خاتمه دهد. چهل سال از تشکیل شورای مجاهدین گذشته هنوز این پیر مردان و پیر زنان شورائی عقل موششان یک نخود هم رشد نکرده که بفهمند سکولاریزم و دمکراسی را با تشکیل گروه اسلامی دسستور از بالا برای حجاب و نمناز و عفاف آخوندی مجاهدی کساری نیست. چهل سال از تشکیل شورای خیلی ملی مجاهدین میگذرد یک روز معتقد به مبارزه قهری و مسلحانه میشوند ولی تئوریشان را امام حسین مینویسد و عر و تیزش را زینب کبرایشان میکند و سینه زنی و زنجیر زدنی و قرآن بر سر گرفتن هایشان گویا همگی ریشه در تفکر سکولار دمکراسی دارد. سؤال در اینجا است که یکفتر از این پیر مردها و پیر زنان شورائی پیدا نشد که فکر موشش از یک نخود فراتر رفته باشد و برای دیگران توضیح دهد اینطور نمیشود بر سر قدرت نشست با یک دست سرکوب مذهبی اسلامی قرآنی با یک دست چسبیدن به ریش پمپئو برای دمکرات سکولار خواندن تفکرات اسلامی داعشی قرآنی. یک روز با شعار رفندام رفندام این است شعار مردم بعد از بر زمین گذاشتن سلاح ها و نفی امام حسینشان و تبلیغ صلح طلبی امام حسن وارد میدان میشوند و تمام مخالفین رفندام زیر پرچم وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران را با شنیع ترین کلمات کوبیدن و روز دیگر صحبت از آزادی زن و سکولار دمکراسی زیر پرده دین و حجاب اجباری قرآنی کردن، این اسکیزوفرنی تاریخی بر شما و شورایتان مبارک. بهر حال آرزو بر پیر مردان و پیر زنان شورائی عیب نیست شاید مغز موش روزی بترکد و نخود فکری سکولار دمکراسی شروع به رشد کند

دوم ماه اکتبر سال ۲۰۲۱ س وئد اس تکهلم

در چهلمین سالگرد شورای مبارزات قهری، حسینی، رفندامی، حسنی و امروز سکولار دمکراسی لچکی اسلامی

بنی صدر درگذشت آیا اسلام هم در گذشته است چرا؟



سال ۷۹ میلادی خیزش مردمی باعث جا بجائی در دستگاه حاکمه ایران شد شاه رفت خمینی آمد، در بلبشو آن دوران که با انقلاب و حرکات مترقی اجتماعی و سیاسی فاصله زیادی داشت گروه ها و افراد مذهبی اسلامی نیز از اعماق به سطح آمدند و حتی توانستند در کنار ارتجاع قهار اسلامی چند صباحی در آن سامانه پر از دود و گرد و غبار حاصل از تعویض شاه و خمینی اظهار وجود کنند که بنی صدر و مجاهدین دو شاخص بزرگتر آن بودند اول اینکه بنی صدر با رای بیش از هفتاد درصد به ریاست جمهوری رسید که این خود نشانه از یک بیخردی و نادانی تاریخی مردم ایران و نشناختن تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران بود و دوم پا گرفت مقطعی مجاهدین و جمع کردن نیرو تا حدی که به ادعای خود مجاهدین انتشار نشریه مجاهد تا مرز نیم میلیون هم رسید و آمار هواداران شان روی شاخص های چندین چند هزار نفری دور میزد، این خود نشانه های بارز نظامی غیر دموکراتیک و بسته در قبل از تعویض سیستم شاهنشاهی به فقهایی آخوندی بود و آمار مردمی تشنه و خواستار دانستن در جامعه را نشان میداد که نه در دستگاه اسلامی بنی صدر و نه در دستگاه اسلامی مجاهدین به هسته و مغز خواست هایش دسترسی پیدا نمیکرد. مجاهدین با راه اندازی کلاسهای ایدئولوژیک تبیین جهان در ابتدای آمدن خمینی سعی بر این داشت که طوری وانمود کند که گویا اسلامش متفاوت از خمینی است و تبیین جهانش را نیز بر محور فلسفه نداشته توحیدی ماتریالیستی از مارکس و لنین و انگلس تا ففر و اوپارین و بهم میدوخت که از نظر آنان گویا این لحاف چهل تیکه و نوع برداشت از اسلام میتواندست در آینده اسلام را از سکوت و سکون و ارتجاع رهائی بخشد و راه به حرکت های دموکراتیک بگشاید و مردم از گرمای این لحاف جدید چهل تیکه اختراع شده به گرمای مطبوع مورد نظر برسند و نیز در کنارش بنی صدر با تئوریهای خود ساخته کاریکاتوری انقلاب اسلامی و اقتصاد توحیدی و غیرو، اسلام را از روی سنگهای قبر چسبیده به آن رهائی بخشد.

چرا بنی صدر نتوانست با امکانات تبلیغی مادی و معنوی گذشته یک نظام اسلامی مبتنی بر اقتصاد توحیدی راه اندازی کند و در حد منتشر کردن یک نشریه در جا زد و فوت کرد؟

قوانین تکاملی که مجاهدین سعی میکردند با آن تنظیم رابطه کنند ولی آنان را درگیر عادات و سنت های اسلامی میکرد اعم از حجاب اسلامی نوع نگاه به زن و اینکه وقتی دوره تاریخی یک پدیده بسر آمده با زور دگنک کسی بخواهد آنرا سرپا نگه دارد و همچنان که مسعود رجوی میگفت با نوشتن چند کتاب جدید و تفسیر های جدید قرآنی اسلام را از مرگ حتمی نجات بخشد که هیچگاه بعد از چهل و سه سال حاکمیت خمینی این کتابها نوشته نشد و اسلام هر روز در فرو رفت ذلت به اعماق رفت و از درونش القاعده و طالبان حزب الله لبنان و ده ها گروه اسلامی منحط تر و ارتجاعی تر ظهور کرد، مانند این بود و هست که وقتی دوره تاریخی تک یاخته ای به پایان رسیده کسی بخواهد آنان را مجددا زندگی تاریخی ببخشد و حرکت تکاملی را از فعالیت مجدد تک یاخته ای ها بسوی انسانی پیشرو ادامه دهد.

خیلی ها از مجاهدین سؤال میکنند که چرا در این سازمان با وجود جدا شدنهای بیشمار انشعاب صورت نمیگیرد و آنرا نشانه قوت درونی مجاهدین میدانند در صورتی که اینطور نیست و علت العلل نبود انشعاب در مجاهدین به قعر اعماق رفتن خود اسلام است وقتی ملاتی برای ساختن یک ساختمان در دست نداری که آن خود تفکر اسلامی است حرف از انشعاب زدن کار کودکانه ایست وگرنه نه در حال حاضر افراد زیادی از قدیمی تر های مجاهدین مانند میثمی پرویز یعقوبی و ده ها و ده های دیگر هستند که میتوانند چنین پرچمی را در دست گیرند یا حداقل بنی صدر هائی که از امکانات بین المللی هم برخوردار بودند چنین حرکت هائی را براه بیندازند ولی نکردند و نشد.

در یک کلام بنی صد امروز نمرد سالیان قبل مردم ایران شاهد مرگ او مرگ خمینی سردمدار حرکت اسلامی و هر آنکس که هنوز داعیه اسلامی بودن و اسلامی شدن جامعه ایران را دارد بوده و هستند.

پروسه تاریخی اسلام بپایان رسیده و این بنا در حال فروریختن است حال کسی بیاید و به آن رنگ و روغن سکولار دمکراتیک بزند یا با تبیین مجدد مارکس و لنین و انگلس و ففر و آپارین علم و کتل جدیدی برای احیای اسلام براه بیندازد باید گفت تنها زحمت خود میدارید

نوید اخگر

شنبه تاریخ نوه اکتبر سال ۲۰۲۱ میلادی سوئد استکهلم



موی سر زن و رابطه با اسرائیل و امریکا به قیمت فقر و ورشکستگی تاریخی نظام اسلامی

۴۳ سال شعار مرگ بر امریکای جهانخوار و صهیونیزم بین المللی و اسرائیل شعار یا تو سری یا تو سری اسلامی، جامعه را به فقر و ورشکستگی و فحشا و ناداری کودک فروشی و تن فروشی و کشتار و زندان و شکنجه و حلق آویز کشانده است.

شعار های ضد امریالیستی و ضد صهیونیستی نوادگان و باز ماندگان جنگ سردی دانی جان یوسف استالین که متعلق به دهه های گذشته بوده هنوز در خون اسلامیت های ولائی و چپ های سنتی جا خوش کرده در اروپا و امریکا موج میزند و صف های طولانی رای و رای کشی جلو سفارت ها و خوردن آش نذری سفارتی از ارکان این نیروهای پلید اسلامی ولائی و مزدور چپ نماست.

اینکه این رژیم آدمخوار اسلامی آخوندی برود و یا نرود دردی را از این گروه چپ نمای فرخ نگهداری و اسلامیت های ضد صهیونیست نمیگشاید چه آنان کاسه آششان ضامن وجود حکومت کشتار گر اسلامی و مزدوری خودشان است، هر چند که برای غلط کردنهای ضد امپریالیستی دهه های گذشته امروز زیر و بالای وزرای خارجه امریکای جهانخوار مانند پمپئو ها را هم دستمال کشیده تیمار نمایند، لچک و چادر و چاقچور بر سر و کله زن ایرانی جزو محکومات دین مبین اسلام است و بدستور داعش و طالبان و خمینی خامنه ای و بوکوحرام و مجاهدین باید ارکان ناموسی زن که در قرآن و در سوره نور عورت مجسم نامیده شده حفظ شود، و به آن مارک سکولار دمکراتیک نصب گردد. هر چند که در صد عظیمی از این لچک بسر های عفیفه اسلامی روزانه با باز کردن فحشا خانه های رسمی و اینترنتی با کمک ریاست محترم مجلس آقای قالیباف و وزارت اطلاعات به امر جا اندازی برای این عورت های اسلامی محجبه مشغولند اینان نه تنها پائین تنه اسلامی خویش را که اقتصاد سیاست فرهنگ و اجتماع ایران را از گزند صهیونیست ها و جهانخواران امپریالیست در امان نگه میدارند! و با شکم سیر و از روی رضا و رغبت! خود و دختران و پسران کم سن و سال خویش را برای امور الهی حبه و ترغیب مینمایند تا جبهه ضد صهیونیستی هر روز بیشتر رونق بگیرد و حضرت فاطمه و زینب و زنانی از این دست در مکتب عالیه اسلام بعنوان مصادیق و الگو های بارز این صیغه بازی و متعه بازی های اسلامی نوه و ده ساله در سطح بین المللی مطرح شوند تا ایران اسلامی بتواند کمر کشور های رقیب همچون تایلند را شکسته پشت آنان را به خاک مالیده تا پشت زنان ایران در بستر مردان عرب منطقه و اسلامیت های جهان به خاک متبرک کربلا آلوده شود.



آنچه گفته میشود طنز نیست بلکه گریه تلخ نگارنده است از مرحله و زمانی که این قلم در آن زندگی میکند و شعار ضد اسرائیلی و ضد صهیونیستی روشنفکران تا تاریک فکران جامعه را فقط برای ارضای قوت لایموت در برگرفته و کاسه آش در دست گرفته شان در لندن و در لوس آنجلس و دیگر پایتخت ها اروپائی خود نمائی میکنند.



اندکی به تفکر بنشینید که تا کی و تا کدام عمیق می‌خواهید همکار و همفکر قالبیاف ها و نیروهای اطلاعاتی اسلامی اعم در قدرت یا در خارج آن باشید؟ این جامعه روزی باید خود را از ضدیت با دیگر کشور ها بخصوص اسرائیل و آمریکا نجات بخشد و درب فاحشه های اسلامی را گل بگیرد و با سری افراشته برای خارج شدن از این چرخه ناموزون ارتجاعی اسلامی لچکی عقب مانده امل اسلامی راه ترقی و تکامل اقتصادی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را بپیماید. کدام نیروی متریقی باید پای پیش نهد و این تضاد ضد یهودی آخوندی را پس از سالیان تجربه تلخ با نوشتن قرارداد صلح و دوستی و همکاری با اسرائیل همچون دیگر کشور های منطقه چون شعله ای آتش بمیان خودشان و به مجلس جهل و جنون و دولت کشتار گر آخوند رئیسی پرتاب کند و ضامن این نارنجک سیاسی را در میان دولتیان و مجلسیان بکشد و صلح و همکاری برای مردم ایران به ارمغان بیاورد در اینجا اعلام میکنم اعلام صلح با اسرائیل به لحاظ تاریخی بسا بلند تر و بر تر از اعلام صلح در جنگ آخوند ها که به نام جنگ ایران و عراق نامگذاری شده بود بررسی خواهد گردید و دولت و مجلس اسلامی را از درون منهدم و نابود خواهد کرد
نوید اخگر

۲۵ ماه اکتبر سال ۲۰۲۱ میلادی سوئد استکهلم



محمد جواد ظریف سپاه پاسداران را مزدوران روسیه قلمداد می‌کرد که بی سرو صدا حتی دریای خزر را به دشمن خارجی می‌بخشند و دارائی های ایران را در

اختیار دولت های خارجی چین و روسیه قرار می‌دهند . سازمان چریکهای فدائی خلق بخش اکثریت هم پیمان با سیاست های یوسف استالین و سپاه پاسداران پیام میداد که سپاه پاسداران را به سلاح سنگین برای کوبیدن مردم مخالف رژیم اسلامی مجهز کنید تا اسلام عزیز صدمه نبیند. پوتین قرآن خطی تقلبی به حضور شیخ علی خامنه ای هدیه میبرد و تلویزیون اسلامی مسعود رجوی یک توده ای پیر خرفت را برای کوبیدن شعرا و نویسندگان ایران به صحنه میآورد . این موجود پلید که کف بدهان میآورد و انسان را از دیدن تلویزیون منزجر میکند به مردم منقد اسلام و نویسندگان و شعرا بی حرمتی میکند ، آری رجوی برای این توده ای میکروفون سفت میکند و بدست این پیر خرفت موازی با تقاضای فرخ نگهدار و اکثریت و برای همدلی با سپاه پاسداران حافظ منافع بازماندگان دائی جان یوسف استالین شلیک میکنند آنهم برای حفظ اسلام عزیز تا در کنف حمایت اعضای مستقل !شورای خیلی ملی مقاومت ادامه حیات بدهد ننگ بر همه شما باد که حتی در تلویزیون سکت اسلامی خود نه بعنوان یک خبرنگار چالش گر بلکه بعنوان مجسمه بلاهت ابوالهول بنشینید و به مزخرفات شتر پیر کف بدهان در حال مرگی گوش کنید که از دهانش جز گند خلای شاهی ساطع نمیشود و چنین ابلهانی را بعنوان نویسنده و شاعر بخورد مردم محروم و دربند ایران بدهید ننگ بر همه شما باد.

این مزدور خلافت اسلامی توده ای چندی پیش زیر تابوت کسی را از اعضای شورا گرفته بود و پیش تر بلند تر از همه جیغ ، بلند بگو لا اله الا الله وی برای حفظ اسلام عزیز بلند بود . امروز مسعود و مریم رجوی چقدر درمانده و بیچاره شده اند که از عناصر توده ای مزدور برای کوبیدن مردم و شعرا و نویسندگان ایران استمداد میجویند و در کنار فرخ نگهدار ها و اکثریت ها برای کوبیدن و نابودی مردم معترض به اسلام و شعرا و نویسندگانشان تقاضای سلاح سنگین می‌کنند ننگ ننگ بر همه شما باد . سالها قبل با کمال تعجب دریافتیم که نماینده همین شورای خیلی مقاوم در انگلستان از اعضای فامیل سعید امامی در وزارت اطلاعات در آمد که تلفنش را باز می‌گذاشت که جلسات شورا را سعید امامی ها شنود کنند



و یا در سوئد ابراهیم خدابنده مسئول روابط خارجی مجاهدین مزدوری که بعداً با چمدانی از دلار به رژیم اسلامی پیوست ایشان برادر مسعود خدابنده بود که رفت و آمدهایش به زندانهای ایران و همسر انگلیسی اش بارها در مدیا های مختلف شنیده شده نمونه های دیگری است که مرتب حملات تروریستی مزدوران سفارت وابسته به مجاهدین که توسط پلیس سوئد دستگیر میشدند توسط مطبوعات سوئد افشا شده اند حمله به شعرا و نویسندگان و مردم ایران و منقذین اسلام سیاسی بدون وابستگی صورت نگرفته و تا بحال گربه ای برای رضای خدا در این زمینه موش نگرفته است. این نوع برخوردهای چارواداری نمیتواند طرح سئوالات مهم اجتماعی را بدون پاسخ بگذارد، و این بحث ها را بجای شعار های ضد امپریالیستی ضد صهیونیستی در میان مردم قالب کند. طرح سکولاریسم سیاسی اجتماعی و احترام به دموکراسی، طرح منحنی ضد زن حجاب اسلامی و نفی کامل آن، بحث رد اسلام ضد بشر از جامعه ایرانی، بحث رد و طرد آخوند و بستن حوزه های اخوندی و مساجد آنان در سراسر کشور و سکولاریزه کردن ایران، بحث برسمیت شناختن روابط سیاسی تجاری و اقتصادی با تمام کشور های جهان بدون اما و اگر مخصوصاً با امریکا و اسرائیل، بحث رعایت حقوق دموکراتیک مردم ایران برای نقد ۱۴۰۰ سال سرکوب اسلام و آخوند و امامان زنجاره و مفت خور اسلامی آری شعار دشمن ما همین جاست دروغ میگویند امریکاست بخوبی از حنجره مردم ایران شنیده شده، قطع حملات ضد انسانی و ضد بشری از کانالهای رسمی و غیر رسمی توسط جاسوسان و مزدوران شرق و غرب و احترام به دموکراسی حق آزادی بیان اندیشه و گفتار برای آحاد مردم. نوید اخگر. تاریخ هشتم نوامبر سال ۲۰۲۱ میلادی سوئد استکهلم

نامہ سرگشاده به آقای یسپر بنگتسون رئیس انجمن جهانی قلم سوئد پیرامون ترور ویلیام نی گارد ناشر نروژی بدست رژیم جمهوری اسلامی

پیوست به ریاست انجمن نروژ و انجمن قلم دانمارک

در ۸ دسامبر سال ۱۹۹۲ میلادی یان میردال نویسنده سوئدی و عضو انجمن قلم سوئد در روزنامه داگنز نی هتر نوشت که فتوای قتل سلمان رشدی رسماً درست است زیرا او (رشدی) به مسلمانان توهین کرده است

من در انجمن قلم سوئد رسماً تقاضای اخراج یان میردال را مطرح کردم که پس از ده سال کشمکش سازمانی به انجام رسید و میردال بر طبق نوشته روزنامه داگنز نی هتر که نوشت (یان میردال به این علت که حق عضویت خود را پرداخت نکرده از انجمن قلم اخراج گردید).

در کمتر از یکسال از طرح اخراج یان میردال از انجمن قلم سوئد در اکتبر سال ۱۹۹۳ ویلیام نی گارد ناشر کتاب آیه های شیطان سلمان رشدی در نروژ هدف سه گلوله قرار گرفت ولی زنده ماند. امروز پس از ۲۸ سال از آن واقعه مطبوعات نروژ نام تروریست ها را اعلام کرده اند محمد نیک خواه دبیر اول سفارت ایران و عضو سپاه تروریستی پاسداران و نیز یک لبنانی بنام خالد موسوی، آقای یسپر بنگتسون! همانطور که شاهد بوده اید چندی پیش یکی دیگر از اعضای ارشد سفارت بلژیک اسدالله اسدی در ژوئن ۲۰۱۸ به اتهام توطئه برای بمب گذاری در حومه پاریس به بیست سال زندان محکوم شد و همانطور که مطلع هستید ترور سفارت های جمهوری اسلامی آخوندها هیچ حد مرزی را نشناخته و سفارت اینان در استکهلم و وزارت خارجه آخوندها در ایران من را بعنوان طاغی و باغی و ضد انقلاب محکوم به مرگ کرده اند و از مدیای سراسری رادیو تلویزیونها و نشریاتشان منتشر کرده اند نیز وزارت خارجه امریکا اعلام کرد که طی چهل سال گذشته، ایران ۳۶۰ ترور هدفمند در خارج ایران داشته است و داخل ایران هم که کشتار هایش نقل مجالس جهان است مانند محاکمه حمید نوری در استکهلم که شاخصی بر دست آورد های دموکراتیک سوئد و کشور های اسکاندیناوی است با توجه به اینکه ۱۸ سال مخفی کاری اتمی ایران از نظر ها پنهان بوده و رسیدن به بمب اتم برای گرونگانگیری جهانی هدف مشخص تروریسم اسلامیست و هزاران هزار از مردم مظلوم ایران یا بر دارها آویزان یا با گلوله دژخیمان در ایران کشته و مفقود شده اند دادگاه بروز شده جنایات رژیم اسلامی در لندن و در امروز شاهد کوچکی بر این مدعی است.

من ضمن قدر دانی از دولت نروژ و حمایت از افشای این ترور ضد انسانی بر علیه آقای ویلیام نی گارد از انجمن قلم سوئد تقاضا دارم با دعوت از آقای ویلیام نی گارد در بزرگداشتی از ایشان در سوئد در یک همبستگی فرهنگی پرونده این ترور ضد فرهنگی را به دیگر جنابات رژیم سنجاق کرده تا انجمن جهانی قلم سوئد و نروژ بعنوان رکن اصلی آزادی بیان کشور ها همچون محاکمه حمید نوری از دژخیمان حکومت اسلامی ایران سرمشق جهانیان گردد



نامه سرگشاده به دبیرکل سازمان ملل عالیجناب آنتونیو گوترش

در حمایت از قیام مردم اصفهان در تاریخ ۱۹ نوامبر ۲۰۲۱

عالیجناب گوترش همانطور که مستحضر هستید مردم پیا خاسته اصفهان با قیام گسترده خود در این شهر برای احقاق حقوق حق آبه خود قیام کردند این قیام از ماه ها قبل با اعتراضات و اعتصابات این مردم محروم که آب شرب و مصرفی شان در خدمت مطامع رژیم اسلامی برای پیشبرد اهداف نظامی و امنیتی و اتمی مصرف میشود

بزیر ضرب رفته و به اکثر شهر های این استان با تانکر آب رسانی میکنند که کفاف هیچ خانواده ای را نمیکند. شورش برای آب آنهم در شهر اصفهان که رودخانه زاینده رودش همیشه و بطور تاریخی زبانزد خاص و عام بوده خبر از بی کفایتی رژیمی میدهد که مردم مرتب با شعار های خویش گویای آن هستند. توپ تانگ فشفشه آخوند باید گم بشه.

رژیم اسلامی بجای رفع این ستم ملی از مردم اصفهان به قطع اینترنت در بخش هائی از شهر پرداخته و گمان میرود همچون قیام دو سال قبل با سرکوب و کشتار مردم جامعه راه بخون بکشد

لذا تقاضا دارم برای حمایت از اعتراضات صلح طلبانه مردم اصفهان و برای جلوگیری از کشتار بیرحمانه مردم این شهر و بطور قطع شهر های دیگر که به این اعتراضات میپیوندند اقدام عاجل فرمائید. آخوند ها با تمام تلاش برای رسیدن به بمب اتم و پرداخت بهای آن از جیب مردم ایران سلاحی جز سرکوب و کشتار تا بحال نشان نداده اند گمان میرود که این اعتراضات را نیز همچون گذشته بخون بکشند. تلاش و فریاد شما و رهبران جامعه جهانی صدائی است که آخوند های قسی القلب در تهران باید بوضوح بشنوند

نوید اخگر

نویسنده و شاعر تبعیدی ایران سوئد استکهلم

۱۹ ماه نوامبر سال ۲۰۲۱ میلادی



■ شعار مردم ایران و مماشات آمریکا و اروپا با فاشیزم اسلامی ادامه دارد

سابقه تاریخی مماشات با هیتلر را بنگرید و بیاد بیاورید ملیونها خونی که بر خاک ریخته شد یا در کوره های آدمسوزی فاشیستها خاکستر شد و یا گلهای تازه رسته ای که در زیر فشار جنگ و اختناق سرکوب و زندان پر پر شدند هنوز از خاطره ها محو نگشته است.

آخوند و اسلام در جلو روی دولتهای خارجی میکشد مانند کشتار ۸۸ و گران شدن بنزین و یا کشتار بی آبی خوزستان و اصفهان در هفته گذشته و ماه های اخیر. اسلام و آخوند خون میریزند زندانی میکند و در زیر شکنجه و تیرباران مردم ایران با شاداتگان های مدرن جنایت میکنند و روز بعد در مجلل ترین هتل های اروپائی پشت میز های مذاکره با خونخواران و جلادان و فاشیزم اسلامی چای و قهوه مینوشند و بر سر بیشتر کش کردن مردم ایران میخندند و مصالحه و مذاکره میکنند تا آخوند را بزودی به سلاح سنگین اتمی مجهز کرده نتنها ایران که گل منطقه خاور میانه را در چرخه بمب اتمی و انرژی هسته ای غرق نمایند.

دولت اسرائیل که یکبار شش ملیون از اعضای جامعه خود را در کوره های آدمسوزی هیتلر به فنا داده و شاهد همکاری رهبران گروه های فلسطینی با هیتلر و سران نازیها بوده اینبار قدم بقدم و آهسته آهسته شاهد مسلح شدن جلادان اسلامی به سلاح هسته ای است که میخواهند جامعه یهودیان اسرائیل را به آب دریا بریزند.

بگذریم از اینکه بخش قابل توجه کشور های عربی از خواب جسته اند و حتی اپوزیسیون ایران که هنوز دست دوستی با اسرائیل نداده است را پشت سر نهاده اند و در حال ساختن خاور میانه جدید حتی در مانور های نظامی منطقه همگام با اسرائیل همکاری میکنند. فاشیزم آخوندی اسلامی تنها مانده است و معادلات منطقه بفرم دیگری اداره میشود، لیکن تا جمهوری ضد ایرانی و اسلام آخوندی بر سر کار است گسترش فنا تیزم مذهبی اسلامی پارال با اعمال ضد تاریخی آخوند و اسلام به پیش میرود یعنی اینکه:



آخوند از طرفی دریای خزر را به روسها میبخشد و خلیج فارس را به چینی ها ولی بر سر منبر و در تبلیغات اسلامی برای قلعه فدک که محمد از یهودیان در جنگ خیبر گرفته و به فاطمه بخشیده سر و صدا راه میاندازد که چرا عمر و ابوبکر این قلعه را از فاطمه باز پس گرفته و گفته اند پیامبران ارث و میراث ندارند.

در رابطه با کودکان خیابانی و زجر و شکنج روزانه آنان در ایران آخوند و اسلام خفقان میگیرند ولی در مورد جنین سقط شده چند هفته ای در شکم فاطمه که درب قلعه خیبر به پهلوی او خورده برای جنین نام گذاری کرده و بر سر منابر اسلامی اشک تمساح میریزند که محسن از دست رفت در حالی که ملیونها کودک ایرانی روانه در ریز سخت ترین فشار های اقتصادی و خانوادگی از بین میروند .

شاید روزی سران اروپا و ادمنستراسیون پرزیدنت بایدن در مماشات و پوئن دادن و همکاری با فاشیزم اسلامی از خواب غفلت بیدار شوند ولی هر دقیقه و هر روز که از ادامه حیات آخوند و اسلام در ایران میگذرد خطر اتمی تروریسم اسلامی بهای زیاد تری را از مردم ایران میطلبد . تا روزی که قهر مشروع مردمی تمامی ساختارهای این حکومت جنایتکار را در هم ریزد. اسرائیل با تجربه تاریخی خود نقش عمده ای را در جلو گیری از اتمی نشدن آخوند بعهده دارد.

نوید اخگر

اول ماه دسامبر سال ۲۰۲۱ سوئد استکهلم





حرکات نامناسب برخورد های مناسب را میطلبد وقتی رژیم اسلامی در عرض ۴۳ سال زندان و شکنجه میکند کشتار و اعدام میکند با وقاحت تمام نماینده جانی آن رژیم در دادگاه نوری در استکهلم همه چیز را منکر میشود یک اکثریتی توده ای در اطاق های فکر اینترنتی خود را که در گذشته هوادار سیاهکل بوده و خود را در زمان شاه چریک با عمر شش ماه معرفی میکردند امروز در زیر حکومت جهل و جنون اسلامی که صد ها بار مرز های جنایتش وحشتناک تر از هیتلر و دیگر دیکتاتور های خاور میانه و امریکای جنوبی است خود را اصلاح طلب میداند و هر حرکت مناسب انقلابی را بر علیه رژیم اسلامی نفی میکند را آیا میشود حرکت مناسب بر علیه فاشیزم اسلامی دانست ؟ رژیم اسلامی آخوند ها مرز های جنایت و خبثت را در تمام سطوح جامعه جا بجا کرده است از تجاوز به کودکان خردسال بصورت رسمی و اسلامی شرعی تا خرید و فروش بچه ها تا کسب در آمد از فروش سکس تا مواد مخدر و گرفتار کردن مردم در ایران و در منطقه و جهان تا گسترش گروه های ترور اسلامی و پخش ادوات و تجهیزات جنگی در خاورمیانه و کشور های جهان تا ایجاد ناامنی و بی ثباتی و ترور در اکثر کشور های جهان تا دستیابی به بمب اتم تا جایی که نسبت به اتوبوس خواب ها شبی ۲۰ هزار تومان دست و دل بازی نشان داده و می گوید ما اجازه دادیم مردم در اتوبوس ها بخوابند در حالی که همه مساجد و حسینیه ها و مراکز کثافت و فضاحت اسلامی که با پول مردم ساخته شده برای مردم بی جا و مکان خالی و گرم نگاه داشته میشود ننگ بر شما بر اسلام شما بر اخوند شما و بر مراکز عبادت شما مردم را گور خواب کردید و زیر پل خواب کردید پشت بام خواب کردید بیغوله خواب کردید مسجد و حسینیه توی سرتان بخورد چرا درب این مناطق را برای استفاده مردم باز نمیگزارید نفرت بر اسلام و دین شما و بر تمام امامان زن باره تان باشد روزی که مردم این مراکز را بر سرتان خراب کرده همچون هیکل نحس ترورست کثافت قاسم سلیمانی به آتش بکشند، مردم باید آخوند را تحریم و از زندگی روز مره خود بیرون کنند نه در عزا و نه عروسی اخوند را بزندگی خود راه ندهند بایکوت آخوند باید جریان یابد آیا برخورد مناسب با این رژیم برداشتن تحریم های اقتصادی و پخش پول و امکانات در بین آخوند ها در بخاک و خون کشیدن جهان است ؟ برخورد مناسب با ترور و کشتار و جنگ های اسلامی کدام است ؟ سکوت و پاسیویته یا برخورد قاطع و مناسب تا ساختار های آخوندی تا ترور اسلامی را در هم شکند ؟ اراجیف اسلامی قرانی جز بستن دهان مخبط های اسلامی چیز دیگری باید باشد ؟ آخوند از واکسینه کردن مردم بر علیه کرونا جلوگیری کرد و نزدیک ۸۰۰ هزار نفر را تا امروز و شاید بیشتر راهی قبرستانها کرده است آیا برای شما کافی است که چند نفر با سر دادن چند شعار تو خالی بدون پشتوانه از خیابان به خانه برگردند ؟



و باز فردا سیل خون مردم توسط رژیم و آخوند اسلامی جریان داشته باشد؟ و تاریخ خونبار اسلامی تکرار شود از جنگ ها و کشتار های علی و حسین و حسن تا امروز خمینی و خامنه ای و فروش و برده کردن مردم ایران در طی ۱۴۰۰. به چه خاطر با نام به اصطلاح چپ حمایت از اسلام و آخوند حمایت میکنید روزی بنام نیروی ضد امپریالیست و روز دیگر بنام نیروی کرد مسلح با این خونخواران تاریخ ایران سر میز مذاکره مینشینند یا بنام مردم ایران شعار رفروندام رفروندام این است شعار مردم سر میدهید و خواستار رفتن بزرگبای آخوند میشوید هیچکدام شما نیروی پیگیر و مبارز برای گرفتن حقوق حقه مردم با این رفتار و کردارتان نیستید. مردم قزاقستان طی چند روز سفره دولتیان را در هم پیچیدند و همه را از کار بر کنار کردند آقایان مسلح و مبارز سلاح زده و از کار افتاده را برای چه در دست گرفته تبلیغ میکنید و جولان میدهید؟ سلاحی که به هر دلیلی نمیتواند شلیک کند اگر با چوب جارو تعویض کنید و خیابان های شهر را پاکبانی کنید از سلاح های خاموش شرفش بیشتر است.

نوید اخگر ۸ ژانویه ۲۰۲۲ سوئد استکهلم

بحثی پیرامون مذاکره و نشست نظام اسلامی آخوند ها با امریکا و ملاقات تحقیر آمیز پوتین و روسیه با رئیسی.

ناظران بیطرف معتقد هستند که علت ملاقات ۱۵ دقیقه ای تحقیر آمیز روسیه و پوتین با آخوند رئیسی اخذ اجازه از پوتین برای نشست با امریکا بوده است.

رئیسی در اظهاراتش به پوتین خاطر نشان میکرد که چهل سال است که مورد تحریم امریکا بوده اند و بدین وسیله تظلم خواهی آخوندی را به عرض پوتین میرساند و با گردن کج به پوتین میگفت که وضعیت بیش از آنچه شما می بینید وخیم است و چیزی نمانده که همان بلائی را که مردم روسیه بر سر نیکلای الکساندروویچ رومانوف قبل از انقلاب ۱۹۱۷ آوردند بر سر ولی فقیه و آخوند ها بیاورند.

رئیسی در کاخ کرملین دست بدعا برداشته بود که به سرنوشت نیکلای رومانوف گرفتار نیایند.

برای مذاکره با امریکا چه پیش زمینه هائی لازم است؟

الف: ابتدا گرفتن بمب اتم از دست آخوند و محدود کردن فعالیت های هسته ای

ب: انحلال سپاه پاسداران بعنوان بازوی نظامی ولایت فقیه

پ: دخالت نکردن آخوند و سپاه پاسداران در جنگ های منطقه و به اغتشاش کشیدن خاورمیانه و جهان

دال: پایان دادن به جنگ های نیابتی توسط رژیم اسلامی پایان دادن به حمایت از نیروهای اسلامی تروریستی خاور میانه

ذال: منحل کردن جنگ موشکی و راکتی و کارخانه جات آن در کنار انحلال نیروی هسته ای

ر: دمکراتیزه کردن کشور از کانال برداشتن ولی فقیه از راس حکومت

ز: آزاد کردن آزادی بیان و آزادی اجتماعات و مطبوعات

اینها از اولین قدمهائی است که رژیم اسلامی برای یک جریان با ثبات

سیاسی بایستی بردارد هر نوع شکست در اجرای این قدمها هر نوع توافقی را به شکست خواهد کشید.



تضاد روشن جامعه امروز ایران بین مذهب و سکولاریسم و لائیسیته رقم میخورد

چندی است که نیروهای اسلامی مذهبی مجاهدین و در کنار آنها هواداران سنتی آنها در بوق و کرنا کرده اند که گویا مبارزه آینده و امروز ایران مبارزه با شاه و شیخ است.

مبارزه با شیخ و مذهب اسلام چنبره زده بر هست و نیست مردم ایران یک حقیقت است و این مبارزه به طرق مختلف بر علیه آخوند و اسلام در طی ۴۳ سال گذشته در جریان بوده است و باید تا سرنگونی جرثومه خبثات و جنایت آخوند و اسلام ادامه یابد و احتیاج به تشویق کسی ندارد. امروز چهار دهه از فوت محمد رضا شاه گذشته و ولیعهد ایشان بدفعات اعلام کرده که مایل به سلطنت نیست و گفته که به جمهوری گرایش دارد تا به سلطنت.

مجاهدین در گذشته ها و به دفعات اعلام میکردند که شاه فوت کرده و از صحنه سیاسی خارج شده و کار سلطنت تمام است و همه انرژی را باید بر روی حکومت آخوندی (بقول مجاهدین) گذاشت و امروز هم ولیعهدش اعلام میکند که جمهوری خواه شده است پس ضرورت اعلام جنگ جدید بر علیه سلطنت به چه منظوری است؟

صحنه سیاسی در ایران چرخیده یعنی حتی آخوند های کله گنده نظام اعلام میکنند که مردم به آخوند سنگ میزنند حمله و فحاشی میکنند و آخوند ها مجبورند با لباس مبدل شخصی در شهر رفت و آمد کنند، مردم به مدارس آخوندی به مساجد به تکیه ها امام زاده ها و مراکز اسلامی حمله میکنند و آنها را به آتش میکشند.

اما مجاهدین در درون خودشان آخوند پرورش میدهند و آخوند نگه داری میکنند از صبح تا شب قرآن و آیه و مناسبات اسلامی را از تلویزیون و رادیو هاشان تبلیغ میکنند و اذان و اقامه میخوانند هر وفات و هر تولد امامان و امام زادگان غیر ایرانی را تقویت و تبلیغ کرده حمایت میکنند و این کار اینها در تضاد مستقیم خط فکری مردم ایران است که از آخوند و اسلام نفرت دارند و برای رفع این دو عنصر ضد تاریخی و دشمن مردم ایران کوشیده و میکوشند. چرا مجاهدین درک نمیکنند که نزدیک شدن به اسلام و آخوند آنها را به آن طرف طیف ترقی خواهی پرتاب کرده و میکند.



طرح شعار حکومت سکولار دمکرات از طرف شورا در زمینه عینی خود در کجای این جریان اسلامی آخوندی که پراکتیک روزانه مجاهدین و شورا است قرار میگیرد و میخواهد با شعار مبارزه با شاه و شیخ جایگزین شود؟

جالب است که عنوان میکنند مردمی که شعار رضا شاه روح شاد را میدهند شعار وزارت اطلاعات را تکرار میکنند خوب شما که میدانید شعار های وزارتی بدون حمایت مردمی و بدون خط فکری راه بجائی نمیرسد پس چرا جوش میزنید که نکند رضا شاه از قبر سر درآورد و پشت آخوند های مکلا و عمامه دار شورای ملی مقاومت و مجاهدین را به خاک بمالد؟

یا جناحی از ما بهتران در انگلیس و آمریکا و یا اروپا به دفاع از رضا شاه برخیزند شما که همه پارلمانتر های اروپائی و امریکائی و خانه شاگردانشان را هم در حمایت خود دارید پس ترس از چیست؟

بله ترس مجاهدین و شورا ترس از رادیکال شدن اعمال و شعار های مردم بر علیه اسلام و آخوند است بدون این دو پایه ایدئولوژی و سیاستهای مجاهدین دو عنصر پایه ای خود را از دست میدهد.

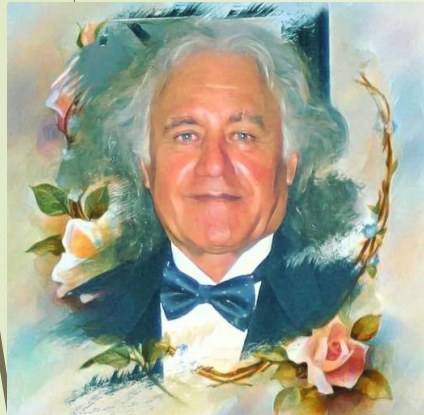
مسعود رجوی راه سکولاریست هارا بخوبی نشان میدهد و میگوید: امام حسین را از ما بگیرند همه چیزمان را از دست میدهیم: نه آخوند نه اسلام و نه دوازده امامشان دیگر کارائی نخواهند داشت.

بلی اسلام نه دین ایرانیان بوده و نه هیچ ایرانی به آن دلبستگی تاریخی دارد این خط فکری تا توانسته خورده چاپیده غارت کرده و تجاوز را گسترش داده ما حکومت اسلامی نمیخواهیم اسلام و آخوند باید کاسه کوزه اش را جمع کرده از این کشور برود هیچ طرفندی هم برای سرنگونی اسلام و آخوند همچون رفرندام چند سال قبل مجاهدینی بر علیه مردم ایران برای رسیدن به آزادی سکولاریسم و لائیسیته کار گر نخواهد بود.

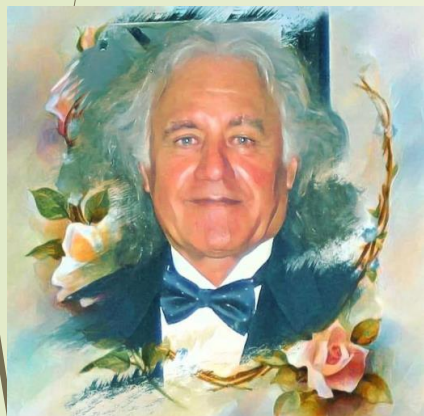
نوید اخگر ۱۷ ماه فوریه سال ۲۰۲۲ میلادی سوئد استکهلم



در جامعه ایران هیچ چیز در جایگاه خودش نیست گروه های مختلف اجتماعی با شاخص ها و تعریف های فرهنگی متفاوت معرفی می شوند در این تعریفها قصد کم و زیاد کردن افراد و گروه ها را ندارم بلکه برای درک درست از بحث به آن میپردازم . فرهنگ بساز بفروش مشخصه نیروهائی است که تئوری و پراکتیک اجتماعیشان



با هم همخوانی ندارد یعنی بنائی را که ظاهرا ساختند وامکان فروریختنش هست در حالی که نقائص فراوان دارد از سر خود باز می کنند و میفروشند بدون اینکه توجه داشته باشند که فرو ریختن آن بنا چند کشته و رخمی بر جای خواهد گذاشت . در حالی که پس از مدتی آن بنا بر سر خریدارش آوار میشود و فاجعه بیار میاورد همانند سینه زدن برای حکومت اسلامی ضد امپریالیست پس از سقوط شاه . به این چند موضوع توجه کنید طرف تا عمق وجود مسلمان مکتبی است حرفی نیست برود دنبال کار و کاسبی پر رونق خودش ولی تضاد اجتماعی با این نیرو از جائی شروع میشود که همین نیروی اسلامی مسلمان عقب مانده با آیات قرانی و لچک و لباسهای تعیین تکلیف شده اخوندی برای زنان ، می رود بر سر در مجامع اجتماعی برای دین خود با آیات قرانی تبلیغ میکند تا مشروعیت بخرد و در چند گام جلوتر این مسلمان مکتبی چهره سکولار و دمکرات بخود می گیرد به جدائی دین از دولت که خودش باشد معتقد میشود و یادش می رود که وقتی سکولار شد به جدائی دین از دولت که خودش باشد معتقد شد دیگر نمیتواند از صبح تا غروب از مسجد و مناره و رادیو تلویزیونش اذان و اقامه پخش کند و سر و کله مردم را غرق در آیات قرآن و اذان و اقامه کند چون انجام این فرایض متعلق به عصر حجر دیگر جایش در اماکن عمومی نیست برو در خانه ات در را ببند که کسی صدایت را نشنود هر چه میخواهی قرآن و اذان و اقامه بخوان حق خواندن این مزخرفات ضد بشری را نه بر سر گنبد و گلدسته دارد نه در توی تلویزیون بعنوان مجامع عمومی . به هیتلر بعد از سقوط اجازه استفاده از پوشش های فاشیستی هیتلری را ندادند ولی ایشان میخواهد بنام خواهران محجبه با لچک و چهارقد جهان را به چالش بکشد و زنان را سرکوب کند . سیستم سکولار با این نوع سیاسی بازی اسلامی مذهبی برخورد خواهد کرد زیرا این آزادی شخصی را با دستور فاشیستی اسلامی از بالا از بین خواهد برد . در منطق اسلامی که ندارد هیچ چیز سر جای خودش نیست ، در داخل ایران اخوند از مسجد در آمده بکار سیاست مشغول است و دخالت در تمام امور بجز مسائل مذهبی خودش که هیچ اطلاع بروزی هم از آن یعنی موضوعات مذهبی ندارد و نمیتواند ارائه دهد چون بروز بودن مذهب و مسائل پیرامون آن مانند نزدیکی آب و آتش است با هم . تا موقعی که یک بلدزر تاریخی بیاید و سامانه مسجد و مذهب و اخوند را جمع کرده به زباله دان تاریخ بریزد .



گروه دیگری بنام ارتش و سپاه و بسیج و نظامیانی که از پادگان ها در آمده و وارد مسائل اقتصادی سیاسی دیپلماتیک کشور شده اند و برای حل مسائل دیپلماتیک ۴۴ سال ایران را در تضاد با سیستم اقتصاد جهانی و گروگانگیری باج گیری و بحران تحریم های اقتصادی و تروریسم و زندانی کردن و کشتار شهروندان خارجی در جنگ های مستقیم و یا نیابتی کرده اند و برای حل حتی معضلات نظامی طرح های بسیار قیصری را که باعث خنده جهانیان میشود ارائه می دهند و میگویند برای مثال حل فلان معضل اقتصادی ایران این تعداد گروگان از امریکا بگیریم و بحران اقتصادیمان را با باجی که برای گروگانها میگیریم حل کنیم . در یک حکومت سکولار تمام نیروهای نظامی باید بدرون پادگانها رانده شده حق خروج از مراکز نظامی و دخالت در امور سویل و غیر نظامی و یا دیپلماتیک را نداشته باشند ، و طوری نباشد که وزیر امور خارجه کشور آقای محمد جواد ظریف بگوید که دیپلماسی خارجی ایران را نظامیان سپاه پاسداران هدایت میکرده اند . و بعد هم بگوید که قاسم سلیمانی امر بر یا پادو پوتین بوده او را احضار میکرده دستوراتش را صادر میکرده و سپاه پاسداران اوامر پوتین را اجرا مینموده است . این در حالی است که حتی یک اخوند از خامنه ای تا کمترین طلبه حوزه به اصطلاح علمیه امر به معروف ونهی از منکر در مورد پوتین و سپاه پاسداران نکرد و فقط توی سر مردم ایران و زنان شجاع ایران برای پیدا شدن یک لایخ مویشان زدند یک ارگان رسمی هم جلو نیامد که بگوید چه کسی جوابگوی بخشش دریای خزر به روس ها و خلیج فارس به چینی ها باید باشد ؟ آخوند یا سپاه پاسداران و قاسم سلیمانی ها ؟ یعنی نیروی مذهبی ونظامی توامان در صحنه هستند به کلام دیگر یعنی مجلس و ارگان های تصمیم گیرنده و دولت و وزارتخانه ها یعنی هیچ بحساب نمی آیند . حال شما تصور کنید که نیروی خارج از حکومت یا به اصطلاح اپوزیسیون مذهبی مانند مجاهدین که هم نظامی است و هم مسلمان مکتبی وارد کشور شود و بعد از جمهوری اسلامی بخواهد حکومت هم بکند اینها را باید بدرون پادگانها یا بدرون مساجد راند ؟ اگر مساجد قبل از ورودشان با خاک یکسان نشده باشد . می بینید که مردم و سکولار دموکراسی آینده ایران کار آسانی در پیش رو ندارد این آخوند هم می گوید میکشیم خوب هم میکشیم آیا کسی هست جوابش را تاریخا بدهد ؟ گوش کنید .

نوید اخگر تاریخ ۲۱ ماه فوریه سال ۲۰۲۲ میلادی سوئد استکهلم

سیاست ناسیونالیستی مافیا محور در روسیه اعم از نفت یا گاز یا اتم یا مبادلات اقتصادی با جهان غرب که وابسته به تحریم های حداقلی در امروز و حد اکثری در گیومه در فردا بشود میتواند از منظر نزدیکی و دوری آخوند های ضد امپریالیست در گیومه و در داخل ایران دشتخوش فعل انفعالات و یا تغییراتی گردد به نفع یا به ضرر مردم ایران.

بر خلاف خیلی از رسانه ها که معتقد هستند پوتین برای تسخیر اوکراین پیش خواهد رفت من معتقدم این امکان در دراز مدت برای پوتین وجود ندارد با این منطق که دور تا دور اوکراین را پایگاه های انرژی هسته ای پوشانده که صدمه دیدن بخشی یا تعدادی از آنان اثرات مخربی را بر روسیه نیز خواهد داشت.

اینکه ناسیونالیسم روسی با ریشه های تزاریسم همبسته هست از دید کسی پوشیده نبوده و نیست پوتین اوکراین را بخشی از شوروی سابق میداند فکر کنید که ایران امروز تقاضای باز گشت ۱۴ ولایت و سرزمین جدا شده از ایران را که برفع روسها به خاک شوروی سابق ملحق شدند را بنماید، دست اندازی با دریای خزر در امروز و حدا کردن ۱۴ ولایت ایرانی مانند گنجه قرباغ ولایت های شکی شیروان قبه دربند بادکوبه داغستان و گرجستان محال شوره گل آچوق باشی گروزیه منگریل و آبخاز بخشی از تالش و نیز حاکمیت بی چون و چرای دریای خزر و بخشی از خانات تالش به تصرف روسها در بر طبق معاهده گلستان در آمد و نیز سواحل دریای خزر برای ایران از دست رفت فکر کنید ایران تقاضای باز گشت این سرزمین ها را به خاک ایران بنماید و با توپ و تانگ موشک به ملاقات آقای پوتین برود.

البته پس از حمله پوتین به حدود و ثغور کشور مستقل اوکراین و زیر پای گذاشتن قوانین بین المللی، کشور هائی مانند کوبا نیکاراگوئه حوثی های یمن و رژیم آخوندی اسلامی و حتمن در آینده نزدیک و یا دور نیروهای ضد امپریالیست دیگری به جرگه حمایت از این مبارزات ضد امپریالیستی دلخواه نیروهای خواهان چنین جنگ هائی خواهند پیوست . مسلمان فروش گاز روسیه به اروپا با اختلالاتی همراه خواهد بود از طرف اروپا و نیز از طرف پوتین. در ایران در صورت داشتن یک دولت عاقل و بالغ غیر آخوندی و دمکرات ایران میتواندست با مخازن بی نظیر گازی و نفتی خود پازل موثری در ارتباط بهبود وضع اقتصادی مردم ایران با غرب باشد که متاسفانه نیست و حتی رسیدن به یک توافق هم در برجام در دسترس نمیباشد و سایه سیاست با ایران همچون آفریقای جنوبی زمان آپارتهاید رفتار کنید و رژیم اسلامی را بایکوت کنید تا شکستن کمر اسلام و آخوند پیش خواهد رفت. بهر حال دل خوش به نفع نیروهای ضد امپریالیستی که آرزوی چنین جنگ ضد امپریالیستی را داشتند. کمر بند ها را ببندید و پیش بسوی جنگ حق علیه باطل.



حذف پوتین از راس قدرت روسیه باید به خواست ملی و بین المللی تبدیل گردد



شکستن تمام مرز های اخلاقی سیاسی دیپلماتیک انسانی و بین المللی و توسل بدروغ در انظار جهانی و خیز برداشتن برای تصرف کشورهای مستقل جهان با شانتاژ و دروغ و وصل رئیس جمهور یهودی اوکراین به نئو نازیست ها و اقدام برای سرنگونی وی با توپ و تانگ و بمباران و ترساندن جهان با بمب اتم در حالی که آقای پوتین شیر جانی مردم ایران را کشیده با آخوند های فاشیست به بستر رفته آب و خاک و سرمایه های ایران را به یغما برده حال یادش آمده که در اکراین گروه نئو نازیست وجود دارد مگر در سوئد و نروژ و فنلاند و روسیه وجود ندارد اصلاً بتو چه که در کشور ها چی وجود دارد و چی وجود ندارد تو چکاره جهان هستی؟ وقتی فاشیزم اسلامی با سالیان همکاری خود با پوتین و پوتینیسم نان را هم از سفره مردم ایران ربوده و ایران را به مستعمره و آخوند را به پادو و پا رکابی های خود برای سرکوب مردم ایران تبدیل کرده است حالا یادش آمده که ایشان باید برود و نئو نازیست های یهودی را در اکراین پاکسازی کند خوب اگر جنابعالی اینقدر حمیت برای پاسازی فاشیزم داری چرا سالیان است که زیر قبای آخوند فاشیست اسلامی بیتوته کرده ای؟

همانطور که در مقاله چند روز پیش نوشتیم من برخلاف مدیای اروپا و حامیان پوتین معتقد به پیروزی ایشان نیستم حتی اگر تمام قوای زمینی هوایی دریائی روسیه را هم برای تصرف اکراین بسیج کند به موفقیتی دست نخواهد یافت اکراین باتلاق و محل دفن تاریخی پوتین ارباب خامنه ای جلاد خواهد بود جائی که مردم ایران آخوند های حاکم بر ایران را هم روانه آنجا میکنند

یکنفر به این آخوند ها حالی کند که پوتین اکراین را با امکانات هسته ای مکفی در همسایگی خود خلع سلاح هسته ای کرده و هنوز هم دست بردار نیست و به آن کشور لشکر کشی میکند فکر میکنید که پوتین شمایان را در بیخ گوشش به بمب اتمی مسلح میکند ؟

باید به کشور های چهار بعلاوه یک و اروپائی گفت بازی با پوتین را بس کنید و از دادن امکانات به آخوند های فاشیست سرباز بزنید برجام را پاره کنید و با ایران و روسیه با سخت ترین تحریم ها برخورد کنید باج دادن به فاشیزم نظامی مسلح به سلاح اتمی خاتمه دهید ایران در پرتو یک حکومت سکولار و دمکراتیک و داشتن منابع گازی و نفتی سرشار بهترین آلترناتیو دراز مدت در همکاری با جهان غرب خواهد بود.

با پارول و سیاست با روسیه و ایران همچون آفریقای جنوبی زمان آپارتهاید برخورد کنید ،با حذف پوتین و حذف خامنه ای و آخوند ها از راس قدرت جهان را به آرامش برسانید. نوید اخگر یکشنبه ۲۷ فوریه سال ۲۰۲۲ میلادی سوئد استکهلم

پوتین از تجاوز نظامی به خاک اروپا تا کشاندن تروریست هاو فاشیست های اسلامی به شهر های اکرائین برای کشتار مردم



سه هفته از تجاوز نظامی روسیه و به اکراین میگذرد و عزم جزم نیروهای مردمی آن کشور ماشین کشتار و تجاوز پوتین را در اکرائین به گل نشانده است. رجب صفروف نماینده پوتین در یک مصاحبه چند سال قبل میگفت تمام کارخانه جات روسیه در حال ورشکستگی بود که موضوع ساختن نیروگاه های هسته ای برای ایران پیش آمد و روسیه را از این ورشکستگی تاریخی نجات داد نه تنها وضع اقتصاد ما خوب شد که تمام کارخانجات زمینگیر شده مان هم باز سازی شده و راه افتادند.

امروز همین رجب صفروف میگوید ایران اگر غرب گرا بشود و بصورت سدی که امروز هست در جلو روسیه نباشد اقتصاد روسیه آغاز به فروپاشی میکند. تاریخ سیاسی ایران در کنار روسیه امروز و شوروی سابق پر است از خیانت به خاک آب و منافع ملی ایران بصورت گسترده فکر میکنید که آخوند های حاکم این را نمیدانند؟

چرا میدانند نبود روسیه در کنار آخوند یعنی سرنگونی قطعی و بسیار آسان و تاریخی آخوندی که پوتین برایش قرآن خطی به ارمغان میآورد. معاهدات گلستان و ترکمنچای تا بردن میلیارد ها دلار از جیب مردم گرسنه و زیر خط فقر ایران به هوای ساختن نیروگاه اتمی در کشوری که خورشیدش بادش آبش و حتی کویرش منبع انرژی است به قول رفسنجانی روسها سرمان را کلاه گذاشتند یک چرنوبیل دوم ساختند البته قرار بود نیروگاهی همپراز نیروگاه های اروپا بسازند. تا جلو گیری از فروش گاز دریای خزر تا چوب لای چرخ گذاشتن در برجام همه و همه نشان از دزدی دارد که با اجازه ولی فقیه دارد خانه را غارت میکند و این چپاول خاتمه نمی یابد تا پوتین و علی خامنه ای از صحنه سیاسی حذف شوند. در سوئد ما حزبی داریم بنام دمکراتهای سوئد که اکثرشان ریشه در فاشیسم و تفکرات راسیستی دارند و با نام نظامیان با لباسهای قهوه ای نامیده میشوند و طرفداران هیتلر هستند البته اینها با گذشت زمان

سعی کرده اند با سیستم جهانی آداپته تر گردند و سعی میکنند تاریخ گذشته خود را بپوشانند.

زلسنکی رئیس جمهور اکراین که خود یهودی است در آغاز حمله پوتین به اکراین گفت: "چطور مردمی که میلیونها نفر آنان در جنگ با نازی ها کشته شده اند میتوانند نازی باشند؟"



■ حال فکر کنید که در سیستم جهانی کسی بفکر بیفتاد که به سوئد همچون اکراین لشگر کشی کند و بنام پاکسازی نازیست ها که در پارلمان سوئد و خیلی از کمون ها نماینده نیز دارند شهر ها را ویران کرده و به دولت سوئد مارک نازیست بزند و از فاشیست های مسلمان سوریه که در قتل جنایت سربردن انسانها شهره خاص و عام هستند کمک بخواهد و ولی فقیه هم حمایت بفرمایند و نمایندگان فاشیزم اسلامی هم در کنار تعداد انگشت شماری از چپ سنتی - توده ای هیروتی هم برایشان کف بزنند

نوع کار گا گ ب پوتین همانند گذشته شوروی سابق عمل میکند وقتی من مقاله ای نوشتم بنام (حذف پوتین از راس قدرت روسیه باید به خواست ملی و بین المللی تبدیل گردد یکشنبه ۲۷ فوریه ۲۰۲۲) همان روز های اول حمله به اکراین سیل حملات به فیس بوک من شروع شد این مقاله در فیس بوک در صفحه (تفسیر ها و مقالات سیاسی فرهنگی اجتماعی نوید اخگر) منتشر گردد و قابل رویت است البته طی چند روز حملات بنفع پوتین و انتقاد از من که چرا از جنگ ویتنام و جنگ عراق و غیر حرف نمیزنی و تعریف و تمجید های مضمّن کنند از پوتین آمده است بر روی این صفحه که بیش از ۱۷۱۵۴۶ بیننده داشت درج گردید. اینجا به پوتین و کا گ ب و مزدوران چچنی و روسی و افغانی عرب و ولائی میگویم شمایان همراه پوتین و فقیه در باتلاق تاریخی خود حبس شده اید به انتظار فرو رفتن در آن محل باشید و مسلم با فرو رفتن پوتین در این باتلاق مردم ایران ولی فقیه را هم روانه آنجا میکنند دور نیست. حتی اگر پوتین تمام اکراین را هم با توپ و تانگ ویران کند و همه شهر ها را در هم بکوبد مطمئن باشید که قلب این مقاومت مردمی سکولار و آزاده مردمی پوتین را به جهانی پرتاب خواهد کرد که نه یادی و نه نامی از او جز نام هیتلر و همکار فاشیزم دینی اسلامی او بر جای نماند. پیروزی درخشان مردم اکراین و حذف پوتین پیش در آمد قیام مردم ایران و سرنگونی آخوند و اسلام در ایران خواهد بود نه پوتین نه هیچ فاشیست و ناسیونالیست کشور گشای دیگری قادر نیست مردم دانا و مبارز اکراین را سرکوب کند طلایه این پیروزی رادر آینده نزدیک بوضوح میبینم.

نوید اخگر

۱۳ ماه مارچ سال ۲۰۲۲ سوئد استکهلم

آقای بایدن خارج کردن سپاه پاسداران از لیست های تروریستی یک خودکشی است!



در اسلام بطور عام و اسلام خامنه ای و خمینی بطور خاص دشمنی با فرهنگ و سیاست غرب یکی از ضوابط غیر قابل تغییر است. آنچه که در طی ۴۳ سال از زمان بروی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی شاهد آن بوده ایم به این خاطر صورت پذیرفته که اسلام توان رویارویی و رقابت تسلیحاتی و اقتصادی و نظامی یا بهزیستی فرهنگی با غرب را ندارد و از برآوردن احتیاجات مردم ایران عاجز است برای سرپوش گذاشتن بر این ناتوانی دست به ترور کشتار گروگان گیری قتل و غارت و بوجود آوردن کشتار گران نیابتی در کشور های منطقه زده و خواهد زد.

آقای بایدن! اگر فکر میکنید که سپاه پاسداران قادر به گشودن درب های همکاری متمدنانه با شما و جهان است بایستی بر این استوار کنید که ابتدا توانائی رژیم اسلامی برای یک همکاری متمدنانه با مردم خودش در داخل ایران چقدر است؟ و پس از آنست که شما میتوانید بروی گشودن درب های همکاری سپاه تروریستی قدس با نیروهای امنیتی یا نظامی کشورتان یا منطقه خاور میانه حساب باز کنید.

شما نمیتوانید به سپاه پاسداران و آخوند های حاکم بر ایران اعتماد کنید و برای دموکراسی و حقوق بشر پایه ریزی نمائید. سامانه لیبرال دموکراسی غرب در کنار فوندامنتالیسم اسلامی تروریستی برگرفته از قرآن غیر قابل همکاری است.

فوندامنتالیسم زن ستیز ضد بشری اسلامی هیچ همگونی با لیبرال دموکراسی غربی ندارد

آقای بایدن اگر میخواهید بما بیاموزید که به اسلام و آخوند اعتماد کنیم و سپاه پاسداران را بر سر مردم ایران و منطقه بنشانید بشما باید بگویم که اشتباه میکنید به اعمال و رفتار آخوند و اسلام و سپاه پاسداران در ایران بنگرید در عرض ۴۳ سال دستگیری ها تا شکنجه ها در زندان ها تا کشتار ها سراسری چندین هزار نفری از جنگ افروزی تا شلیک به هواپیمای اکرائینی تا موشک پراکنی های روزانه که هیچ کس در هیچ موردی پاسخگو نیست . از سرمایه گذاری و بباد دادن میلیارد ها دلار اموال مردم ایران بر روی بمب اتم و انرژی هسته ای تا سرمایه گذاری بر روی گروه های جهادی اسلامی و گسترش تروریسم در خاور میانه که هیچگاه چون امروز جهان را بی ثبات و نا امن نداشته ایم . اگر میخواهید به سپاه پاسداران کشتار گر اعتماد کنید نگاهی به رفتار روزانه آنان بر علیه مردمان ایران بیندازید تا به این نتیجه برسید که ابتدا باید سپاه پاسداران این اعتماد را در میان مردم ایران کسب کند و دارا باشد تا بعد بتوان در امور بین المللی به آن اعتماد کرد و با شما به همکاری پردازد.

■ ساختار اسلامی تروریستی سپاه پاسداران برگرفته از تئوریه‌های کشور گشایانه اسلامی قرآنی علی خامنه ایست و بدین خاطر است که میتواند براحتی در کنار سیاست های جنگ طلبانه و نابود کنند و ایران بر باد ده روسیه و پوتین انجام وظیفه کند.



آقای بایدن! کشور افغانستان را پس از خرج میلیونها دلار و سالیان زحمت براحتی در دستان یک عده انسان عقب مانده اسلامی بنام طالبان وا نهاده‌اید و نتایج آنرا امروز بوضوح مشاهده میکنید کشوری با معادن سرشار و نیروهای جوان به عصر حجر عودت داده شده است که در هیچ زمینه ای حتی چراغ کم نوری را هم برای پیشرفت و آبادی افغانستان در دست ندارند و نیمی از جمعیت این کشور زنان از هر پیشرفت علمی فرهنگی ادبی محروم شده اند. شاید در جلسات خصوصی به این نتیجه رسیده باشید که جنگ اکراین و تضاد روسیه و چین در اهم اهمیت برای ایالات متحده قرار دارند ولی نشانندن طالبان بر قدرت از یک سو و سربرآوردن سپاه تروریستی پاسداران در روابط بین المللی زیر بنای هر چه دمکراسی و حقوق بشر در ایران و منطقه است را نابود خواهد کرد. از یک طرف سپاه قدس و پاسداران مشروعیت بین المللی پیدا میکند و از سوی دیگر میلیارد ها پول مردم محروم ایران را بعنوان ناز شست تروریستی موشکی در حمله به عراق و کردستان و عربستان و پایگاه های ایالات متحده در منطقه در دستان آخوند قرار میدهید.

فکر نمیکنم این اعمال حتی نیم گامی بسوی دمکراسی و آزادی و حقوق بشر در کوتاه یا دراز مدت در ایران و منطقه باشد و بطور کلی بر ضد منافع خود شما در آینده نیز عمل خواهد کرد.

نوید اخگر

۲۰ مارش سال ۲۰۲۲ سوئد استکهلم

آقای پوتین به دخالت های خود در ایران و منطقه خاورمیانه خاتمه بدهید!



امروز حوثی های یمنی بدستور پوتین و با چراغ سبز خامنه ای منابع نفتی و آبی عربستان را بمباران کردند تا قیمت نفت را روی ۱۲۰ دلار در بشکه رسانیده از سود سرشار آن منابع نظامی جنگ با اکراین را تغذیه نمایند.

در آوردن حوثی های یمنی از لیست گروههای تروریستی یعنی گذاشتن سلاح ها و نارنجک های ضامن کشیده و آماده شلیک در دستان خامنه ای و پوتین چراغ قرمزی که جو بایدن باید برای در آوردن سپاه پاسداران از لیست های تروریستی به آن توجه میکرد و امروز باید به سیاسیون امریکائی و جهان آزاد بگوید چقدر از جهان را میخواهد در آتش و خون حوثی ها و سپاه پاسداران فرو ببرد ؟

در روز های اول جنگ اکرائین و حمله روسیه به این کشور آزاد نو شتم که حتی اگر روسیه تمام نیروهای زمین هوائی دریائی خود را وارد این جنگ بکند و موفق به تسخیری شهری بشود باختش در این جنگ حتمی است و اکراین باتلاق نابودی پوتین خواهد گشت و اثرات منفی اقتصادی جنگ بر کل روسیه اثرات تاریخی خواهد بود.

معمولا در حملات حوثی ها به عربستان و یا تروریست های خاور میانه ای همه مینویسند که گروه های تروریستی اسلامی خامنه ای در حالی که همه برایشان جا افتاده است که ارباب خامنه ای و سپاه پاسداران شخص پوتین و امر بر او سپاه پاسداران است بدون چشمک و چراغ پوتین علی خامنه ای قدم از قدم بر نخواهد داشت و توصیه سگ زنجیری در مورد شیخ علی خامنه ای و سپاه پاسدارانش که دریای خزر را میبخشد و هستی ایران را برای پوتین به حراج میدهد موضوعی اثبات شده است

با آقای پوتین باید گفت: جنگ اکراین را باختی و پرستیژ و هستی روسیه را تاریخا به باد دادی حتمن در درون نیروهای نظامی و سویل روسیه افرادی پیدا خواهند شد که بتو یک جواب تاریخی بدهند. هیچ کشوری حاضر به همکاری با تو در آینده نزدیک و یا دور نخواهد بود هر چند خودت را در پشت شیخ علی خامنه ای و یا حوثی های یمنی مخفی کنی بدتر از صدام حسین و معمر قذافی به انتظارت هست.

پیروزی نیروهای اکراین بزودی محتمل است

نوید اخگر شاعر تبعیدی ایران

۲۶ ماه مارچ سال ۲۰۲۲ سوئد استکهلم

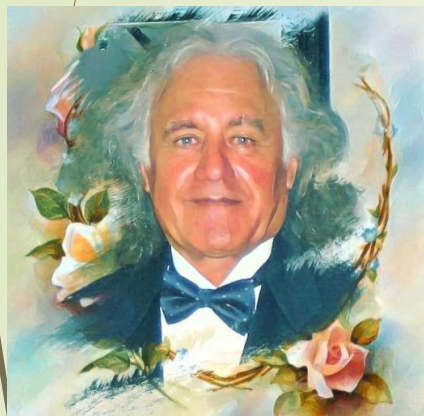
سپاه پاسداران و سپاه قدس در لیست گروه‌های تروریستی باقی باشند دست عوامل و سیاست‌های روسیه و پوتین از سیاست خارجی ایران کوتاه شود. از دیر بازو اساسا هیچگاه حضور شوروی سابق و روسیه کنونی در ایران خالی از تنش و درد سر برای مردم ایران نبوده چه برای سیاست‌های کلی داخلی و خارجی ایران و چه برای گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی کشور.

سیاست‌های شوروی سابق و روسیه کنونی در چهار چوب سیاست‌های استعماری نظیر قرار داد‌های گلستان ۲۵ اکتبر ۱۸۱۳ در دوران قاجار انجام شد که قفقاز، ارمنستان تمام مناطق غربی گرجستان در ساحل دریای سیاه و نیز چچن اینگوش به روسیه واگذار شد در مجموع ۱۴ ولایت همراه بخشی از تالش و نیز حاکمیت دریای خزر از دست رفت.

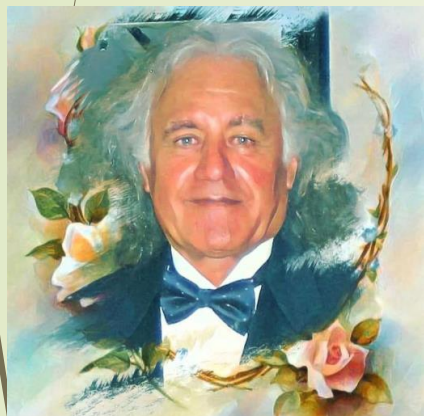
دقیقا ۱۵ سال بعد از قرارداد گلستان قرارداد ترکمنچای در دوران قاجار در سال ۱۸۲۸ در ماه فوریه بسته شد بر پایه این قرار داد استعماری سه ایالت دیگر قفقاز یعنی ایروان نخجوان و بخش‌هایی از تالش زیر سلطه روسها قرار گرفت حاکمیت ایران بر دریای خزر باز هم محدود تر شد و مردم ایران را مجبور به پذیرش کاپیتولاسیون کردند. عهد نامه ترکمنچای حدود ۳۰ هزار کیلومتر مربع از خاک ایران را به روسیه الحاق کرد یعنی ۲۰ هزار کیلومتر از ارمنستان امروزی، ۵ هزار کیلومتر مربع از خاک ترکیه شامل کوه‌های آارات بخشی از خانات ایروان و حدود ۵ هزار کیلومتر از جمهوری آذربایجان امروزی از ایران جدا شدند.

من قصدم تاریخ نویسی نیست چه بسا نویسندگان قبل از من بسیار فصیح تر و ریز تر و واکاوانه تر به این قضایا پرداخته اند من می‌خواهم بپرسم ذهنیت تاریخی ایرانیان چطور کار میکند کجا گول می‌خورد چه راحت از مسیر خودش بطرف ناکجا آباد منحرف میشود یعنی اینکه اینهمه اجحاف استعماری را مردم ایران دید یا ندید؟ گلستان و ترکمنچای و زخم‌های عمیق آن را مشاهده کرد؟ پس چرا در عرض مدتی کوتاه حزب توده به بزرگترین حزب سیاسی ایران با ریشه‌های عمیق در ارتش و سازمان‌های نظامی ایران تبدیل میگردد؟

حافظه تاریخی مردم ایران چقدر خوب کار میکند که حزب توده میتواند در تئوری ادعای نفت شمال را برای روسیه اعلام کند و روشنفکران و نویسندگان و شعرای ایران هیچ اقدامی نکنند و کلا به طرفداری از حزب توده بپیوندند؟ تا جایی که محمد رضا شاه در جایی میگوید: " امتیاز نفت شمال به روسیه به اندازه ای تند بود که ما خود را روبروی یک فرمان یافتیم"



اشغال بخش‌هایی شمال ایران و آذربایجان توسط قوای روس در جنگ جهانی دوم این فرصت را به استالین داد تا با طرح امتیاز نفت شمال حوزه نفوذ خود را در مقابل آمریکا و انگلستان افزایش داده و ادعا کند که حضور انگلیس و آمریکا در شمال ایران برای امنیت روسیه مخاطره آمیز خواهد بود ادعای اخیر روسیه در مقابل اکراین و طرفداری کهنه سربازان کاگ ب و چپ هپروتی ایرانی و نیز هواداران پوتین و آخوند ها از این تئوری. نقش کاگ ب در از هم پاشیدن سازمان چریک‌های فدای خلق و ضربه به مجاهدین:



فکر کنید که سازمان چریک‌های فدائی خلق بعنوان یک نیروی منسجم مبارزاتی در مقابل آخوندها موجود بود و حضور داشت و مثل جگر زلیخا بفرموده پوتین ها و کاگ ب به هفتاد و هفت پاره نشده بود ایا روسیه توان در مشت گرفتن آخوند ها را به فرم امروزی داشت؟ تصور کنید مسعود رجوی و سازمان مجاهدین گول کاگ ب را نمیخورد و در تضاد های آنروز دست ساز کاگ ب وارد نمیشد چه اتفاقی میافتاد؟ امروز در تحلیل های سیاسی همه میگویند آمریکا مطامع بلند مدت و استراتژیک خود را فدای ارتباطات کوچک خود نمیکند. در بعد از انقلاب همه میدانستند که اکثر ارشو های ساواک بدست مجاهدین افتاده است و سفارت روسیه از مجاهدین میخواهد که پرونده سرلشگر مقربی از جواسیس شوروی را که بدست رژیم گذشته اعدام شده را به آنان برساند تا انها روسیه و کاگ ب در عوض نام و نشانی امریکائی ها و جواسیس غربی را در اختیار آنان قرار دهند.

اینها همه در چهار چوب مبارزات ضد امریکائی و ضد امپریالیستی رقم میخورد که مجاهدین به آن معتقد بودند. آیا هیچ کس از جمله مسعود رجوی به این بده بستان بین یک سازمان کوچک تازه پا گرفته مجاهدین و یک ابر قدرت نظامی نباید شک کند؟ همانطور که بعد ها هم مشخص تر شد حزب توده و اکثریت همه را لو میدهند چرا خود کاگ ب این اسناد را در دست آخوند برای ایجاد تضاد در داخل ایران قرار ندهد؟ یعنی در اساس خود شیرینی برای اخوند و اعدام محمد رضا سعادت و بهم ریختن اوضاع داخلی همانطور که بر روی سازمان چریک‌های فدائی خلق و صد تیکه کردن آنها عمل کردند.

جنايات روسيه و پوتين بر عليه مردم اکراین درس تاریخی است برای آنان که هنوز خود را زیر چتر حمایتی پوتین میبینند و از آخوند غیر مستقیم حمایت میکنندگاهی بر قفای وقایع اخیر و نیز تاریخ ایران و فجایعی که روسیه بر سر ایران آورده کافی است.

نوید اخگر ۱۰ ماه آوریل سال ۲۰۲۲ سوئ استکهلم

خروسخوان دومین شکست فاجعه بار پوتین در اکراین

در شروع حمله پوتین به کشور مستقل اکراین نوشتیم که شکست پوتین در اکراین بدون تردید به یک فاجعه برای کل روسیه و تاریخ آن مبدل خواهد شد و پوتین در این باتلاق خود ساخته دفن خواهد شد

پوتین تصور میکرد که با ورود ارتش روسیه به اکراین مردم سلاح هایشان را بر زمین گذاشته زمین ادب بوسیده و کشور را مانند آخوند های ضد ایرانی دو دستی تقدیم تزار جدید روسیه خواهند کرد دیدم که نشد و پوتین با دادن کشته های فراوان و نابودی تانک ها و هواپیماهایش در مقابل مقاومت تاریخی مردم شریف اکراین قرار گرفت و ادعا های مضحک پوتین مبنی بر قدرت در دست فاشیست های آن کشور قرار دارد به یک مضحکه بین المللی تبدیل گردید.

فاز دوم جنگ با عقب نشینی روسها و پوتین همراه تجاوز و کشتار شهروندان بی گناه اکراینی و دفن آنان در گورهای دسته جمعی آغاز گردید و با حملات شدید و بمبارانهای بی وقفه بخش های دیگر این کشور ادامه یافت که به نظر اکثر تحلیل گران بی طرف باتلاق پوتین و روسیه چه به لحاظ عمق تاریخی و چه در پهنای استراتژیک و اقتصادی و بین المللی آن بی نظیر است. پوتین در ابتدای حمله وحشیانه خود به مردم اکراین خطاب به جهان و با چرخاندن بمب های اتمی در دور سرش نسق میگرفت و غیر مستقیم میگفت هر کس کوچکترین دخالتی در این جنگ بکند سرو کارش با این بمب هاست.

وضعیت جنگ را در مرحله اول مقاومت دلیرانه مردم اکراین تعیین تکلیف کردند که به شکست محرض پوتین و خفت تاریخی روسیه انجامید ولی امروز جهان چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ نظامی در پشت اکراین قرار گرفته و اکثر تحلیل گران مستقل معتقد هستند کار پوتین بدرجات از مرحله نخستین جنگ سخت تر شده است و امکانات نظامی او اکراین بدرجات بهبود یافته است یعنی اگر حتی روسیه به تسخیر بخشهایی از اکراین نائل آید نخواهد توانست با مقاومتی که در مقابل او شکل گرفته آن زمین ها را در اختیار گرفته در دراز مدت آنجا بماند.

وضعیت جنگ اکراین و روسیه دامن آخوند را گرفته و در آینده اگر نتواند خود را از این ورطه فرو رونده که با سیاست و استراتژی پوتین برای



آخوند ها رقم میخورد خود را برهاند در همین باتلاق پوتینی دفن خواهد شد مسئله برجام همانند بسیاری از سیاست های آخوند های جنایتکار در گروگان روسیه است فروش نفت فروش گاز استخراج نفت و گاز دریای خزر و حتی نفس کشیدن آخوند در بخش های دیگر اجتماع از کرم‌لین دیکته میشود. در گذشته حزب توده از شعار حکومت شاه سگ زنجیری امپریالیسم امریکا استفاده میکرد نمیدانم چرا تحلیل گران سیاسی حزب توده و وابستگان و دلبستگان آنان قلم ها را غلاف کرده و سگ های زنجیری امروز را شناسائی نمیکند؟.

اقتصاد ورشکسته رژیم که مردم نان شب ندارند بخورند و آخوند مخبط و کشتار گر رئیسی از همه سئوال میکند که بشما نهار دادند گوئی ایران یک سرو سرویس سراسری است که به همه روزانه نهار میدهند یعنی نمیداند که در سفره های مردم نان خشک هم پیدا نمیشود و کسی نهار آماده برایشان ندارد. و یا با وضع مشقت بار اقتصادی خانواده ها دکتر سرتیپ خلبان ریاست عالییه مجلس کودنهای اسلامی بچه طرربه مشهد سردار قالیباف اهل منزل را برای خرید سیسمونی بچه به ترکیه روان میکند در حالی که آگاهان سیاسی معتقدند موضوع سیسمونی نیست بلکه پخش مقداری وجه نقد در بین نیروهای جهادی بوده که از گروگان گیری افراد انگلیسی حاصل گشته و تقاضای پیوستن و بسیج آنان را به جهاد پوتینی در اکرائین دارد و بسر سیسمونی نوزاد تخلیه گشته است و در کنار همه اینها وضع انفجاری جامعه را در نظر بگیرید که مثلاً کارگران بازنشستگان و یا معلمان روزانه شعار میدهند رئیسی قالیباف این آخرین پیام است جنبش فرهنگیان آماده قیام است در باتلاقی که آخوند خامنه ای دست در دست پوتین دارند به قعر فرو میروند تصویری روشن از آینده ایران آینده است. موشک پرانی های جهادی بسیج مسلمانان برای جنگ پوتین اگر راهگشا بود حداقل میتواندست به شخص و شخصیت شکسته شده پوتین که با چند ماه قبل از جنگ تفاوت های ماهوی عظیمی دارد کمک کند.

باتلاق آماده برای بلعیدن نیروهای جهادی و پوتین و آخوند های ضد ایرانی در سراسر جهان هر روز آماده تر میشود، روسیه با کنار گذاشتن پوتین هرچند که نمیتواند در سطح بین المللی کمر همچون گذشته راست کند ولی مطمئن هستم که میتواند از خونریزی تزار و همکاران مسلمان و آخوند آنان جلوگیری نماید پیش بسوی حذف پوتین از راس قدرت

نوید اخگر



آقای اسفندیار منفرد زاده آقای پرویز پرستویی و خانم خیر اندیش در آوردن سپاه پاسداران از لیست تروریستی یک حرکت ضد ملی و ضد مردمی است



خبر کوتاه بود ولی با شکستن های بیشمار همراه بود

پرویز پرستویی و خانم خیر اندیش بدعوت نایاک دست پشت پرده وزارت خارجه رژیم جمهوری اسلامی برای خون شوئی پول شوئی اسفالت کاری برای تروریسم دولتی و زمینه سازی برای قاچاق مواد مخدر و ایادی رژیم به امریکا سفر کرده بودند که آقای اسفندیار منفرد زاده هم برای حمایت از اینها از سوئد خود را به مجلس رسانده بودند

بعضی میگفتند به دعوت رسمی از آقایان و خانم ها برای اجرای پیش پرده حمایت از سپاه پاسداران و قاسم سلیمانی سردار شهید! من در سالهای گذشته و با درخواست اسفندیار منفرد زاده در برنامه های تلویزیونی برای موضوعاتی از قبیل بزرگداشت سعید سلطانپور یا واقعه سیاهکل شرکت کرده بودم که متوجه موضع گیریهای اسکیزوفرنیک آقای منفرد زاده شده بودم تا جایی که در یکی از این برنامه ها با حضور آقای نادر ثانی از سازمان چریکهای فدائی اشرف دهقانی آقای منفرد زاده مرتب از خطوط استحاله حمایت میکرد و معتقد بود سعید سلطانپور اگر در اول انقلاب بدست رژیم کشته نمیشد حتمن جزو اصلاح طلبان و رفرندام چیان میشد. ویدئوی این برنامه بر روی یوتوب موجود است.

در جای دیگری من نقدی داشتم به آقای نعمت میرزا زاده شاعر عضو انجمن جهانی قلم و سخنگوی آنزمان کانون نویسندگان در تبعید که با خبرگزاری ایستنا رژیم مصاحبه کرده بودند من با نقد ایشان پرسیده بودم آخر این چه کانون نویسندگان در تبعیدی است که اعضا و یا سخنگویش با ارگانهای رژیم مصاحبه انجام میدهد؟ (در تبعید را بگذارید در کوزه آبش را بخورید از آنزمان من نام کانون نویسندگان را به حای در تبعید در تقریب مینوشتم). آقای منفرد زاده سریعاً به من تاختند و به ماله کشی بسود آقای نعمت میرزاده پرداختند و گفتند که اگر رژیم جمهوری اسلامی برای ایشان هم میکروفونی و کانالی تهیه نماید به مصاحبه با آنان خواهیم پرداخت.



آقای منفرد زاده در مورد ترانه شبانه و اینکه در آن ترانه کسی نمیگوید سیاهکل با خشم و انقباض صورت به من در سالهای دور جواب میدادند ولی امروز خود را هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق معرفی میکنند در صورتی که اگر هم ارتباط ایشان را با آقای مصطفی شجاعیان قبول کنیم ایشان بعنوان یک مبارز محترم و منفرد ربط به سازمان نداشته اند و گفته های آقای منفرد زاده در مورد هواداری از سازمان چریکهای فدائی بی مورد است زیرا پس از کوتاه مدتی که ایشان دستگیر و زمان شاه زندانی شدند بطور آگاهانه از حمایت از مبارزات قهری خود را کنار کشیده و نافی سیاهکل شده بودند و بعد به جرگه حمایت از استحاله و خاتمی بعد از انقلاب و پخش ترانه محمد با صدای فرهاد که یک فاجعه تاریخی را برای هنر و ادبیات ایران با کمک شعر سیاوش کسرایی رقم زدند شناخته میشدند.

محمد والا پیام دار

در تنگ پر تبرک آن نازنین عبا

دیرینه ای محمد

جا هست بیش و کم

آزاده را که تیغ بر کشیده است بر ستم

این ترانه درست در موقع ورود خمینی به ایران منتشر شد و مبارزین ضد فاشیسم اسلامی را خجالت زده کرد و سالهای بعد هم توسط آقای منفرد زاده به دفعات در برنامه های تلویزیونی خودشان پخش کردید.

پیوستن آقای منفرد زاده امروز به هواداران سرداران سپاه از قاسم سلیمانی تا سردار قالیباف و حمایت های بی شائبه آقای پرویز پرستویی از آنان در زمانی که طرح نگه داشتن سپاه پاسداران در لیست های تروریستی بصورت حاد در امریکا و جامعه جهانی عمل میکند و همه خواستار بایکوت و تحریم کردن سپاه پاسداران هستند گربه رقصانی پرویز پرستویی با حمایت اسفندیار منفرد زاده و مواضع سالیان گذشته اش فضا را روشن تر از هر وقتی در پیش روی ایرانیان مبارز قرار میدهد.

فاجعه بار تر از همه اینکه دست در آمده از آستین سپاه پاسداران آنهم در لوس آنجلس به یک فرد منتقد حمله میکند و ضرب و شتم فیزیکی می انجامد یک بی حرمتی توسط آقای پرویز پرستویی به تمام ایرانیان و مبارزین خارج کشور که میبایستی از طریق ارگانهای حقوقی و بصورت تاریخی این بی احترامی به تمام ایرانیان خارج کشور دنبال شود



آقای بایدن روسای جمهور نخست وزیران اروپا و جهان چرا در قبال کشتار و گرسنگی مردم ایران سکوت میکنید؟

چهار روز از قیام مردم گرسنه ایران در مقابل آخوند ها و حکومت جمهوری اسلامی میگذرد تمام روزنامه های ایران که وابسته وزارت اطلاعات و ارگانهای امنیتی آخوند ها هستند در سکوت کامل بسر میبرند

وزارت اطلاعات ضد مردمی و کشتار گر رسما به روزنامه ها دستور حذف و سانسور اخبار قیامها را داده است و نمایندگان مجلس ارتجاع هم جوابی در مورد خیرش و قیامهای گرسنگان در اختیار مردم ایران و جامعه جهانی نمیگذارند.

آقای بایدن! آیا هنوز هم میخواهید جسد برجام را از قبر بیرون کشیده و روح زندگی به آن ببخشید؟ و با پمپاژ میلیارد ها دلار در رگ و ریشه آخوند های در حال سقوط این جانیان تروریست را سر پا نگه دارید؟

هر روزه شهر های مختلف در ایران به سیل قیام کنندگان به شهر های مختلف این کشور میپیوندند و هر روزه بگوش میشنویم که تعدادی زخمی و یا کشته میشوند و سانسور اینترنت و روزنامه های داخل ایران هنوز در مورد اسرائیل و فلسطین مینویسند.

صدای هنرمندان هم از داخل و خارج ایران برای حمایت از مردم گرسنه و سرکوب شده این کشور بگوش نمیرسد و بخشی از سلبیبریتی های حکومتی برای قاسم سلیمانی در کنار نایاک سینه چاک میدهند؟

ایرانیان در سراسر جهان و در کشور هایی که مقیم هستند با نوشتن نامه به وزارت های خارجه و روسای دولت کشورشان اعتراض خود را به سرکوب قیام کنندگان و گرسنگان ایران به گوش جهانیان برسانند.

این رژیم منحوس اسلامی در حال سقوط از ریختن خون جوانان و مردم ایران ابائی ندارد و بایستی با اعتراضات و تظاهرات های مختلف در شهر های اروپا و امریکا به حمایتشان شتافت.

خانم ماگدالنا اندرسون نخست وزیر محترم سوئدبدین منظور نظر شما را محترما به حمایت از قیام گسترده مردم ایران جلب کرده تقاضا میکنم به اقدامات عاجل جهت یاری رساندن به مردم سرکوب شده و گرسنه ایران دست یاری دهید.

نوید اخگر ۱۵ ماه می سال ۲۰۲۲ میلادی

در راستای تظاهرات های سراسری اعتصابات سراسری شرکت نفت و عموم مشاغل یک الزام سرنگونی است



چهل و سه سال آخوند و اسلامش خوردند و چاپیدند و بردند و سفره های مردم ایران را به نفع پروار شدن حسن نصرالله لبنان و غزه و مفت خوران در فلسطین روبیدند امروز سپاه قدس و سپاه پاسداران به یک گروه مفنگی قاچاقچی بین المللی و ترور کننده مردم مبارز و آزادیخواه ایران تبدیل شده که نه تنها جان مردم ایران را در زیر فشار فقر و مسکنت اقتصادی و سرکوب و کشتار از بین برده و میبرد که با پخش مواد مخدر در ایران در عراق و منطقه و کشور های جهان تبدیل گردیده است و برایش مهم نیست که چه بر سر انسانها آورده و میآورد (زیرا ایران و جهان جزو غنیمت های اسلام عزیزشان است) که با تبدیل کردن ایران و جهان به یک مذبله ترور و کشتار و مواد مخدر و سرکوب و بمب اتم و گروگانگیری و تروریسم تغییر شکل داده و خواهد داد. در همین راستا کارگران و زحمتکشان ایران را در بخشهای دولتی و خصوصی و غیرو به پادو های این جنایت پیشگی کشانده است و بیش از ۶۰ میلیون ایرانی در کشور ثروتمند ایران را به یارانه بگیران اسلامی تحقیر و بی آیندگی و بی هویتی و خودکشی و مرگ سوق داده در حالی که آقا زاده هایشان در کشور های خارجی از بهترین امکانات برخوردار هستند و برای سیسمونی بچه بدنیا نیامده قالیباف با یک تیم خرید به ترکیه سفر میکنند در حالی که مردم گرسنه ایران نان خشک و خالی هم از سفر هایشان رخت بر بسته است.

برای تغییر این رژیم تباه کننده و کشتار گر اگر چه تظاهرات های گسترده و سراسری یک امکان است ولی اگر این اعتراضات به سلاح اعتصابات شرکت نفت و محافل اقتصادی دولتی و کشوری تبدیل نگردد راهگشای سرنگونی نخواهد بود و کم و زیاد مردم را با سرکوب های متمد روانه خانه هایشان و کشتارگاه های اسلامی میکنند پس اقدام برای اعتصابات گسترده سراسری را به یک الزام تاریخی برسمیت بشناسیم و در جهت اقدام و سازماندهی آن برآئیم.

با درود به مردم آزادیخواه و مبارز ایران نوید اخگر ۲۹ می ۲۰۲۲

بردن پرونده هسته ای فاشیزم اسلامی به شورای امنیت شکست استراتژی اسلام است



رژیم اسلامی علی خامنه ای بر روی حمایت روسیه و چین کوک کرده است تا پرونده هسته ای را نگذارد به شورای امنیت برود در صورتی که تمامی منابع بین المللی معتقدند دستان روسیه و چین در این مورد بسته است و حتی وجود یک کشور در شورای امنیت میتواند مکانیسم ماشه را فعال کند و یا فقط ۲۴ رای از ۳۵ رای اعضای آن شامل پرونده هسته ای شود تا دستان چین و روسیه را بسته پرونده رژیم اسلامی را به شکست کشانیده مکانیسم ماشه را فعال نماید و همه تحریم های فلج کننده را بسوی آخوند های نالایق و بی خرد و بی کفایت اسلامی روان کند که تا همین امروز نان را هم از سفره مردم ربوده اند. یا مردم را ۳۰ هزار ۳۰ هزار بر سر دار ها میکشند یا در یک شب ۱۵۰۰ نفر را در خیابانها به خون میکشند و یا با دست کارگزارانشان صد ها نفر را در زیر آوار ساختمانهای پوشالی خود در آبادان مدفون میکنند.

مقابله بین المللی غرب با تروریسم اسلامی بعد از جنگ اکرائین و تهاجم تزار جدید روس پوتین به کشور آزاد اکرائین مسئله برجام را نیز گروگان گرفت و بازی های پوتین و باج خواهی های آخوند ها برای آزادی

ارگان تروریستی نظام یعنی سپاه پاسداران خوشبختانه راه بجائی نبرد. سپاه قدس و سپاه پاسداران پشت میله های زندانی بین المللی در حبس ماند آنچه که پوتین از آخوند خامنه ای امروز طلب میکند به آشوب کشیدن منطقه همراه جنگ های نیابتی در خاور میانه است تا بتواند فوکوس غرب را از روی روسیه و فجایعی که بر روی اکرائین و بر سر مردم آن کشور میآورد به نقطه دیگر جهان معطوف نماید اما خیزش های مستمر مردم مبارز ایران امان آخوند های حاکم بر ایران را گرفته زیرا مردم نان میخواهند آزادی میخواهند آنهم با شعار هائی که در نوع خود تاریخی و بینظیر است مانند توپ تانگ فشفسه آخوند باید له بشه یا توپ تانگ فشفسه آخوند باید کشته شه به زبانی دیگر هر چقدر که دولت و خامنه ای در گیر تظاهرات ها اعتراضات و اعتصابات سراسری مردم ایران بشوند نخواهند توانست به دستور پوتین در جنگ های منطقه ای برای در بردن تزار جدید روس از منجلابی که در آن گرفتار آمده است فعال باشند. رفتن پرونده هسته ای رژیم به شورای امنیت همانطور که از بدو فعالیت های هسته ای رژیم در سالهای گذشته نوشتیم: ((پروژه هسته ای طناب دار رژیم خواهد شد و اسلام و ارتجاع آخوندی را هم با خود خواهد برد))

نوید اخگر هفتم ماه جون سال ۲۰۲۲ سوئد استکهلم



■ ننگ بشریت در همدستی با تروریست های محکوم شده بلژیک و از بین بردن امنیت در غرب

تروریست هائی در سوئد دستگیر میشوند بدون محاکمه بخاطر منافع ملی آنرا را به نزد آخوند ها میفرستند همان تروریست ها مجدداً به اروپا باز میگردند و فاجعه میکونوس را میآفریند که دادگاه آلمان پور محمدی وزیر اطلاعات علی فلاحیان ولایتی علی خامنه ای و رفسنجانی را متهم به این ترور میکند. در جلسه میکونوس گویا وزیرای سوئد و نیز تعداد دیگری میبایستی شرکت میکردند که شرکت نمیکنند و کاظم دارابی متهم قتل پس از ۱۵ سال از زندان آزاد میشود. همین قضایا در فرانسه نیز بخاطر منافع ملی شان صورت گرفته و تروریست های رژیم را آزاد کردند و ترور ها ادامه یافته است. دیپلمات تروریست رژیم اسلامی اسدی و سه نفر از همدستانش برای کشتار وسیع با بمب در دست دستگیر میشوند و به بیست سال حبس و تعدادی به کمتر محکوم میگردند و امروز دولت بلژیک باز بر مبنای منافع ملی قصد استرداد این تروریستها را به ایران دارد. آنچه از شواهد بر میآید این برنامه ضد مردمی ضد حقوق شهروندی و بر مبنای خالی کردن زیر پای دموکراسی و امنیت اروپا در غرب صورت میگیرد چه در گذشته هم شاهد بوده ایم که باز گذاشتن دست تروریست های رژیم اسلامی در اولین قدم امنیت ایرانیان در سراسر جهان و نیز شهروندان غربی را هدف قرار میدهد و به رژیم خونخوار اسلامی ارفاق میکند که راحت تر بکشد و ترور کند و آزاد شود. یک مقاومت سراسری گسترده در مقابل این اجحافات ضد بشری به حقوق شهروندی در بلژیک و دیگر کشور ها باید سوخت رسانی را به سامانه ترور اسلامی قطع کند و در افشای این همیاری با آخوند تروریست و نظام اسلامی ضد بشر کارساز باشد این همیاری با تروریست های بمب بدست اسلامی ننگ بشریت متری و همیاری با گشتاپوی اسلامی است که جان شهروندان غربی را نیز هدف قرار داده است.

نوید اخگر

۲ ماه جولای سال ۲۰۲۲ میلادی سوئد استکهلم

بن بست آخرین بین المللی یا زهر خوردن نظام اسلامی



زمانی که رفسنجانی اعلام کرد که اگر اسرائیل چند بمب اتم را روی ایران بکار بگیرد باز هم نخواهد توانست تمام ایران را نابود کند و ادامه داد، اگر نظام اسلامی یک بمب اتم بر روی اسرائیل بیندازد تمام اسرائیل نابود خواهد شد بدون اینکه رفسنجانی تئوریسین آنزمان اسلام عزیز توجه داشته باشد که تمام فلسطینیان مورد حمایت نظام مقدس هم با آن بمب اتم پودر خواهند شد. در همان زمان به قلم نگارنده و در مقالات متعدد نوشته شد که ساختن بمب اتم و فعالیت در زمینه هسته ای بعلت شرایط منطقه ای تروریسم و کشور گشائی های اسلامی انرژی هسته ای طناب دار رژیم اسلامی خواهد شد.

۱۸ سال مخفی کاری های اتمی و افشای مستمر تروریسم اسلامی در کشور های مختلف تا امروز که به برچیدن دوربین های آژانس بین المللی انرژی هسته ای توسط آخوند در ایران انجام شده گره این طناب دار با تحریم های بین المللی سفت تر و سفت تر شده و ادامه تحریم ها امکانات رژیم را در عرصه های مختلف اقتصادی سیاسی و بین المللی سخت تر نموده و اسلام ناب محمدی در گوشه رینگ نفس های آخر را میکشد و رژیم علی خامنه ای بین ادامه مسیر غنی سازی و ادامه مخاصمات بین المللی و انبار کردن موارد هسته ای و نوشیدن جام زهر مخیر گشته و نظام مبتنی بر سپاه پاسدارانش در جنگ های منطقه ای و سرکوب و و کشتار بی وقفه مردم سراسر ایران و سرکوب بیش از پیش زنان برای حجاب اجباری به پیش میتازد.

علی خامنه ای در میان یک کیش مات تاریخی در صفحه شطرنج سیاسی ایران گیر کرده است. غنی سازی را ادامه دهد به یک تضاد آنتاگونیستی با جامعه بین المللی و اسرائیل که موجودیت خود را در خطر میبیند خواهد رسید و اگر هم به قوانین بین المللی گردن بگذارد و مثل قذافی تسلیم شود کل ساختار سیاسی آن از هم فرو خواهد پاشید و حتی خودی های علی خامنه ای و رژیمش خواهند پرسید چرا در چند دهه گذشته با جامعه بین المللی همکاری نکرده و باعث میلیارد ها خسارت مالی و رساندن مردم ایران به فقر مطلق شده است؟



■ امروز آخرین التیماتوم های جامعه بین المللی را بر علیه رژیم ورشکسته اسلامی می‌شنوند که بعنوان واکسی کفشهای کرم‌لین از طرفی و به عنوان بنجل جمع کن چین انجام وظیفه میکند مردم آگاه شده اند و قیامهای روزانه و سراسری مردم غیور و دلیر ایران فریادشان رسا تر و خواست هایشان واضح تر بگوش میرسد. به نظر نگارنده سقط کردن یک راس تروریست اسلامی بنام الظواهری یک سیگنال قوی به رژیم منحوس آخوندی هم بود آنهم در چنین مقطعی که اروپا و امریکا دست رد به سینه آزادی تروریست های محکوم شده ذر اروپا سوئد و بلژیک می‌زنند و سپاه پاسداران را رد لیست های تروریستی نگه میدارد علی خامنه ای و نظام اسلامی بن بست استراتژی خود را به عیان تماشا میکند که ساخت بمب اتم یعنی طناب دار رژیم اسلامی بود با ابزار سیاسی با رژیم جمهوری اسلامی همچون افریقای جنوبی زمان آپارتهاید برخورد کنید و تحریم ها اقتصادی ورشکستگی اسلام متحجر از دور خارج شده را نشان میدهد

مردم ایران آزادی دموکراسی و فضای باز برای رشد فردی و اجتماعی میخواهند آنان که در چنبره اسلام و بستن سر و کله زن ایرانی در لچک و چاقدر و کوبیدن تاریانه بر پیکر نحیف این زنان با آیات آخوندی قرآنی میکنند زمانشان بسر آمده زن ایرانی باید پیشتاز و نمونه خاص یک جامعه مدرن و آزاد باشد نپذیرفتن اصول آزادی و دموکراسی برای مردم و بستن دم حرکت جامعه به (آخوند فکری) و اسلام و قرآن به حذف نیروهای متحجر قشری اسلامی در لباسهای مختلف الشکل باعث حذف آنان از صفحه تاریخ خواهند شد. هر چند که زمان آن مانند رسیدن به بمب اتم آخوندی مدتی به درازا بکشد نوید اخگر

سوم ماه آگوست سال ۲۰۲۲ سوئد استکهلم



تبریک به سران اروپا و امریکا برای نشست و درخواست های دوستانه با مقام معظم رهبری و سپاه پاسداران ایران.

در خبر ها آمده که سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی که توسط خمینی برای نوشتن این کتاب بمرگ محکوم شده از طرف فردی که لباس سپاه پاسداران بر تن داشته مورد حمله تروریستی واقع شده و با کارد به وی حمله کرده و گردن وی را مجروح کرده است رشدی بلافاصله با هلیکوپتر به بیمارستان منتقل شده آگاهان مطلع اظهار داشته اند که حال وی اساسا خوب نیست ولی هنوز خبری از شدت وخامت حال این نویسنده که در ایالات متحده قصد سخنرانی داشته داده نشده. اینها و تمام حملات و جراحات آینده وارد آمده به مردم ایران و نخبگان خارجی با تائید سران مماشات گر اروپا و امریکا رقم میخورد.

چند هفته قبل هنوز جوهر حکم تروریست های اسلامی در بلژیک خشک نشده بود که دولت این کشور با بی آبرویی کامل قصد آزادی تروریست خودش را داشت که نتیجه اش میشود حمله امروز به سلمان رشدی. تا رژیم جمهوری اسلامی هست خون مردم ایران مبارزین سایر کشور ها سنگفرش خیابانهای جهان را رنگین خواهد کرد

آقای بایدن! به مماشات خود با آخوند های جانی خاتمه دهید و سند صدور مجوز کشتار و ترور مردم را بنام برجام(کشک) بدست سپاه پاسداران و کشتار گران جانی علی خامنه ای ندهید، آن را پاره کنید و این همه بی آبرویی تاریخی را از خود و مردم شریف ایالات متحده دور نمایید.

نوید اخگر شاعر و نویسنده تبعیدی ایران

تاریخ ۱۲ آگوست سال ۲۰۲۲ سوئد استکهلم

زنان مجاهد کجا ایستاده اند؟

زنان ایران در یک حرکت انسانی - تاریخی گیسوان زیبای خویش را میبرند لچک های اسلامی را میسوزانند و مانتو های نفرت انگیز آخوندی را به شعله های آتش میسپارند ، زنان مجاهد کجا ایستاده اند؟

ایران احتیاج به یک همبستگی ملی دارد که در سطح کشور رسماً و علناً به ظهور پیوسته است، ایران احتیاج به دستورات تشکیلاتی اسلامی برای پوشاندن زنان ایران و برگرداندن آنان به نیم قرن قبل ندارد. زنان مجاهد در کجای تاریخ بیتوته کرده اند؟

بارها گفته و خوانده شده که پوشیدن سر و موی زن در هیچ آیه ای از قرآن نیامده است. اگر آخوندی مرتجع و ضد زن چنین فتوا هائی را صادر کرده آیا این حق زنان مدرن و پیشرو ایران نیست که امروز بر علیه این فتوا های مرد سالارانه بر پای خیزند و برای آزادی خویش لچک ها و قبا های اسلامی خویش را بدست آتش بسپارند؟ و در جلو حتی دستورات تشکیلاتی ضد زن که دستور لچک و پوشش اسلامی را میدهد بپای بخیزند؟ این حق زنان تشکیلات مجاهدین است که بمردم ستم دیده ایران بپیوند و خود را تافته جدا بافته ای از این زنان زجر کشیده که لچک های خویش را میسوزانند ندانند .

مسعود باید همچنان که در گذشته توانست جلو شعار رفندام رفندام این است شعار ملت! بایستد تا امروز همراه مردم به انقلاب سلام کند. یا توانست جلو حکومت اسلام دمکراتیک بایستد و از آن بگذرد، و حکومت سکولاریستی را جزو پروژه شورای ملی مقاومت گرداند، اگر توانست از گذشته گرائی آخوندی جدا شود باید بتواند از لچک و حجاب عقب مانده و اسلامی آخوند ها که حجاب را جزو محکومات تغییر ناپذیر زنان جا انداخته بودند بگذرد و آنرا بدست خود زنان که هیچگاه توان فتوا صادر کردن برای زندگی خویش را نداشتند و گذار کند تا زنان سازمانش بتوانند همراه مردم انقلابی ایرانی لچک اسلامی را از سر بگیرند و نسیم انقلاب را در پیرهن ایدئولوژیک شهر جاری کنند. زمان خیلی زود دیر میشود ندای انقلاب مردم و بخصوص زنان انقلابی ایران را باید شنید

نوید اخگر

در هفتمین روز انقلاب زنان ایران سال ۱۴۰۱

برابر با ۲۴ سپتامبر سال ۲۰۲۲ میلادی



ترفند جدید رژیم خامنه ای برای فرار از سرنگونی رفرندام است



بمب ساعتی دانش آموزی هم که یکی از خطرناک ترین بمب های ویرانگر اجتماعی بر علیه رژیم فاشیزم اسلامی است پای به میدان گذاشته است. ورود دانش آموزان به صحنه نبرد بر علیه رژیم که عملا کل خانواده های ایران را به میدان رزم ضد دیکتاتوری اسلامی آخوندی خواهد کشاند روزانه خود نمائی میکند.

رژیم در سرانشیب سقوط به ترفند های متعددی در سطح داخلی و بین المللی دست خواهد زد که از آن جمله ترفند رفرندام است. مردم ایران آگاه هستند که هر نوع عکس العملی در زیر دید نیروهای سرکوبگر و همکاری با آن برای برگزاری رفرندام و یا رای و رای کشی زیر دید فاشیزم اسلامی وزارت اطلاعات و ارگان های سانسور و سرکوب و تقلب و دزدی و صندوق عوض کردن که کار ۴۳ ساله آخوند و نیروهای اطلاعاتی و کشتاگر آنها بوده راه بجائی نخواهد برد حتی اگر کل سازمان ملل هم بیاید و بخواهد خود این رفرندام را در ایران ایجاد کند چز شکست و یاری بر رژیم اسلامی نخواهد بود. در سالهای گذشته این ترفند را یکبار دیگر رژیم در دستور کار قرار داد و حتی مجاهدین و شورای ملی مقاومت آنان را هم در این کارزار گول زد و آنان پای در این امر کثیف و این بحران ضد مردمی نهادند که پس از افشاگری های من و ما با فرستادن مهدی ابریشمچی و محمد علی جابر زاده بر روی آنتن تلویزیون با عذر خواهی پای پس کشیدند ولی هیچکس فراموش نمیکند توهین های سخیف آنان را بر علیه مخالفین رفرندام برای نگه داری رژیم بر سر قدرت. امروز مجددا این شعار رفرندام از طرف دانشجویان در داخل ایران بگوش میرسد و من شک ندارم که رژیم در حال سقوط به چنین ترفندی و کشاندن شعار سرنگونی به رفرندام و تعویض آن با سرنگونی دست یازیدن باشد که در مرحله ای بتواند با تقلب و دزدی همانطور که ۴۳ سال رای رای کشی برای بر کرسی نشاندن مهره های خود را به منصفه ظهور رساند خود را از سرنگونی برهاند از نیروهای حوان و دانشجویان و دانش آموزان و نیروهای سیاسی تقاضا میکنم به دام های رژیم نیفتند و تنها بر ریسمان سرنگونی چنگ بزنند و شعار سرنگونی را به هیچ شعار دیگری تقلیل ندهند سرنگونی نزدیک است آخوند باید گم بشه و فاشیزم اسلامی باید نابود گردد تا سایه دموکراسی و آزادی بتواند بر ایران گسترده گردد.

نوید اخگر

پنجم ماه اکتبر سال ۲۰۲۲ سوئد استکهلم



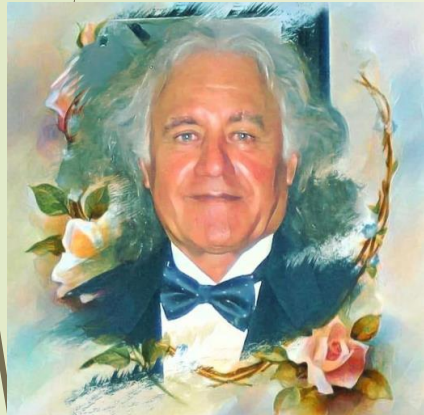
چرا این انقلاب فرهنگی است؟

در یک انقلاب فرهنگی نیروهای اجتماعی پایه های مذهبی ارتجاعی و عقب مانده گذشتگان و یا گذشته جامعه خود را به چالش میکشند بطور عملی آنچه در امروز می بینیم مانند سوزاندن لچک و یا پوشش اسلامی که فرهنگ تحمیلی و گذشته گرای یک جامعه را نمایندگی میکرده است و یا در شعار ها و عملکردهای روزانه هیچ خبری از شعارهای اسلامی الله و اکبر و وصل به نماد های مذهبی اسلامی سینه زنی و شعائر آن ندارد و بر عکس ترقیخواهی سکولاریزم را نمایندگی میکند مانند زن زندگی آزادی یا مرد میهن آبادی.

در آمدن جامعه از زیر نفوذ قلاذه های آهنین آخوند و مذهب اسلام یک سوی جریان است و درگیر شدن با نیروهای ارتجاعی اسلامی خارج از حاکمیت که دو دستی به همین شعائر اسلامی و دایره و تنبک و نقاره خانه ارتجاعی آن نظیر انواع وفات ها و مراسم سینه زنی و عزا داری های اسلامی قفل شده و میشوند فصل دیگری خواهد بود. این نیروها با زور دگنک میخواهند با دعا و ثنا و شعار های آی حسین کشته شد حس جامعه را بطرف افکار منحط اسلامی بکشانند و در آنجا از وزن حرکت رو به جلو و سکولار جامعه و زنان به نفع فرهنگ اسلامی عربی بیگانگان غیر ایرانی بکاهند و جامعه و مردم رها شده از آخوند و اسلام مجدد درگیر عزا داریهای و امام و امام زاده بازی ها خواهند شد، این نیروهای تخریب گر اسلامی اجازه نخواهند داد انرژی سکولار جامعه بطرف رشد و ترقیخواهی واقعیت گرایی و سکولاریسم سوق پیدا کند.

دستاویز این نیروها میشود آزادی مذهبی مندرج در تعهدات بین المللی در صورتی که در بعد از جنگ جهانی دوم بر اساس کشتار ها و خونهای ریخته شده توسط فاشیست ها و نازیستها آنها اجازه سربلند کردن مجدد در سطح بین المللی را نداشتند و ندارند ولی نیروهای اسلامی هستند که سوپاپ اطمینان مجدد فاشیستهای اسلامی و روی کار آمدن مذهب و اسلام و آخوند با معیار های احمقانه و ضد مردمی خویشند.

در گیری میان نیروهای آزاد شده از قید مذهب اسلام فقهاتی و دیکتاتوری مذهبی اسلامی و لچک و چارقد و لباس های تعیین تکلیف شده دستور از بالای سازمانی آخوندی مکلائی با فرهنگ جدید زنان سکولارپیشرو و آزادیخواه.



جامعه حق ندارد که فرمان حرکت سکولار و آزادیخواهانه مردم و زنان ایران را حتی بصورت کوتاه مدت در دستان نا پاک اسلام و حافظان منافع آن قرار دهد. نیروهای جوان و ملیونی ایران نشان داده اند که بخوبی از عهده رهبری جامعه خویش بر میایند و احتیاج به هیچ آقا بلا سر اسلامی و مذهبی اعم از معمم و یا مکلای مسلمان ندارند.

البته آگاه به این نیز هستم که افرادی برای پیدا کردن راه کار برای رهائی اسلام از سرنگونی و افتادن به قعر چاه ذلت بفکر احیا کردن اسلام عزیزشان هستند و میخواهند با نوشته جات و کتابهای جدید امام عصر را ثابت کنند خدا را ملوس نمایند و حجت محمد و علی را بنام شیعه ۱۲ امامی ثابت نمایند ولی هنوز زمان مجال آنرا به آنان نداده است.

از بیش از سی و اندی سال قبل با بیش از انتشار ۳۴ دیوانهای غزلیات و ده ها رمان و مجموعه های شعرو صد ها مقاله بر روی اینترنت با محوریت زنان آزادیخواه ایران نشان داده و نوشته ام که انقلاب آینده ایران یک انقلاب فرهنگی در دست زنان مدرن و رها شده از یوغ اسلام و مذهب خواهد بود و این انقلاب میرود تا مدرنیسم را به دست زنان ایران در رگ و پوست جامعه رسوخ دهد و در پی آن تمام معیار های فرهنگی و سیاسی منطقه خاور میانه و جهان را تحت تاثیر خویش قرار خواهد داد در مقدمه های دیوانهای غزلیات من که بر روی گوگل موجود است تمام این طرحها از سی و اندی سال قبل ورق به ورق آورده شده است کافی است که بر روی گوگل مرقوم بفرومائید دیوانهای غزلیات نوید اخگر هر کدام از آنها شامل ۲۴۰ صفحه شعر و غزل و نوشتار تحلیلی در نفی اسلام و حمایت از سکولابریزم را خواهید خواند.

نوید اخگر

تاریخ ۱۰ اکتبر سال ۲۰۲۲ سوئد استکهلم

■ ضرورت مبارزات قهری و بایکوت رژیم اسلامی در جهت سرنگونی یک الزام است.



در دهه ها قبل ضرورت سیاست با ایران همچون آفریقای جنوبی زمان آپارتهاید برخورد کنید(یعنی بایکوت اقتصادی رژیم حتی ورزشی و فرهنگ رژیم اسلامی) را در مدیای ایرانی و بین المللی مطرح کردم که با مخالفت های متعدد مخصوصا گروههای مختلف اعم از مجاهدین و نیروهای چپ مواجه شدم. خاطرم هست با کمک گابی گلاشمن معاون سردبیر روزنامه اکسپرسن در سوئد که ریاست انجمن قلم سوئد را نیز بر عهده داشت بخش کوچکی را در این روزنامه بمن اختصاص داده بود که در مورد تحریم کردن رژیم جمهوری اسلامی مینوشتم و بمباران هر روزه از طرف عناصر سوئدی و ایرانی بر علیه من جریان داشت.

حتی مجاهدین مایل نبودند پشت سیاست بایکوت کامل رژیم بیایند . میگفتند ما ۱۰۰ از جامعه جهانی میخواهیم حالا که نمیدهند پس ۹۰ یا ۸۰ تقاضا میکنیم نیروهای چپ بطور کلی هنوز اینقدر رشد نکرده بودند که سیاست شوروی سابق و بعدا پوتین را بتوانند تبیین کرده و دست از حمایت رژیم اسلامی بردارند.

باز خاطرم هست که روزی بو ویکتور پاگلر سردبیر خارجی روزنامه داگنز نی هتر بمن زنگ زد و گفت این چیزهایی را که تو در روزنامه اکسپرسن جهت بایکوت رژیم جمهوری اسلامی مینویسی یک دیوانگی محض است و این دیوانگی را گابی گلاشمن زمینه اش را برای تو آماده میکند. و باز خاطرم هست که مقاله ای را برای روزنامه داگنز نی هتر نوشته بودم که بو ویکتور پاگلر گفت چاپش نمیکنیم تو میخواهی رابطه سوئد را با جمهوری اسلامی خراب کنی و گفت تو جواب من را بده چرا میخواهی بیکاری در سوئد را افزایش بدهی تورم را در سوئد با قطع رابطه اقتصادی ما با ایران بالا ببری؟ من باو گفتم دست در خون مردم ایران میکنید و از من میخواهید خودم را با این خون شستشو کنم؟ امروز مردم ایران بپا خاسته اند از گذشته گفته و نوشته ام که رهایی از دست اختاپوس مذهب و آخوند غیر ممکن است اگر مردم برای حذف آخوند و اسلام سلاح نداشته باشند و جهان به بایکوت رژیم اسلامی تن ندهد سرنگونی آخوند و اسلام غیر ممکن است.



امروز مردم با پرتاب کوکتل به ملاقات مزدوران رژیم اسلامی میروند و این برای بزرگشیدن رژیم مثبت است ولی کافی نیست مزدوران حکومت اسلامی و علی خامنه ای باید بفهمند که ورودشان به خیابان و کشتار نوجوانان و دختران و زنان ایران قیمت دارد و این قیمت را در جا در همین خیابان باید پرداخت کنند

ضرورت بایکوت جهانی و با آخوند و اسلام همچون آفریقای جنوبی زمان آپارتهاید برخورد کردن یک الزام است نیروهائی که مانند مجاهدین در این صحنه نبرد رو در رو با دشمن شعارهای اسلامی میدهند و به نگه داشتن لچک بر سر زنان سرکوب شده ایران پای میفشردند و تبلیغات اذان و اقامه ای را ادامه میدهند بر صورت زنان ایران خنچ میکشند و چوب لای چرخ پیشرفت جامعه و زنان ایران و رهائی آنان و آزادگیشان میگذارند. زن زندگی آزادی را باید بر مجاهدین آشکار ساخت.

جوانان و دختران ایران به لحاظ تکاملی از این رژیم اسلامی عبور کرده اند و دارند با جامعه جهانی با عملکرد روزانه شان حرف میزنند بهتر از هر دیپلماتی و جهان به حمایت آنان خواهد آمد از چهار چوب گروه های ایستا و اسلامی و غیر اسلامی فسیل خارج شوید قلب رژیم را نشانه بگیرد تا جهان در قدم بعدی بپاخیزد نگه داشتن جامعه و زنان دلیر ایران در این تنگنای سیاسی تاریخی بزودی آشکار میشود برای رهائی زنان و دختران ایران سلاح میخواهند بیاریشان بشتابید و لچک هایتات را هر چه بیشتر بسوزانید تا پاسداران اسلام خونخوار جرات ورود به خیابانها را نداشته باشند.

نوید اخگر

۲۲ ۱۰ ۲۰۲۲ سوئد استکهلم

قطار انقلاب با سرعت به پیش میتازد جا نمانید سوار شوید!

هر چقدر که افراد و گروه های اجتماعی در بنیاد های سیاسی اجتماعی فرهنگی و یا اقتصادی ارتجاعی گیر کرده باشند نمیتوانند خود را به قطار تکاملی و انقلابی جامعه برسانند و بر آن سوار شوند.

قانونمندی های جهان معاصر بشدت تغییر کرده است بیاد بیاورید سیستم برده داری را وقتی سیستم بزرگ مالکی و فئودالیت به میدان گذاشت و زمانی که به سرمایه داری تغییر مسیر داد تمام بنیاد های فرهنگی و سیاسی سیستم گذشته تغییر کردند و امروز اقتصاد گلوبال بنیاد های ارزشی سیستم گذشته را با تفاوت های کیفی و کمی از سیستم قدیم در معرض قضاوت قرار می دهد .

کاپیتالیسم با ارزش های استثمارگرانه اش نیروهای کار و استثمار شونده را میدید که سازماندهی دگر گونه ای با عصر فئودالیت به خود گرفته اند . و امروز مبارزه دنیای گلوبال چه در فرم و چه در محتوا با آنچه از انقلاب در دهه های گذشته نام گرفته بود متفاوت است.

امروز جهان عظیم ترین جنبش های اجتماعی را به چشم می بیند بدون اینکه منتظر یک رهبری فردی یا عقیدتی مانند علی خامنه ای باشد که با چوب و عصائی در دست منتظر تربیت دختران زنان و مبارزین ایران نشسته است و مرتب مردم را مجبور میکند که بنشینند و برای رژه واحد های نظامیش کف بزنند و یا اعضای سیاسی جامعه جهانی را مجبور میکند و خط میدهد که در پشت تریبون ها از مقام شامخ این پدیده و مولود تک ساخته جهان بشریت تعریف و تمجید کنند بدون اینکه متوجه شکم های گرسنه مردم باشد که با شکم های گرسنه هر چه در بطن دارند را بر روی این موجود محیرالعقول قی میکنند و بالا میاورند.

یا رهبری که مبارزین را به سیبری تبعید میکند سر و دست قطع میکند افراد را زندانهای طویل المدت میکشاند آنها را با انداختن آب دهان بصورتشان در میان جمع های خودش تحقیر میکند و میخواهد از این مچاله شده های بیچاره کودن سر و دست قطع شده انسان طراز مکتب بسازد که بدرد جامعه بخورند و گره از گره های اجتماعی و سیاسی مملکت خود را بگشایند.





در میان این احزاب مخصوصا آنان که محجبه شده اند بگردید و از آنان بپرسید آیا این بود رویا ها و ایده آل های شما وقتی که هنوز پسرکان و یا دخترکانی کم سن و سال بودید؟ فکر میکردید وقتی در این مناسبات عربی ارتجاعی عقب مانده عهد بوق ضد زن غرق شدید و با یک آیه قرآن خرید و فروش شدید به تمام رویا هایتان رسیده اید؟ مبارکتان باشد. مواطب باشید قطار تکامل دارد با سرعت از کنار شما میگذرد جا نمائید!

پلیس آلمان در تظاهرات برلین که تعداد شرکت کنندگان را از ۸۰ هزار تا ۱۳۰ هزار نفر ذکر کرده بودند با خیال راحت اعلام کرد تظاهر کنندگان بسیار با فرهنگ در این حرکت شرکت کردند و کوچکترین برخورد منفی در این حرکت مشاهده نشد. در کانادا حضور ۵۰ هزار نفر در صف تظاهرات نیز بسیار محترمانه صورت گرفت. سوال در این است چه چیزی در عرض یک مدت کوتاه عوض شده و تاثیر گزار بوده که جمعیت های بدین عظیمی با درکی بی نهایت عادلانه عادلانه با کفایت فرهنگی و با شعار ها و برخوردهای سکولار بدون شعار های مذهبی ضد زن برخورد میکنند؟ در یک کلام باید بگویم حضور زنان و دختران در این حرکت ها.

سازمانهای سیاسی باید بخود بیایند و از خود سؤال کنند چرا آنان نتوانستند قلبها را با خود همراه سازند تکلیف اینهمه بگیر و ببند تشکیلاتی سیاسی ۵۰ سال گذشته ایران چه میشود؟ چه چیزی تغییر کرده که این تشکیلات ها نتوانستند آنها درک کنند؟

مرتب سؤال میشود که چه کسی میتواند جای این رژیم را بگیرد؟

توجه کنید که در تمام جهان و در راس احزاب سیاسی در کشور های مختلف چقدر جوانهای ایرانی به مقام رهبری این احزاب به مقام وزارت و در بالاترین مناسب کشوری اروپا و امریکا دست یافته اند بدون اینکه کسی بصورتشان تف کند آنان را زندانی کند تحقیرشان کند و از این نوع انسانها ایران هزاران در هزار داردمخصوصا با حضور زنان ایرانی که همین هفته گذشته دو تن از آنان در همین سوئد به مقام وزارت رسیده و تعداد بیشمار دیگری در اروپا و کانادا مناسب تخصصی بی نظیری را اشغال کردند پس به آنان که دغدغه جانشینی آخوند شپشوی کثافت قرون وسطی ای بچه کش را دارند باید بگویم جامعه ایران با حضور زنان آزاد سکولار و با تجربه ما که از پرونده های بسیار شریف و قابل اتکائی برخوردار هستند رهبران فردای ایران ما خواهند بود نه هیچ تبلیغات چی شکنجه گر دیگری.



آنچه سایه رابرت مالی ها را از سر سیاست مماشات با آخوند کم میکند آه و ناله کردن به شخص ایشان که منتخب بایدن و دارو دسته اینهاست نیست بلکه تیزی سلاحی است که در دست دختران و زنان و مردان و مبارزین ایران است که در امروز باید عمل کند و در فردا برق این شمشیر چشم رابرت مالی ها را در کف خیابان خیره خواهد کرد اصلاح طلبان دیروز و مزدوران امروز اسلام عزیز به این سیاست شمشیر برا و قاطع نزدیک نمشوند و در سایه آن بیتوته کرده به و عز و جز میپردازند.

و بعضا افرادی تاریخ را به نفع خود به غلط مینویسند دیدم فردی نوشته بود منصور حکمت از سی سال قبل طرح با ایران همچون آفریقای جنوبی برخورد کنید را صادر کرده بود.

فتوای خمینی در سال ۱۹۸۹ صادر شد یعنی دقیقا ۳۳ سال قبل از همان زمان در انجمن قلم سوئد در حمایت از سلمان رشدی با شعار و سیاست با ایران همچون آفریقای جنوبی زمان آپارتهاید برخورد کنید موتور این حرکت را روشن کردم بعد از چندین سال حزب کمونیست کارگری به این شعار و سیاست نزدیک شد ولی میگفت ما تقاضای بایکوت اقتصادی ایران را نداریم. یعنی هیچ سازمان چپی چنین ادعائی را نمیگردد میگفت صدمه به طبقه کارگر میخورد. خنده دار بود زیرا نمیشود تقاضای بایکوت دیپلماتیک کشوری را داشت و در همان زمان با او مراوده اقتصادی برقرار کرد. در سیاست با ایران همچون آفریقای جنوبی برخورد کنید هم بایکوت اقتصادی منظور بود هم تیز برنده سلاح مقابله گر با رژیم.

این تئوری ها را حزب کمونیست کارگری متاسفانه نداشت و امروز بایستی تاریخ سیاسی ایران را درست بنویسد و دوغ و دوشاب را با هم مخلوط نکند و نتیجه بگیرد.

مبارزات زنان و مردم ایران سر باز ایستادن ندارد و هر روز برنده تر از دیروز جواب رابرت مالی ها و سیاست های مماشات و سرکوبگرانه آخوند کشتار گر را خواهد داد حکومت اسلامی نمیخواهیم نمیخواهیم پلاکادر جلو سینه رابرت مالی ها و بایدن هاست. نوید اخگر

۲۵ ماه اکتبر سال ۲۰۲۲ میلادی سوئد استکهلم

تغیر محتوا تغییر فرم را میطلبد

در طبیعت و آنچه دور و بر ما را احاطه کرده است آنچه روزانه آنرا مشاهده میکنیم تغییر شرایط و مناسبات است. برای ساده سازی این مفهوم باید بگوییم بطور مثال اگر در کاسه ای فلزی آب استفاده میکنید اگر در همان کاسه محتوا تبدیل به سرکه یا مایعات اسیدی قوی شد باید ظرف خود را تغییر دهید زیرا محتوای کاسه که همان آب بود تغییر کرده است. زمان در حال تکامل و تغییر صورت مسئله هائی است که در گذشته برای ما یک عادت و یک حکم ثابت شده بود. همین مسئله انقلاب زنان ایران را در نظر بگیرید ۴۳ سال سرکوب خونین زنان ایران بدست اسلام آخوند و مذهب و امروز انفجار اجتماعی دختران دبیرستانی دانشگاهی زنان بطور کلی که دیگر معیار های ۴۰ یا ۵۰ سال گذشته قرآنی سنتی آخوندی را نمی پذیرند و بآن تن نمیدهند. یعنی با تغییر کردن معیار های اقتصادی سیاسی اجتماعی تکنولوژیک (بعنوان یک محتوا) زنان خواهان یک ظرف جدید هستند. اولین گروهی که در مقابل این تغییر و این گروه اجتماعی موضع میگیرد مسلمانانی هستند که معیار های قرآنی و محاسبات مذهبی خویش را در تضاد با این تغییر و دگرگونی یافته به دشمنی با آن برمیخیزند. زنان جامعه چادر و لچک و نقاب را بکنار گذاشته و این تغییر محتوا را پیشرفت و آینده نگری تلقی کرده و وارد ظرف تازه میشوند در مقابل اینها آخوند های عبا عمامه ای و نیز مکلا های مسلمان که بگوشه قبای ایدئولوژیکشان برخورد با فحاشی و شعار های آی حسین کشته شد وارد میدان میشوند و فریاد وا اسلاما سرمیدهند که این مفسدین امروز دارند چادر و لچک را از سر زنان ما میکشند و انواع تهمت های رذیلانه را نثار افرادی میکنند که این انقلاب را دارند در رگ و پوست جامعه احساس میکنند.



پیشنهاد من به این آقایان فوکل کراواتی مسلمان معتقد عقب مانده اینستکه از تاریخ بیاموزید.

یادم هست در سده های گذشته ما در سوئد یک نخست وزیری داشتیم بنام اینگوار کالسون سوسیال دمکرات بعد از اولف پالمه که در استکهلم ترور شد ایشان نخست وزیر شد، ایشان کتابی نوشته بود که وقتی آنرا میخواندم یاد تئوریهای لنین و استالین مرا احاطه میکرد. زمانی که پرسترویکا و گلاسنوس روی کار آمد نه تنها آن تئوریها اینگوار کارلسون نیز تغیر کرد و گل سرخی هم که نشانه سوسیال دمکراسی سوئد بود جایش را به یک تصویر نقاشی شده داد که کمتر به گل سرخ شباهت داشت. یعنی با تغیر مناسبات اتحاد جماهیر شوروی محتوا و تشکیلات های سوسیال دمکراسی اروپای غربی هم تغیر کرد.

مسلمن انقلاب جدید و زنانه امروز ایران تمامی نیروها را اعم از مسلمان مذهبی یا نیروهای ماتریالیست مجبور خواهد کرد که نتنها در مناسبات داخلی که در محتوای گذشته خود نظری بیافکنند و تغیر حاصل کنند. لباس جدید بپوشند ظروف اجتماعی خو را نو کنند و با یک سازمان نو و با محتویات نو به انقلاب جدید ایران بپیوندند. ایران از اسلام و آخوند عبور کرده است شما نمیتوانید با زور مجدد نظامی ایدئولوژیکی اسلام را به ملت ایران مجددا تحمیل کنید در غیر اینصورت شامل فرسایش زمانی و تضاد با نیروهای نو جامعه شده از صحنه حذف میشوند

نوید اخگر

۲۷ اکتبر سال ۲۰۲۲ سوئد استکهلم



این لباسی که آخوند ها میپوشند بر اساس فاکت های تاریخی هیچ شباهتی به لباسی سران اسلامی در زمان محمد علی و عمر نداشته و ندارد. اتفاقا بر اساس اسناد تاریخی آنها(رهبران اسلام) معتقد بودند که رهبران مذهبی نباید در میان مردم شاخص باشند و مشخص شوند پس همانند آنان لباس میپوشیدند.

درست کردن سکت های مذهبی که بعد در آینده بتوانند از مزایای اقتصادی دین هم بهره بگیرند سبب ایجاد این لباس آخوندی شد که با پوشیدن آن از جمع مجزا میشدند و میتوانستند بعنوان افراد جمع کنند خمس از مردم عادی برای رساندن آن به مهدی موعود کمک بگیرند. کثیف ترین فرقه اسلامی بی عار ترین و بیکار ترین سکتی که مردم ایران بخود دیده همین آخوند ها بوده و هستند که در طی قرون توانستند برای خود موضع اجتماعی مذهبی معین کنند مردم را بدوشند و از دسترنج آنان استفاده کنند قشری که به لحاظ فکری شدید ترین ضربات را بر مردم و جامعه ایران به لحاظ تاریخی سیاسی اجتماعی و فرهنگی وارد آورده و از دسترنج مردم ایران بوسیله قلک های گدائی نظیر ضریح امامان و امام زادگان مردم را دوشیده و سوء استفاده کرده و شکم گنده نموده است. در آینده این مراکز ضد تاریخی باید در اختیار مجامع فرهنگی و سیاسی ایران قرار گیرد و درب این فعل و انفعالات مذهبی تخته شود.

آنچه ما امروز شاهدش هستیم که مردم بر سر آخوند میریزند و وی را تنبیه میکنند یا با پس گردنی های محکم و آبدار عمامه از سر آنان میپرانند ریشه در خشم تاریخی مردم ایران دارد که در شعار آخوند باید گم بشه منعکس میشود.

چند آخوند هم به تازگی در چند ویدئو اظهار داشته اند که علی خامنه ای به آخوندی دیگر در مورد رفرندام مثبت برخورد کرده است. باید به این شامورتی باز های عمامه بسر گفت حرف هیچ آخوندی مورد قبول نیست تا اینکه ریش بتراشد لباس عادی بپوشد تا ببینیم چه میخواهد بگوید ولی تا آنجا که بمردم ایران مربوط میشود کلام اول و آخر مردم ایران سرنگونی است نه رفتن و بازی کردن در زمین وزارت اطلاعات و در دستان آخوند های حيله گر اگر خامنه ای رفرندام میخواهد آنرا صریحا از رادیو و تلویزیونش اعلام کند نه از زبان چند آخوند ناشناس یا شناس دیگر. حمله به مراکز طلاب امور فسق و فسجور یک الزام انقلابی است که باید در دستور کار رهبران صحنه های نبرد قرار داشته باشد.

نوید اخگر





این روزها من با شعار جوانهای انقلابی و حرکت های تکامل سیاسی رایج دارم به نتایج جدیدی میرسم . سالها بود که از تریبون های مختلف میشنیدم که مثلاً هواداران مجاهدین با شعار ایران رجوی رجوی ایران به میدان میامدند و یا مطرح میکردند ایران مریم مریم ایران . حالا این دختران جوان که سطح خیابان ها را پوشانده اند با انقلاب زنانه شان نه تنها این شعار ها را نمیدهند که میگویند ما رهبری نداریم که دستگیر شود و ما بی سر شویم رژیم ۳۰ هزار نفر را دستگیر کرده صد ها نفر را کشته جنبش با تمام قوا با شعور و شرف مبارزاتی به پیش میتازد . نظر شما چیست کدام روش و سیستم درست است آنچیزی که مجاهدین میگویند یا جوانهای انقلابی سطح شهر ها ؟ مجاهدین معتقد هستند که باید اسلام را حفظ کرد آخوند را حفظ کرد و در شورای ملی مقاومتشان آخوندگنجه ای و تعدادی آخوند دست ساز خودشان را هم دارند لچک را هم بر سر زنان خودشان حفظ می کنند ، جوانهای انقلابی شعار آخوند باید کشته شه یا آخوند باید گم بشه را سر می دهند یعنی بطور کلی قصد برچیدن کل سیستم اخوندی با پشتوانه اسلامی را دارند مدارس اخوندی را به آتش میکشند و لچک های خود را که نماد اسلام سرکوب و دیکتاتوری اخوندیسم است را در آتش میسوزانند و به مجاهدین میگویند شما بعنوان یک سازمان سیاسی حق ندارید مجدداً به تئوریزه کردن اسلام که ۱۴۰۰ سال میهن ایرانی ما را سرکوب ستوران خودش کرده مجدداً در قل و زنجیر مذهب اسلام نگه دارید و این رنسانس تاریخی را از بین ببرید و لچک بر سر زنان نگه دارید و بصورت یک گروه این اقدام فاشیستی را نگذارید از صحنه حیات ایران رفع شود این یک حرکت فاشیستی است آنهم از نوع اسلامیش که مردم ایران با خون خود انرا پاک سازی کرده و می کنند و مجاهدین با حفظ اسلام و لچک و آخوند کمر به نابودی این حرکت آزادیخواهانه مردم ایران بسته اند ، نظر شما مردم ایران چیست حق با کدام گروه است ؟ فکر میکنید که مجاهدین دارند از آرمان های گذشته خود برای رسیدن به رهائی آزادی و آزادیخواهی با ظهور جوانان انقلابی و فلسفه جدید فکری آنان فاصله میگیرند آیا این نقطه شروع فرو پاشی ایدئولوژیک اسلامی تشکیلاتی سکت های گذشته گرای مذهبی است ، یا نقطه قوت و نقطه عطف سیاسی مجاهدین است ؟ چرا جهان بعد از جنگ جهانی دوم ایدئولوژی فاشیزم هیتلری را که مسبب کشتار پیر و جوانان و مردم جهان بود ممنوع اعلام کرد و چرا مجاهدین نفس این رنسانس ضد فاشیستی را درک نمیکند و ایران را از اسلام و آخوند و خرافات و قران منفور رها نمیسازد ؟ آیا تصور میکنید که گرایش این روزهای جوانان به سکولاریسم واقعیت گرایی کاربرد و خواستار دارد یا غرق شدن در موضوعات مذهبی اسلامی از نوع مجاهدین طرفدار دارد ؟ آیا اینهمه وحشیگری اسلام و اسلامیون از صدر اسلام حکومت محمد و علی تا امروز حکومت خامنه ای کافی نیست که از خود برون آئیم و بیاری تاریخ ایران و ایرانی نظر افکنیم نظرات خودتان را با احترام و حفظ فرهنگ مترقی بنویسید

نوید اخگر شنبه ۱۲ نوامبر سال ۲۰۲۲ میلادی سوئد استکهلم

بلوچستان و کردستان نفس در سینه ایران



سالها زیر سلطه اسلام و آخوند تمام هستی کردستان و بلوچستان را به تاراج بردند و در قلب کولبر و سوخت بر سرب گداخته کاشتند. سالها محروم ترین مردم ایران در کردستان و بلوچستان با حداقل های ناممکن برای زیست سرکردند و استثمار طبقاتی در تمام سطوح بر مردم کُرد و بلوچ نحمیل شد. امروز مردم سراسر ایران بپا خاستند و در حمایت از کردستان و بلوچستان شعار میدهند. برای آزادی مردم ایران و کردستان و بلوچستان باید تمام نماد های اسلامی و دولتی را در جواب به دوشکا مسلسل و حملات ضد بشری رژیم به آتش کشید. جامعه جهانی به کمک مردم کردستان و بلوچستان نخواهد آمد تمام سلاح ها برای حمایت از شهر های کردستان امروز باید بر روی رژیم و مزدورانش آتش باز کنند. یک صحبت بسیار مهم با اپوزیسیون مخصوصا با نگاهی آموزشی از روی مبارزات آفریقایی جنوبی و دیگر جنبش آزادیبخش اینستکه نیروهائی که از رژیم کنده میشوند را سریعاً بعنوان رهبران فکری جامعه نپذیرید زیرا کل جنبش را سریعاً بزیر افکار پوسیده گذشته رژیم اسلامی آخوند فرو خواهید برد. رهبران فکری جامعه را از میان مبارزان جوان و زنانی که با رژیم و عواملش همکاری نداشته اند برگزینید مواظب شارلاتان ها و خود فروختگانی که هر شب را در بستری بسر برده و امروز میخواهند خود را بعنوان قدیس و رهبران فکری جامعه جلوه دهند از خود برانید

نوید اخگر

۲۲ نوامبر سال ۲۰۲۲ سوئد استکهلم

انقلاب زنانه ایران از روی مجاهدین و رژیم و نیز از روی کلیه گروههای سیاسی عبور کرده است.

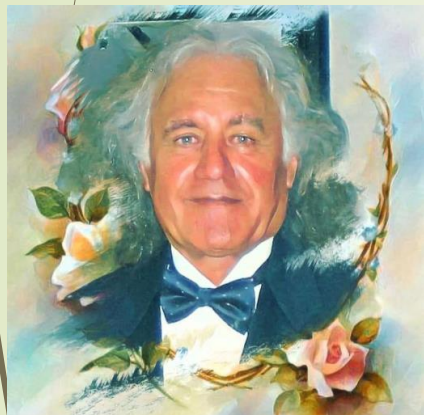
آیا آنهائیکه به انقلاب بعنوان یکی از اصول دیالکتیک باور دارند سر بر درگاه پروسه تکاملی آن هم میسایند و به آن هم اعتقاد دارند؟

تفکر اسلامی با نگاهی جزمی به آیات از پیش تائید شده متافیزیکی قرآنی مذهبی انقلاب اسلامی را خواست خدا میداند که در دامن آخوند گذاشته شده و هیچ تکاملی و کم و زیادی در طی پروسه تاریخ بر آن مترتب نیست. پس هر گونه تعارض با آن و نقد آن به دستگیری شکنجه و حذف فیزیکی و اعدام انجامیده و محاربه با خدا خوانده میشود.

طوفانی که انقلاب زنانه ایران بر پا کرد در کوتاه مدت از ورای بینش های مردسالارانه قرون و اعصار عبور کرد تمام ساختارهای فکری ایدئولوژیک و سیاسی فرهنگی آنان را در هم ریخت و بنائی نو را دست بکار شد که در تاریخ جهان بی سابقه است و از حمایت قشرهای مختلف جهانی برخوردار است این بنای تاریخی و معظم میرود تا کل خاورمیانه و نیز دنیا را در برگیرد بر خلاف ایدئولوژی های سکتیستی رایج که یک گروه انگشت شمار را در بر میگیرد از انواعی که در ایران و منطقه اعم از شیعه و سنی و حنفی و حنبلی و غیرو وجود دارد. بعنوان مثال تظاهرات های زنان در روسیه و نیز در چین دو نمونه شاخص آن است.

در تعریف علوم جدید بعنوان مثال پدیده جدید را بعنوان خورشید درخشنده در نظر میگیرند که جهان در زیر بال و پر آن نیرو قدرت و توان انقلابی و تکاملی میابد در بینش رژیم اسلامیکه نه به انقلاب معتقد است و نه به تکامل موضوع برعکس است همینطور در بینش مجاهدین. چند روز قبل در یک برنامه تلویزیونی آقائی برای مجاهدین سخن سرائی میگرد که همه را در حیرت فرو برده بود ایشان داشت در مورد سکولاریسم سخن میگفت و مطرح میکرد که محمد حنیف نژاد به این خاطر که گفته تضاد بین استثمار شونده و استثمارگر است یا مسعود رجوی گفته جدائی دین از دولت پس اینها سکولار هستند و زور میزد با تمامی توان بگوید که انقلاب امروز زنان ایران بنام خورشید تابان عصر از وجود دیروز و امروز مجاهدین است که نور افشانی میکند. اینقدر سطحی نگری و وارونه گوئی انسان را یاد ملیچک های درباز شاهان قاجار میاندازد.





آقایان و خانمهای مجاهد زمان از روی شما عبور کرده بیدار شوید دیگر نه اسلامی بدرد مردم ایران میخورد نه آخوندی نه مسجدی نه تکیه و حسینه ای نه امام زاده و نه قرآنی تازه از همه اینها که بگذرید همچنان که جنگ جهانی دوم که مدفن فاشیزم هیتلری شد این انقلاب زنانه هم دیگر اجازه نخواهد داد به گروهی دیگر که بیایند و فاشیزم اسلامی را بار دیگر بر سر و گردن مردم ایران استوار کنند و با عنوان آزادی دین و مذهب کشتار ها و سرکوب های اسلامی سالیان گذشته را از نو زنده گردانند البته با قرائتی دیگری.

جلوگیری از فاشیزم اسلامی و دربردن قرآن متحجر و آخوند را از زیر ضرب نیروهای آزادیخواه و دمکرات اجبار کردن حجاب اجباری را بار دیگر بر سر زنان ایران و تمسخر کردن انواع تبعیض ها و جداسازی های زنان و مردان ایران را ضدیت دینی نام گذاری میکنند در حالی که جهان یکپارچه و یکصدا محکوم کردن فاشیزم هیتلری همصدا شد و دست فاشیست ها را از تمامی مراجع داخلی و بین المللی قطع کرد. گروه های اسلامی بیدار شوید انقلاب زنانه ایران از روی شما عبور کرده است.

نوید اخگر تاریخ ۷ ماه دسامبر سال ۲۰۲۲ میلادی سوئد استکهلم

مریم رجوی سر خم در مقابل آخوند و اسلام غدغن!

چندی پیش ویدئویی از طرف مجاهدین به نمایش در آمد که در آن مریم رجوی در مقابل یک مسجد ساخته شده توسط خودشان در کشور آلبانی (از پول کی و با اجازه کی بماند) برای اعضای این گروه در مورد امام حسین سخنرانی میکرد و میگفت که در مقابل خامنه ای این حسین است که موضوعیت دارد (نقل به مضمون).

برای یک بررسی تاریخی اجتماعی سیاسی ایدئولوژیک اشاره به نکات ذیل قابل توجه است.

الف: به لحاظ تاریخی

اینکه مجاهدین تا چه حد چه در راس و چه در بدنه به تاریخ ایران اشراف دارند که اگر داشتند آیا چنین میگفتند؟ آنهم در چنین عصری که رژیم خامنه ای در ۱۲۰ روز گذشته ۷۵۰ تن از جوانان ایران را به چوبه های دار آویزان کرده کشته تجاوز کرده فکر میکنید از دید مجاهدین در مقایسه با امام حسینشان مخفی مانده است آیا امام حسین مجاهدین در حمله به ایران از این کشتار ها و تجاوزات نکرد؟ بروید و تاریخ را ورق بزنید تا ببینید که خامنه ای عکس برگردان کارهای حسین شما را کپی میکند.

آیا دلیرانی همچون مجید رضا رهنورد که در پای تیرک اعدام به جلادانش میگوید سر مزار من عزاداری نکنید قرآن نخوانید موسیقی پخش کنید شادی کنید از دید مجاهدین مخفی مانده است؟ یا شاید او را هم جزو اعضای خود میدانند. (خامنه ای هم به تازگی معتقد شد که آنهایی که حجاب ضعیف دارند از بچه های خودش هستند که برایش اشک میریزند). این دلاوری ایدئولوژیکی تاریخی مجید رضا رهنورد در مقایسه با حسین مرد عربی که با برادرش حسن به ایران لشکر کشی و کشتار کرده قابل مقایسه است؟ آیا ایرانی باید به شهامت ها مردانگی ها و افکار آزاد مجید رهنورد ها اقتدا کند یا به حسین که حتی از تجاوز به دختر شاه ایران البته با توجه به اینکه دختران زیادی در خیمه گاهش بودند قابل مقایسه است؟ در عصری که شعار محوری آن زن زندگی آزاد است؟ مریم رجوی! سر خم در مقابل اسلام و آخوند غدغن!





ب: به لحاظ اجتماعی و سیاسی مردم ایران در یک تضاد آنتاگونیستی با رژیم اسلامی و علی خامنه ای قرار دارند لچک از سر بر میدارند آنرا در آتش میسوزانند با پس گردنی های عمیقاً ایدئولوژیک عمامه از سر آخوند را به خاک میمالند شعار حکومت اسلامی نمیخواهیم نمیخواهیم را فریاد میکشند ولی مریم رجوی در یک تز علمی! میگوید آنتی تز علی خامنه ای و حکومت اسلامی حسین است مریم سکولاریزم و مبارزات زنان آزاده ایران را نفی اسلام و آخوند نمیداند بلکه آنتی تز حکومت اسلامی را امام حسینی میداند که در کشتار و شقاوت بر علیه زنان و ایرانیان صفحات تاریخ را پر از این جنایات و خباثت ها نموده است و مریم رجوی میخواهد وانمود کند که به سکولاریسم اعتقاد دارد و حامی زنان ایرانی است. عملکرد سیاسی مجاهدین و مریم تا زمانی که وصل به حسین و اسلام و آخوند باشد هیچ سنخیتی با سکولاریزم و آزادی زن ندارد.

باید از مریم رجوی و مجاهدین پرسید اینهمه تحقیر زنان و مردان مبارز و دلیر ایران در مقابل یک عرب متجاوز اسلامی بنام حسین چراست؟ آیا این است عشق شما به ایران و آنانی که در مقابل اینهمه هجویات بافته شده توسط مریم حاضر حاضر میگویند و باعث سرافکندگی مبارزان و مبارزات مردم ایران میشوند؟

تمام جهان میداند که حسین برای مبارزه نرفته بود که از او بتوانید اسطوره بسازید ولی دختران ایران در قبل از رفتن به میدان جنگ اسلام و خامنه ای از خود ویدئو میگیرند و اعلام میکنند که اگر برنگشتیم بدانید که نه قصد خودکشی داشته ایم نه از امراض زمینه ای رنج میبردیم نه قصد پرتاب کردن خودمان را از ساختمانهای مرتفع داریم آری دختران و پارتیزانهای ایرانی اینطور به صحنه نبرد میشتابند نه مانند حسین که با نزدیکانش فرار میکند و نه مانند حسن که با قاتلین فامیلش پیمان دوستی و همکاری میبندد. پارتیزان ایرانی با سری افراشته به مریم رجوی میگوید سر خم در مقابل اسلام و آخوند غدغن!

س: به لحاظ سیاسی هیچگاه تاریخ ایران به این وضوح نافی تفکرات اسلامی غیر ایرانی نبوده است رژیم اسلامی در بن بست بین المللی اقتصادی سیاسی و اجتماعی بسر میبرد و تا سرنگونی فاصله چندانی ندارد و کشتار و اعدام هم هیچ دردی از رژیم را دوا نخواهد کرد گرسنگان سرکوب شدگان کارگران و زنان ایران این جرثومه اسلامی را بگور خواهند سپرد. بکلامی دیگر و قبل از سرنگونی آخوند و ملای اسلامی باید متذکر شوم که اسلام در قلب و ذهن و تاریخ مردم ایران سقوط کرده و سرنگون شده است هر نوع فضا سازی و دادن پوئن مجدد به این تفکر عقب مانده ضد زن خرافی امام زمانی منحنی غیر ایرانی ارتجاع و عقب ماندگیست. هر فرد و گروهی که خود را به آن منتسب کند به یک گروه اولترا فاشیست تبدیل میشود که باید فقط به آخوند و تیغ جلادان آن اقتدا کند و بس. نویداخگر ۱۰ ماه ژانویه سال ۲۰۲۳ میلادی سوئد استکهلم

• از نوید اخگر تا بحال منتشر شده است :



- برگزیده اشعار نوید اخگر (الفبا) شعر
- (حاج آقای بحر العلوم) رمان
- (لاله های سرخ انقلاب) شعر
- (شبدر) شعر
- (غالمعلی) رمان
- (سایه روشن های آشنا) شعر
- (عسل گیسو) دیوان غزلیات
- (شعر نامه ایران) شعر
- (جن گیر) رمان
- (خاطرات تو) مجموعه شعر سوئدی
- (Till minnet av dig شعر سوئدی)
- ادبیات مردمی (ادبیات مردمی فرهنگی)
- (سوگل باران) دیوان غزلیات
- (عشق های من) غزل
- (پرواز) رمان
- (بانوی غزل) دیوان غزلیات



- (سیمرغ) رمان
- Tyst ropande låtar doftar violet شعر سوئدی
- منظومه همیشه خورشید (منظومه)
- استحاله گفتگوی انتقادی (تحقیقی فرهنگی)
- (ساغر) دیوان غزلیات
- (راز های عاشقی) دیوان غزلیات
- (رقص پروانه ها) دیوان غزلیات
- (När hon går förbi در گذار او از اینجا) شعر سوئدی
- ballerina och Svansjön دریاچه قو و بالرین شعر سوئدی.
- (کمان ابرو) دیوان غزلیات
- (آسمان نگاهت) دیوان غزلیات
- (نگار زیبا) دیوان غزلیات
- (کاساندان) دیوان غزلیات
- (مهساهای غزل) دیوان غزلیات

- ما در جهت انتشار ر ده ها رمان دیوانهای غزلیات و آثار نویسندگان و شاعر ایران نوید اخگر که تا بحال منتشر نشده نیز مصمم هستیم .
- (هواداران ادبیات و هنر مردمی) حق چاپ محفوظ*

